

شماره (۲۵) ... سال ...

چهل المئین ... روزنامه مندرجات ...

مدیر کل مزیدالاسلام است ... متظم اداره ...

آقا محمدجواد شیرازی است ... هر دو شنبه طبع ...

و سه شنبه توزیع میشود ... بتاریخ دو شنبه ...

غره ربیع الثانی ۱۳۲۳ ... مصادف با ...

قبل از دریافت نمودن قبض اداره ... قبل از دریافت نمودن قبض اداره ...

در این جریده از هر گونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملایم بحث میشود ...

مراسلات عام المنفعه مقبول و دو انتشارش اداره آزادست ...

فهرست مندرجات ... سیاسی ...

بلوچستان ... استفتاء ... مکتوب انزلی ...

مکتوب از رشت ... مکتوب قفقاز ... نقل از ...

روزنامه صباح ... مکتوب بوشهر ... بقیه ...

اصلاحات وزارت جنگ ... عبرت الناظرین ...

اخبارات روسی جنگ ... راپورت امیرالبحر ...

توکو ... تلکرافات ...

سیاسی ... بزرگترین منازعات دریایی عالم ...

چهل المئین

سنه ۱۳۱۱

عجب تر آنکه در مسابقه این قوت بزرگ که علی بیل العموم مبصرین را بر قوای ژاپون نرس بود و اورا در خطر عظیم میخواندند - بدون هیچگونه نقصان و خسارتی بین که در چنین جنگ بزرگ شایان ذکر باشد - ژاپن چنین قوه عظیم گردید که نظیرش را از بدو عالم تاکنون تاریخ نشان نمیدهد تصور این امر جمیع ارباب سیاست را به حیرت انداخته که با چه تدبیر عتیق و کدام اصول جدید این دولت کوچک چنین قوت بزرگ را در چند ساعت چنان مضمحل ساخت که نشانی از اقتدار او باقی نگذاشت دولت روس را بمجازات بالتیک و این قوت دریایی نازش بود و بجا هم بود - اگرچه روس در درجه اول دول بجمعی بشمار نمی آمد ولی در درجه دوم مسلم کل بود و ژاپونستان در درجه سوم نیز بشمار می آمد

تاکنون ارباب تواریخ بازده جنگ بجمعی را بزرگ و عظیم می شمارند که یکی از آنها جنگ سیواسپول و دیگر جنگی است که امیرالبحر (نلسن) نمود - با اینکه از روی نقشه امیرالبحر (نلسن) عاقبت قلع نمایان شد - ولی در آن گیرودار خودش را متولذ گردید - علاوه بر هیچ میدان بدین بر سرش هیچ دولت بجمعی

بزرگترین منازعات دریایی عالم - واعظم مناقشات بجمعی دنیا - چه بجمیت عظمت وجه بجمیت خوشحوضی مقابله کشتیهای جنگی ژاپون با جہازات بالتیک است که من جبت المجموع یکصد و بیج فرزند مختلفه الحیثیت جنگی - جمال - قسا - فظاین وغیره بوده - و در پست ساخت کامل بجمعی داغون و منتشر و براکنده و بر راه گردید که اثری از آثار قوت و عظمت آنها باقی نماند - و هیچگونه حیثیت و قوتی بجمعی بر جای نماند و در این جنگی ننگی نماند

شماره ۲۵۹ - ۱ ربيع الثاني (۱۳۳۳) - فصل دوازدهم - ۵ جون (۱۹۰۵) صفحه ۲

بدین عظمت خود را مضمحل ساخت و قوت بدین
جبروت را معدوم نموده بود

شکست آنکه امیرالبحر (توکو) که ازین و بعد
اولی الامر بحرش باید گفت تدبیری نمود چنانکه بدون
طیاره بین چنین قوت بزرگی را معدوم ساخت. نه تنها
خود - امم مابذ بلکه یکی از سرکردگان بحری او نیز بکلی
نیامده و بودج یک از جبهات ژاپون هم نقصان
نرسید - این مدبر بزرگ که آمر مطلق بحر است کاری
کرد و جهوتی بخرج داد که جمیع سیاسیون فرنگ
انگشت عبرت بدانان گرفته - طامه دول را رعشه بر
اندام اقتصاده حیماً حساب کار خود را کرده بر ماقتبت
خویش در شرق الشرق لرزاند - نه تنها سیاسیون
فرنگ دندان طمع را از سواحل و داخله چین کنده
بلکه تا اندازه بر جمیع مستعمرات آسیای خود ترسانند
حق دولت انگلیس که بنابر اتمادیک با ژاپون دارد -
(و بزاییک بر او گرفت شود خود را حرکت این جنگ
و مؤید ژاپونیان جلوه میدهد) - و ظاهراً اظهار مسرت و
بشاشت از فتح دوست خود مینماید - چون ملاحظه ماقتبت
این قوت برومند را میکند و این نام برداری بالاستحقاق
را ازین رقیب با استعداد آسیائی مینگرد - و میداند که ماقتبت
دو روزی بیاید که بهورا باید با او بجه نرم نماید - از خوف
و دهشت و حقد و حسد درملهای پیچ و تاب است
امیرالبحر (توکو) نه تنها حائز چنین فتح بزرگی برای
دولت خود شده - بلکه هیبت و عظمتی از دولت ژاپون
در قلوب جمیع دول اروپا جای داده که احدی از آنها
ازین و بعد در حمایت روس تصور مقابله با ژاپون را در
صحنه خاطر راه ندهند - و این فتح کاملاً مسئله چین
را چنانکه سابقاً موضوع بحث بود بافتح و شکست دو
حریف را در اقصای شرق ایصل نمود - تا اندازه میتوان
گفت این جنگ خونخواره هم را خاتمه نموده است

از جهت ترقیات این دولت می و بحسب آن است
که توام در قوای بحری و بری خود را مسلم قی داشته -
برخلاف سایر دول که هر یک قوتی نامبردار اند - مثلاً
انگلیس و آمریکا قوت بحری نامزد - و روس و آلمان
قدرت بری مشهور - و حق هم این است که این شهرت
را چندین مخالف واقع نمیتوان گفت - چه بارها به تجربه
رسیده است - ولی این تا دوره زمان یعنی دولت ژاپون در

همپیمان برابرا هرگاه قدم جلالت پیش نهاده گویا حاضر
نام آن قوت و مجد کلیه قوانین آن میدان بوده است
ژاپونیان بنسبت اینکه در جزیره مثل انگلیس
ساکنند اندکی شهرت بقوای بحری و قوت جنگ دریائی
داشتند - چنانچه سی و پنج سال قبل (نظر بحرفی
جرايد فارسی) بدزدان دریائی معروف بودند - مع ذلک
بملاحظه کوچکی آن جزیره و حقارت آن دولت و کم
جنگی اهالی آن سرزمین هیچ گونه نسبت برابری بدول
بحری قبول نمینمود - ازین بود که دولت روس با
جزئی قوت بحری که در اقصای شرق داشت مدعی
آن شد که خاک (توکو) را بر باد خواهد داد - عجب تر
آنکه قبل از جنگ جبهات روس در اقصای شرق چه
در عدد و چه در وزن پیش از ژاپون و استحکامات
سواحل آن مثل بندر (آرتور) و غیره ضربه المثل بود -
چون ژاپون بدوا بر روس دو بحر غلبه نمود چینی از
تصادفات شمرده - برخی گفتند که روس مستعد جنگ
نبود و ژاپون غفلاً بر او تاخت - عقیده کلیه اروپا سیاست
این بود که چون میدان بری بین متخاصمین آراسته
شود ژاپون سخت سزای پیشقدمی خواهد یافت

ولی این قوم جوهر علم و شجاعت در میدان
بری نومی جنگ کردند و قسی پشرفتند چنانکه جمیع
جنگهای تاریخی سلف را کفایت نموده خوبتر را در
قطار اولین دول بری بشمار آورده بلکه جنگهای ژاپون
در بندر (آرتور) و (مکن) قلم مورر عظمت و
اهمیت جمیع جنگهای سلف کفید

در جنگ (مکن) عظمت و قوت دولت ژاپون
یک برده نمودار شد - ولی این جنگ دریائی دولت مشارالها
را یک بر صد نام بلند بخشود - یعنی شجاعت و علم
جنگ را در عالم خاتمه - و کلیه فتوحات ژاپون را
تا آخر میدان مسلم داشت - بدرجه بر عظمت
ژاپون این فتح افزود که قیمت سندات استقراضی او
یکدفعه پنج فی صد ترقی کرد - و تاکنون در آن واحد
برای هیچ دولت ازیک فتح این اعتبار حاصل نشده بود
جمیع حرائد فرنگ و عقیده این است که جنگ اقصای
شرق خاتمه پذیرفت یعنی خواه خواه دولت روس را صلح
مجبور ساخت - چه تمام اتکال و کلیه اتماد و جمیع اطمینان
روس بجبهات بالیک بود که تاب مقاومت یک حمله ژاپون
را نیاورد - نه تنها قوت بحری روس در اقصای شرق خاتمه
پذیرفت بلکه اقدار دولت مشارالها در اروپا کاه - هر و

با بود شد - و میتوان گفت که دولت روس تا سرخانه
اولیه خود قرار گیرد چهل سال طول مدت در کار دارد -
پس روس از رقبای خود چهل سال عقب افتاد - و ازین و
بعد دشوار است که دولت مشارالیه صوبه (بوند) را بتواند
در قبضه اقتدار و اختیار خود نگاهدارد - در خرابی دست
جهازات بندر (آرنهر) تخمین شد که بیست و یک میلیون
لیرا فقط قیمت جهازات روس نقصان رسید - و درین
جنگ آنچه تا کنون معلوم شده چهل و هفت میلیون لیرا
از قیمت جهاز روس خساره وارد آمده است - و این
خساره تا آخر سر از هفتاد میلیون لیرا خواهد زد - و این
اعظم خسارات این جنگ بشمار است - چه تا روس نخواهد
ابتداءً در جهازات جنگی دوباره مهیا دارد باین مشکلاتی
که او را در پیش است هیهات است

دولت روس هرگاه باز سر سختی نماید و خواهانگار
صلح نشود لامحالہ پس از شاعه خبر این شکست نیران
بلوای داخله او با اندازه زبانه کشد که ساحلای دراز
خود گیش دشوار شود - و بید نیست که طاقت این
بلوا بملاک طواقی داخله منجر و بممالک اروپائی
اودر تاخت و تاز دول همسایه آید - و یقیناً اگر
چندی دیگر این جنگ طول کشد و بدین منوال ژاپون
فتح نماید و بلوای داخله بالا گیرد دول همسایه خیالات
خامی که در باره تقسیم چین نموده بودند اجرائیش را
در باره ممالک روس مترصد خواهند شد و این امر
مستبعد تصور نشود چه دول مقتدره بزرگ که اندک
اندک نابود و گننام شده همه بدین و - ائلی بوده است -
این معاملات آبی نیست همین که متدرجاً دولت روس
ضعیف شد چه فرق با چین و عائی و ایران خواهد
داشت - و چه چیز مانع خواهد گردید سیاسيون
حریص اروپا را از این سخنان و خیالات درباره او -
ولی هرگاه دولت روس فوراً صلح نموده قشون
منجور یارا برای امنیت داخله طلب کند - بید نیست
پس از شش ماه امنیت داخله را بتواند قائم داشت -
ازین جنگ معلوم گردید که تنها کثرت قشون آنها
باسم قائم نه نمشد - میدان جنگ چند امر مهم
ضرورت دارد که اول آنها پول و دوم سردار عالم
است - و سومین اندک جراره میباشد پس باسم پنج مایون
قشون تنها که اسم بیسما معلوم شد روس لحم قوی
نجه را از میدان بیرون نتواند نمود

یکی از ادبای سیاست روس می نویسد که
هرگاه امپراطور اعظم باز طرفداری از طرف جنگ
خواهان نموده تا شش ماه دیگر این جنگ را برقرار

بالجمله - دولت روس هرگاه جنگ بری را چندی
دیگر برقرار دارد - بهبود است قشون زیادی از داخله
طلب کند - با این خساره عظیم و این مشکلات داخله
که قدرت خارج کردن لشکر از اندرون مملکت دارد
و نه تاب تحمل مصارف لشکر کشی بمسافه پنج هزار
میل تا دیر باز برای او باقی مانده است - و نیز این
نکته را هم نیکو دالت که هر قدر لشکر در اقصای
شرق حاضر دارد ژاپون پیش از آن را موجود تواند
نمود - ازین رو طاقت هم فتح او مشکل بلکه محال
معلوم می شود - نهایت این است که چندی دیگر
ژاپون را محطل تواند نمود - و طاقت این امر بچند
جهت برای روس وخیم معلوم میشود - اول آنکه
متواتر ژاپون پیش خواهد رفت و در خاک روس قدم
جلادت پیش خواهد نهاد - آتی خساره مالی و جانی
روس همه روزه زیاد خواهد شد - سوم هر قدر جنگ
طول بکشد و خساره ژاپون پیش شود شرایط صلح
سخت تر و تاوان جنگ زیاد تر خواهد شد

یکی از مبصرین می نویسد که هرگاه خساره شانزده
ماهه جنگ را بکطرف گذارده و بر بادی جهازات بالتیک
را بکطرف گذارند - هر آینه این خساره بالاتر و این نقصان
روسیارا بیشتر است - چه درین جنگ دولت روس دودست
داشت - دست راستش که جهازات بالتیک و قوه بحری
بود در حالیکه دست چپش نزدیک است از کار بیوفته یک
مرنبه قطع گردید - این همه قشون و سرکردگان بحری که
غربی و بیگانه شد هر یک در برابر نشان طلاخر جهان
شده است - دولت روس هرگاه طالب قوای بحری باشد باید
از نو تکمیل جمیع مواد بحریه خود را بنماید این امر علاوه

و نظارتشان هر داخله و خارجه گشته - و این که
سلطنت خود را بشروطه ساخته چه زبان نیده - سلطنت
مشروطه ملت را در همراهی بدولت مستعد میدارد -
مشروطیت سلطنت برای قوت دولت و ترقی ملک و
ملت ندای آسانی است - ولی کیست که این نکات دقیقه
حیرخواهانه را بسمع مبارک اعلی حضرت امپراطور اعظم
روس برساند و مانند دست غیبی او را به توفیقات اینصبر بکشاند

مکتوب یکی از فضلاء جلیل

سر قلم

(از شماره ۲۶)

یا وزیر از علماء برپا شود هزار گونه مفاسد
و معایب را که سایرین بسالها از اصلاح و علاجش
تاجزند بروزی بلکه بساعتی بیک حکم خدا حرام و
هکذا واجب بحال اصلاح میرساند - و حکم خود را
بر کرسی منصوب می شناسد - اینک ژاپونیان که با ملک
فرستی بر دول معظمه مثل چین و روس قنوق بهم
رسانیده اند بسبب همین دقیقه و نکته است - که پادشاه
خود را رئیس دین و مذهب خویش میدانند - و اراده
سیه اش را بر جان و دل میفرزند و مطاع میدانند - و
هرگاه سلطنتی پادشاه خاصه و تسلط شخصی خود بر
ملک و ملت غالب گردید و این سلطنت بر غیر قانون
دینی ملت و رعیت بود بعضی وقوع واقعه شدید
برای او مخالفین برای معاندت برافرازند و ساز خود
سری بسازند تا چه حاصل شود و نتیجه چگونه
بیار آید - مثل حالت حالیه (زار روسیا) یعنی امپراتور
دوات جوبه روسیه - اگر اتحاد و اتفاق دینی درین دولت
بزرگ بود هر اینه حکمی از دول و ملل را تاب
مقاومت در مقابل ایشان بهم نفرسید - و چون اتحاد
باطنی و قلبی نبود مکنونات خلافیه که در قلوب و
صدور ملت بواسطه ارادات خاصه و شخصیه سلطنت
بهم پیوسته و آشیان بسته بود - و از پم صولت و سطوت
شاهانه و خوف سر بجه عقاب دو بیکر در لانه ازوا
خزیده و در پنهان خانه خفا طیبیده بود بعضی اسلهم
رابحه قن و استنشاق هوای آشوب و عین بیکدغه در
پرواز و اهتزاز آمدند و دولت و سلطنت را بهوای
مختلفه دوتبار ضف و اهانت نمودند

بعد ذلک کله محقق است که ترقیات کلیه تمدن نامه
بیشتر برای هیچ طایفه و فرقه حاصل نشود الا تحقق
اتفاق ملی و ملیت کامله ممکن نباشد جز با اتحاد قلبی
و اتحاد قلبی تصور نگردد مگر با اتحاد دینی و اتحاد
دینی میان افرایه ملت بواسطه شود با اتفاق گردید عجزی

گذارد (کرویاتکن) و (جنرال لینویچ) نیز امیر ژاپونیان
شده (هاربن) و (ولادیوستک) و سواحل دریایچه (بیکال)
تمام قبضه ژاپون خواهد در آمد - و قوای روس
باندازه مضمحل خواهد گردید که بلوای داخله بمالوک
طوائفی منجر - و در آن وقت عود قوای اولیه روس
محال اندر محال خواهد بود -

همین موقع است که امپراطور اعظم حفظ آینده استقلال
دواترا نموده - اول اقدام بصلح و در ثانی با اجرای قوانین
مشروطیت سلطنت به پردازد - و بدون اعلان مشروطیت
سلطنت امکان ندارد امنیت دائمه در روس قائم شود - چرا
که رعایای روس بی بضاعت سلطنت مستقر بوده خاصه در این
جنگ که خیانت های عمده رجال بزرگ را که نانی از
استبداد و استقلال دوات است ظاهر شده - آندا جای
برده پویشی برای احدی نگذارد - اهالی صوبجات اروپای
روس بواسطه همجواری با ملل متمدنه منافع و مضار
ملک و ملت را نیکو شناخته و میدانند این همه حساسه
که بدولت وارد آمده همه راجع بملت است - این همه
جهازات که میلیون میلیون لیرا خرجش شده و بخیالات
فاسده جلالت مشتی درباریان بر باد رفته همه از پول ملت
بوده - و آن همه نفوس محترمه که در خاک و خون
علطیده همه برادران وطنی آنهاست - و این همه زبان
بیوه و اطفال یتیم و بدران و مادران داغ دیده و
خواهران و برادران برادر کشته که نل مار بر خود
پیچیده و مانند مرغ بدام افتاده بر خویش می طیند همه
اعضا و جوارح آنان است - و این همه قروض که از
خارجه شده و در راه این جنگ حریسانه صرف نموده
افراد ملت باید بدهند

واضح است ملتی که این نکات را فهمید - و مملکت
را وطن خود شمرد - و ابتداء ملت را برادران وطنی
شناخت - و خود را شریک نفع و ضرر ملک و ملت
دانست - هرگز بسلطنت شخصی رضا نهد - این سخنان
در روسیه قوت گرفته و این خیالات در دماغ اهالی
جای کرده شالوده این اغتشاشات عظیمه گردیده است -
و تا وقتی که دولت روس بجاده استقلال قدم زند اهم
راینکه جنگ باشد یا نباشد - امنیت نامه در ممالک
روسیه قائم نخواهد شد - نهایت آنکه توفیکه ملت
دوه قاهره دولت را جلو خود ملاحظه باید آرام
خواهد بود - و همینکه اندک ضعف در دولت و یا قوت
در خود دید - بنای شورش را خواهد گذارد

لطف این است که غیر دولت و بهبودی خانواده
سلطنت هم در مشروطیت سلطنت است - دولت و
خانواده سلطنت انگلیس که مشروطه آید چه از هنر

ما اینکه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در
جائی میفرماید مبعوث شدم من که تمام نیایم مکارم اخلاق
را - و در جائی دیگر فرموده است مبعوث نیستم من
مگر برای اینکه تکمیل کنم مکارم اخلاق را - مع ذلک
علم اخلاق را علم ندانند و گاهی بجهت علوم ازین باب
و مقام حدیث و خبری بخوانند و باوجودیکه خالق
نفوس در قرآن کریم بعد از چندین قسم عظیم صاحب
ترکیه و تهذیب و اصلاح و رستگار و نیک پرست بیمار را
تا امید و زبان کار خوانده - و فرموده است (قدا فلاح
من زکیها - وقد خاب من دسها)

علم اخلاق و تزکیه نفس و تمذیب صفات را
منتهی لایعنی بشأه شمارند - البته چنین هم باید
باشد کسبک طالب نفوق و تسلط و تقدم خود و اتیاعش
بر طایف حدیث - چگونه میتواند ترویج نماید و مدح
فرماید امری را که اقتضای رأفت و رحمت بالویه با افراد
عباد داشته باشد - و اقتصاد و میانه روی در معاش و
تجمل را چگونه مدح فرماید - در حالتیکه خود را بخوش
گذرانی خوردن و لباس و تجمل بادت داده و میدهد
امر خدا و رسول صلی الله علیه و آله و سلم
در باب اخلاق چنین است که در محاکمات دو نفر
رعیت را که یکی ثقی و دیگری فقیر است یا یکی آشنا
و دیگری بیگانه است بیک چشم بنگرند - در اخذ
حقوق هر دو را بیک اندازه شمارند - و هنگام رأفت
و بدل مرحمت در حق قریب و بعید بتوازی طریق
عنایت سپرد - و از خویش و بیگانه تساوی در گذرند -
در احقاق حقوق حارسه و داخله یکسان باشند - و در
آمد و رفت دایه و همسایه همسان روند - نه مثل حالت
حالیه ما ایرانیان که عدل در اصطلاح ما خواست آقا است
و اصاف اطاعت فرمایش آقا - گناه جوی مفت خوران
نیک پرست مخواست و مغفور - خطای بیچارگان زیر دست
ما خود است و منظور - مالیات املاک و مستغلات
فلان الدوله و بهمان الشریعه در حکم نیول و تخفیف
است - و جمیع مالیات یا کافه سواد و عوارض بر عهد
رعیت مسکین و ضعیف - اگر شخصی از دزدان بازار یا هرزه
خرجان تیار یکصد هزار تومان خزینه هوده یا بمصارف
مبذراه تلف کرده بمحض اظهار افلاس و اسم
ورشکست بسبب یک ارتباطی با فلان و بهمان معاف است

دولت و امرای بیولت با علمای امت و اینکه گاهی بعضی
به ازین طوایف خیال میکنند که بانسجلاول دیگری
بمکوشند با جبهه مقصود بیوشند و یا شربت مراد
بنوشند - جز اینکه نتیجه برویجه طویش زمیند و بجنگ
و کینه داخلی بچورد و امت طویش را تمام کردند حاصل
و نتیجه بدست نیاورند

از آنچه گفته شد تمام بطرایبها و طریق اصلاح
هریک باید که توجه نظری حاصل گردد - ولذا گفته شده
است که صبح ترقیات دولت و ملت وقتی طالع شود
که دست خدمتگذاران قضا در انجمن مبعوثان امت
بگشاید - و زبان ترجمان و خطیب قدر دانشمندان
مات را بصورت بمشورت خانه دولت نماید - آتسب
آنزورنگار بنصف النهار ترسد جز اینکه نور اقبال بتابد
و ظلال ابدار و ضعف را نابود نماید

درجه دوم تمدن حاصل نشود مگر به نسک
ساامات و دولت بفروع حکمت عملیه یعنی اعمال قواعد
اخلاقیه و آنچه کتاب در آداب سیاست ملوک نوشته
شده ازین باب است - و فی الحقیقت ترک جور و
اعتساف بنسای عدل و انصاف است بیک رشته معتبره
مقرره قانونی که حاصل آن تساوی است و اسباب
حصول عدل و مساوات بین تمام افراد رعیت در
امور و احکام بدون ملاحظه وضع و شریف - فقیر و
غنی - غریب و بومی - و این نیز نشود الا بدانستن علم
اخلاق که فی الحقیقه مبنی دین اسلام است و بدون علم
و عمل مساوی تمام نباشد و آن علی الاسلام السلام -

و قتیصکه عالم صورتان بی علم و عمل بجهت جاب
منافع و استبدای حظوظ شهوانیه و نفسانیه و بعضی اینکه
عوام قبایح اعمال را از محاسن نشانند و سیئات اعمال و
صفات را از حسنات میزدند - علم اخلاق را که اول
واجبات علمیه و اهم و اصول عملیه و اعظم فرائض دینی
است چنان متروک داشته اند که جوی از عوام بیچاره چنین
بنداشته که علم اخلاق از فنون و فروع تصوف است
اگر اعیاننا طلی در محضر یا واعظی بر منبر سخن چند
از ترکیه نفس و علم اخلاق بگوید فوراً رحم بتصوف
و منسوب بترتبه اش سازند و از نظر طمه اش باین
بانه بندازند - بعضی از جنجال اسلام منتصر شد
باقوای دعات پروتستانی بجهت اینکه اینها گفتند علم
اخلاق از خصوصیات نفسانیه است -

گذارد (کروواتکن) و (جنرال لینویچ) نیز اسیر قاپوچیان شده (مارین) و (ولادیوستک) و سواحل دریاچه (سیکال) تمام بیضه ژاپون خواهد در آمد - و قوای روس با اندازه مضمحل خواهد گردید که بلوای داخله بملوک طوائفی منجر - و در آن وقت عود قوای اولیه روس بحال اندر بحال خواهد بود -

همین موقع است که امپراطور اعظم حفظ آینده استقلال دواترا نموده - اول اقدام بصلاح و درستی اجرای قوانین مشروطیت سلطنت به پردازد - و بدون اعلان مشروطیت سلطنت امکان ندارد امنیت دائم در روس قائم شود - چرا که رعایای روس بی بضاعت سلطنت مستقر بوده خاصه در این جنگ که حیانت های عمده رجال بزرگ را که تانی از استبداد و استقلال دولت است ظاهر شده - اندا جای برده پوشی برای احدی نگذارد - اهالی صوبجات اروپای روس بواسطه همجواری با ملل متعده منافع و مصالح ملک و ملت را نیکو شناخته و میدانند این همه حساره که بدولت وارد آمده همه راجع بحیات است - این همه جهازات که میلیون میلیون لیرا خرجش شده و بحیالات فاسده جاهلانه مشق درباریان بر باد رفته همه از پرول ملت بوده - و آن همه نفوس محترمه که در خاک و خون غلطیده همه برادران وطنی آنهاست - و این همه زبان بیوه و اطفال یتیم و پدران و مادران دلق دیده و خواهران و برادران برادر کشته که مثل مار بر خود پیچیده و مانند مرغ بدم افتاده بر خویش می طیند همه اعضا و جوارح آنان است - و این همه قروض که از خارجه شده و در راه این جنگ حربیانه صرف نموده افراد ملت باید بدهند

واضح است ملتی که این نکات را فهمید - و مملکت را وطن خود شمرد - و انشاء ملت را برادران وطنی شناخت - و خود را شریک نفع و ضرر ملک و ملت دانست - هرگز سلطنت شخصی رضا ندهد - این سخنان در روسیه قوت گرفته و این خیالات در دماغ اهالی جای کرده شالوده این اغتشاشات عظیمه گردیده است - و تا وقتی که دولت روس بجاده استقلال قدم زند اهم بر اینکه جنگ باشد یا نباشد - امنیت نامه در ممالک روسیه قائم نخواهد شد - نهایت آنکه تا وقتی که ملت قوه قاهره دولت را جلو خود ملاحظه نماید آرام خواهد بود - و هرنگه اندک ضعف در دولت و یا قوتی در خود دید - بنای شورش را خواهد گذارد

لطف این است که خبر دولت و بهبودی خانواده سلطنت هم در مشروطیت سلطنت است - دولت و خانواده سلطنت انگلیس که مشروطیاد چه از هنر

و عظمتشان در داخله و خارجه گامته - و ژاپون که سلطنت خود را مشروطه ساخته چه زبان زنده - سلطنت مشروطه ملت را در همراهی بدولت مستعد میدارد - مشروطیت سلطنت برای قوت دولت و ترقی ملک و ملت ندای آسمانی است - ولی کیست که این نکات دقیقه حیر خواهانه را بسمع مبارک اعلی حضرت امپراطور اعظم روس برساند و مانند ست غیبی او را به توفیق اینصبر بکشد

مکتوب یکی از فضلاء جلیل

سرتمیل

(از شماره ۲۶)

با ویزی از علماء برپا شود هزار گونه مفاسد و معایب را که سایرین بسالما از اصلاح و علاجش عاجزند بروزی باک بساعتی بیک حکم هذا حرام و هكذا واجب بحال اصلاح میرساند - و حکم خود را بر کرسی مقصود می نشاند - اینک ژاپونیان که باهک فرصتی بر دول معظمه مثل چین و روس قوق بهم رسانیده اند بسبب همین دقیقه و نکته است - که پادشاه خود را رئیس دین و مذهب خویش میدانند - و اراده سیه اش را بر جان و دل میخرند و مطاع میدانند - و هرگاه سلطنتی با اراده خاصه و تسلط شخصی خود بر ملک و ملت غالب گردید و این سلطنت بر غیر قانون دینی ملت و رعیت بود بعضی وقوع واقعه شدیدة برای او مخالفین نوای معاندت برافرازند و ساز خود سری بسازند تا چه حاصل شود و نتیجه چگونگی بیار آید - مثل حالت حالیه (زار روسیا) یعنی امپراتور دولت بیوه روسیه - اگر اتحاد و اخلاق دینی درین دولت بزرگ بود هر اینه شخصی از دول و ملل را ناب مقاومت در مقابل ایشان بهم نمی رسید - و چون اتحاد باطنی و قلبی نبود مکتوبات خلاصیه که در قلوب و صدور ملت بواسطه ارادات خاصه و شخصیه سلطنت بهم پیوسته و آشیان بسته بود - و از چه صوت و طوت شاهانه و خوف سر ریخته عقاب دو پیکر در لانه ازوا خیزده و در پنهان خانه خفا طیده بود بعضی استقام راجحه فتن و اشتیاق هوای آشوب و همین بیکدغه در پرواز و اهتزاز آمدند و دولت و سلطنت را بهوای مختلفه دوچار ضعف و اهانت نمودند

بدر ذلک نامه محقق است که ترقیات کلیه تمدن نامه بیشتر برای هیچ طایفه و فرقه حلیله نشود الا محقق اتفاق ملی - و ولایت کامله بکن نباشد جز با اتحاد قلبی - و اتحاد قلبی نمیشود بجز با اتحاد دینی - و اتحاد دینی میان امم و ملت برپا نمیشود با اتفاق گردید عظمای

طاعت و امرای بیعت با علمای امت و اینکه گاهی بعضی
 به این طوایف خیال صبر کرده‌اند که با ضحک و جلالت دیگری
 بچسبند یا حایه مفصود بپوشند و یا شربت مراد
 بنوشند. جز اینکه تیغه بر ریخته خویش زود و بیگ
 و کینه داخلی جلوه و امت خویش را تمام کردند حاصل
 و نتیجه بدست نیاورند.

از آنچه گفته شد تمام پیرایهها و طریق اصلاح
 هر یک باید که توجه نظری حاصل گردد. ولذا گفته شده
 است که صبح ترقیات دولت و ملت وقتی طالع شود
 که دست خدمتگذاران قضا در اعجاز مبعوثان امت
 بکجا بد. و زبان ترجمان و خطیب قدر دانشمندان
 مات را بصورت بصورت خانه دولت باید. آفتاب
 آن روز که بنصف النهار رسد جز اینکه نور اقبال بتابد
 و ظلال ادبار و ضعف را نابود نماید.

درجه دوم تمدن حاصل نشود مگر به نسک
 سامات و دولت بفروع حکمت عملیه یعنی اعمال قواعد
 اخلاقیه و آنچه کتاب در آداب سیاست ملوک نوشته
 شده ازین باب است. و فی الحقیقت ترک جور و
 اعتساف بنسای عدل و انصاف است بیک رشته معتبره
 مقرره قانونی که حاصل آن تساوی است و اسباب
 حصول عدل و مساوات بین تمام افراد رعیت در
 امور و احکام بدون ملاحظه وضع و شریف. فقیر و
 غنی. غریب و بومی. و این نیز نشود الا بدانستن علم
 اخلاق که فی الحقیقه مبنی دین اسلام است و بدون علم
 و عمل مسلمانان تمام نباشد و آن علی‌الاسلام اسلام.

وقتی که عالم صورتان بی علم و عمل بجهت حجاب
 مینامد و استینای حظوظ شهوانیه و نفسانیه و محض اینکه
 عوام قبائح اعمال را از محاسن نشناسند و سیئات اعمال و
 صفات را از حسنات تمیز ندهند. علم اخلاق را که اول
 واجبات علمیه و اهم و اصول علمیه و اعظم فرائض دینی
 است چنان متروک داشته‌اند که جمیع از عوام بچاره چنین
 پنداشته که علم اخلاق از فنون و فروع تصوف است
 اگر اعیاناً علمی در محضر یا واعظی بر منبر سخن چند
 از تزکیه نفس و علم اخلاق بگوید فوراً رحم بنصوف
 و منسوب بزدقه اش سازند و از نظر عامه اش باین
 بهانه پشاندند. بعضی از جنجال اسلام منتصر شد
 باغوازی دعات پروتستیه بجهت اینکه اینها گفتند علم
 اخلاق الا حظوظ مکت نظری است.

با اینکه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در
 جای میفرماید مبعوث شدم من که تمام نیایم مکالمه اخلاق
 را. و در جای دیگر فرموده است مبعوث بشدم من
 مگر برای اینکه تکمیل کنم مکالمه اخلاق را. مع فالت
 علم اخلاق را علم ندانند و گاهی بجهت عوام ازین باب
 و مقام حدیث و خبری بخوانند و باوجودیکه خالق
 نفوس در قران کریم بعد از چندین قسم عظیم صاحب
 تزکیه و تهذیب و اصلاح و دستکار و نیک پرست بیچاره را
 نا امید و زیان کار خوانده. و فرموده است (قد افلح
 من زکیها. و قد خاب من دسیها)

علم اخلاق و تزکیه نفس و تعدیل صفات را
 مستحبی لایعنی بشانه شمارند. البته بهترین هم باید
 باشد کسیکه طالب تعویق و تساط و تقدم خود و آسایش
 بر خلق حد است. چگونه میتواند ترویج نماید و مدح
 فرماید امری را که اقتضای رأفت و رحمت بالسرور با افراد
 عباد داشته باشد. و اقتصاد و میانه روی در معاش و
 تجمل را چگونه مدح نماید. و حالیکه خود را بخوش
 گذرانی خوردن و لباس و تجمل عادت داده و میدهد
 امر خدا و رسول صلی الله علیه و آله و سلم
 در باب اخلاق چنین است که در معاصیات دو نفر
 رعیت را که یکی ثقی و دیگری فقیر است یا یکی آشنا
 و دیگری بیگانه است بیک چشم بنگرند. در اخذ
 حقوق هر دو را بیک اندازه شمارند. و هنگام رأفت
 و بذل مرحمت در حق قریب و بعید بتوازی طریق
 عنایت سپردند. و از خویش و بیگانه بتساوی درگذرند.
 در احقاق حقوق خارجه و داخله یکسان باشند. و در
 آمد و رفت دایه و همسایه همسان روند. نه مثل حالت
 حالیه ما ایرانیان که عدل در اصطلاح ما خواص آقا است
 و انصاف اطاعت فرمایش آقا. گناه جمعی مفت خوران
 نیک پرست و مفروض و مغفور. خطای بیچارگان زبردست
 ما خود است و منظور. مالیات املاک و مستغلات
 فلان الدوله و بهمان الشریعه در حکم نیول و تخفیف
 است. و جمیع مالیات یا کافه صواد و عوارض بر عهد
 رعیت مسکین و ضعیف. اگر شخصی از دزدان بازار یا هرزه
 خرجان تجار یکصد هزار تومان خزینه عمده یا بصراف
 مبدراه تلف کرده بعضی اظهار افلاس و اسم
 ورشکست بسپارند از بیاطمی با فلان و چنان معاف است

و حساب طلبگزان بچهاره باد و همان - بلوغ کلاسکا
 و خانه از مستقیمه دین است - و حقوق کارگزاران و
 و سابط متعلق بین - و اگر آنچه کسی از مطالبی
 خارج در میان طلبگورها باشد طلبگاران چهاره از
 عین لال هم که باشد باید توجه کنند و حق خارجه را
 نام برسانند و نتیجه این کار و فیده این رفتار همین
 است که فوج فوج از زبردستان قلیل البضاعه بمحکم
 ضرورت راه خانه اجانب و بیگاران گیرند و حوقه
 جوقه زبردستان کثیرالاستطاعه بقصد تعدیت باین و
 آن یا محفوظ ماندن از شرور فلان و بجان سر خط
 سنی و بتدی از مسایکان به پذیرند (بانی دارد)
 مکتوب از اصفهان

(هرکرم از فلک نبود - این حرکت کمان مرا)
 از بخت خوبش می نالان و بمحنتکه هم و نهوش
 هاره گریان روم که طالع ما ایرانیان هوما و اصفهانیان
 خصوصا از چه چنین واژگون و کوب سرنوشت ما از
 چه رو چنین سرتگون است - که باید نوع ما جز از
 مائه جهالت نگره نیابند و غیر از ظلم و تعدی و
 احتکار و تکدی تنلی و بیماری کامل و بیکاری
 دزدی و کلاه برداری نظام و دو روش تکبر و
 بدخون قلب و فدیغ تکذیب و تضییع پیشه نمایند و
 جز این صفات هیچ ندانند و یا ابناء ما باید از دامت
 طبع آباء در سر هر رهگذار باعمال شنیعه و مہیبهای
 منہجنه مشغول گردند - و وقت خود را بفحاشی و
 بر آبروی با هزار ذلت و خفت بگذارند - و بنات ما
 چون حیوان لا عقل از علم و دانش و معرفت و پیش
 محفوظ نگردند - و چون امهات از همتی انسانی بخش
 و حسه نیابند از معارف جز مسائل باسی با سمن و
 قنای کلثوم نه نه بیاموزند و از اخلاق حز مکر و
 خدعه و جادو و فریب کسب نمایند - کاسکای در اوقات
 عزیز میگفتم که بارالها این امهات قدینه و موای صاف
 وسیع و آب گوارای حزب اصفهان چه تصیری بدرگاه
 تو کرده اند که باین قوم ناکس بست فطرت دین الطبع
 جامل نادان میخورتی که هیچ بشرابط المسابیت و
 ایرابت عمل نکند و باو امر و نواہیت گوش ندهند -
 حلال را حرام و حرام را حلال دانند و دین
 ضمند و آئین نشناسند - و هرگاه بلایه حق باجری

و حامده خیره عانی بکرموند با ترویج فکرا و جنبه و
 انشاز سلفیه آلتنضی و ما لشد را از مسابیت بیخ
 بزارسو از اظہار و تہذیب از مسابیت بکسار
 شود - همه ظلم و استغلابی همه خدمه و غفاری و
 ملتاہ و اعلاء اعلی و اعلی مظالم و ستمه بده را
 چه گناہی - دست یتیم و بیوه را چه تکلیفی - خاک
 ایران و خطه اصفهان بچه تصیری نموده که یا مال قومی
 حیوان و دست نادان گردیده - طرا از این و پراہ برهان
 و از این بلغ و حس بجهان - داد از دست هتکری -
 فریاد از دست معرضین !

تا آنکه شماره بسد و پنج روز نامه مقدس زیارت
 گنت و متوجعانتش خصوصا مکتوب منی با مضای
 شیخ فلک باعث بر امید واری گردید و با خود نادیا
 نمودم که الحداقہ رؤسای روحانی ملت ما نیز مطالب
 و نواص را فهمیده و اصلاح آن مایل و حاضرند -
 کوانکه خرابی ایران را علت و سبب رؤسای روحانی
 و علای اعلام میدانند - و میگویند ایشانند طاع اقتحاح
 مدارجی و اشاعه جراثید و ایشانند هواخواه جهل
 و نادانی - و آنانند که نفوذ علم و معرفت را در سرده
 عوام عکس مهرب و منبر میدانند - الحق بخطار فقه و
 بطلت فهمیدماند - چرا که علای نجف کزافه انزالهم که
 امروزه هر یک مسلم کنند اگر اینقسم در مشیید ارکان
 دولت و استحکام قوانین سیاست و نظام دولت عسکره
 و تأیید احکامات حدیده ساهی و جاهد باعند هموم
 مردم که ایشان را بجهت مسلم میدانند تاسی با ایشان
 خواهند نمود و علای سایر بلاد نیز اقدام باینگونه
 مشروبات را از فرایض شمرند و هواخواه علم و
 قانون گردند

راست گویم شخص بنده نگارنده باوجودیکه اعمادی
 بندرجات نامه مقدس دارم در قبول اینحق مشکوک
 بودی - چرا که با خود میگفتم - هرگاه آثار از این مطلب
 در سایر علای ایران هوما و علای اصفهان خصوصا
 دیدنی باور نماید الا فلا - و همین در حالت شک و تردید
 بماندم تا پنی یکی از دوستان تازه الت که جز صحبت
 بچرا بکلامی نگوید و غیر از طریق مبارق بزوری
 دایمی بخیریدم در فرج که بجهت بکلیه در وطن دوستی
 فرزاه اگر چه مستحق بترامت گوید و با حق و

شماره اول مجله (ربیع الثانی ۱۳۳۳) - شماره اول - ۹ - جون (۱۹۵۵) - صفحه اول

بسیار گوید - مرا بشانید که (بدین مزه گرجان
 طعام روانست) و ما بر آن داشت که نامه بچیده مقدمه
 نگارش - تعلیم و شرح این خوشبختی و سعادت عرضه
 دارم - پس از شنیدن بشارت ذیل حال شک و تردیدی
 برای نگرنده بقی نماند - شادیا کردم و سرورها نمودم
 رفیق شفیق بشارت داد که در چند روز قبل
 حضرت مستطاب شریتمدار مروج الاحکام ملاذالاسلام
 بمطالعصر والزمان آقای حجة الاسلام آقا عینی ادامة
 بقاة بچند نفر از قلاء امر و مقرر فرموده اند که چند
 باب مدرسه ابتدایه باز نمایند - و شاهد این مقال آنکه
 یک نفر از معلمین را که بهمت خود مدرسه مختصری
 دایر نموده با عطای یکتوب عبا مخرج نموده اند - و بی
 اداره اظهار مرحمت و شفقت فرموده - همچنین مدیر
 دبستان حقایق را که واقفاً در تأسیس دبستان مذکور
 بذل جهدی نموده و اکنون متجاوز از نصدت نفر
 شاگرد محصل دارد بتوجهات و تلافیات مالاپسایه
 تمایل و تمجید نموده اند - و جناب مستطاب شریتمدار
 زیدالافتها و نتیجه المجهدين آقای حاجی آقا جمال الدین سلمه الله
 تعالی چند مرتبه بدبستان حقایق تشریف برده و همه
 قسم همراهی فرموده اند

مطلب دیگر که محقق است آنست که حضرت
 مستطاب حجة الاسلام سلمه الله تعالی دیروز امر
 نموده اند که نبت ایام عیالات اصفهانرا بردارند - گویا
 خیال دارند مدرسه برای ایام از کیسه ثروت خود
 دنا نمایند - همچنین جناب مستطاب شریتمدار
 ملاذالاسلام وللمسلمین محمدالافتها والمجهدين آقای حاجی
 آقا نوراة تقالاسلام سلمه الله تعالی در این مشروع
 اقدامات کافی واقیه نموده اند و هتقرب از سمت بلند
 این بزرگواران مدارس چند افتتاح پذیرد و اصفهان
 گلستان گردد - پس از بشارت دامن رفیق مذکور خود
 نیز بعضی تمسک نمودم و محقق شد که تمام صحیح و
 مفرون بصواب است - عموم علای اصفهان جیفاً مایل و
 وافند که مدارس ابتدایه زیاد شود و ایام ملت
 تربیه شوند و علم در کافه صحیح نمود باید اگر چه احوال
 میبود که نبت ایام عیالات اصفهان بوده باشد ولی
 صدور امر بافتتاح مدارس ابتدایه بلاشکرتی شریتمدار
 امید است که لکنون جلالان بکله رؤیای دین

این مشروع معلوف گفته در تأسیس بنیان محکم
 جهد و اقدام فرمایند بلکه از توارده سهام مفروض
 خلل نپذیرد و چند نفر از اهلیان شهر را بران دارند
 که طمان یا سالانه و جسی برای انجام این مقصود بدجنه
 و مجلس منتقد فرمایند و در استحکام این بنیان معلوفه
 نمایند بلکه شالوده محکم ریخته شود و کم کم مدارس
 ابتدایه کثرت یابد - معلوم است هرگاه اشخاص چنین
 بلکه هر یک حوز روحانیه را رئیس شایان و عموم
 ملت اسلام را پدری مهربانند چون در امری اقدام
 فرمایند اطراف و جوانب آن را ملاحظه فرموده اند
 و در تکمیل و انجام آن هم طایه نگار خواهند بود الحدائقه
 که اهالی اصفهان فرزند و این حکم و اقدام از علای
 اعلام کثرتاً امثالهم بشنیدند و بدینند

(باش تا صبح دولتت بدمد)

(کاین هنوز از نتایج سعراست)

(خیر خواه وطن) (آ . ع .)

بلوچستان

در خصوص امور معوقه بلوچستان و قرار نسوبه
 آن که مدتی است ذکرش در میان است اطلاعاتیکه
 اخیراً دست داده عرضه میدارد - این مواد از چندین
 سال قبل مرقوم گردیده در حقیقت دولتی ایران و
 انگلیس هر دو را به زحمت انداخته است - دو دولت
 غالب از سنوات مخارج سوی اردو و مأمور مخصوص
 را متحمل شده اند - نتیجه حاصل نگردیده است و آن
 نیز چند شعبه و شق است

یکی آنکه جناب علاطلک وزیر علوم و معارف چند سال
 پیش که بایالت کل کرطن و بلوچستان تشریف فرما بودند بزحمت
 قطع کرده اند و با وجود آن تاکنون بلا اجرا مانده است
 دیگر آنچه که جنابان مرتضی قلیخان سعدالله و بی
 و وایخان کرمانی که سابق حکم بلوچستان بوده تمام
 نموده اند و باز بحال خود باقی است -

سه دیگر هم کارهایی است که از قبل و بعد یکی
 بدون رسیدگی مانده است و اگر اقدام صحیحی نمیداد همه
 تا ابد می ماند و هیچ وقت از خرج و زحمت این امر
 خلاصی نبود - چنانچه سال نیز شروع کار بجهان بخواها
 و بعد از آنکه اکثر اشخاص لایزم الحضور با اینکه
 اجتناب و اجبار گردیده حاضر نمیدادند و در واقع

میتوان گفت اوامر اوایای دولت علیه و احکام اکیه شاهزاده رکن الدوله فرمان فرمائی کرمان و بلوچستان و اقدامات جناب اعتلاء لدوله کار گذار کل عربستان و مامور مخصوص دولت علیه ایران و همراهی شاهزاده ضهرالسلطان حاکم بلوچستان حسن خاتقی یافت - باین معنی هرچه از کارهای (چاه بهار) و مکران ایران که ولیخان نمان حکومت خود در بلوچستان فیصله کرده و مانده با آنچه قابل تسویه بود تمام نموده همه باسوله عشاری گزندگان بحکومت داده که تا چند هفته دیگر به پردازند - و هرچه را هم حکم جناب علامللك و غیره ختم فرموده اند و باقی است برای آن نیز شش ماه موعده مقرر شد که تسویه شود امورات رسیدگی شده را هم دو قسم کردند - آنچه جزئی است با حضور و استحضار مأمور کارگذاری ایران و فرستاده مأمورین انگلیس و همال حکومتی تحقیق و تمام کرده و هرچه بالنسبه کلی است از کسان لازم التزام گرفته شود که در مجلس آتیه حاضر باشند - و همیشان را انجام نمایند که با این ترتیبات امید است در بلوچستان کاری و اسباب درد سر و گرفتاری نماند و دو دولت ز آن فراغت حاصل فرمایند دیگر مذاکرات پاتیبی و سرحدی - معلوم است مابین مأمورین دولتین معنی است و از شرح آن اطلاعی ندارد

کشتی هبون مظفری که در این سفر محض رکوب کارگذار معزی الیه (چاه بهار) بود بجهت آنگبری و غیره بوشهر رفت و کشتی پرس پلیس که برای تعمیر در عجبی بود آمد - و از آنجا که به تفصیل فوق قرار انعام مهمام معوقه صورت اختتام و انجام یافت مأمورین دولتین هر یک بمقر و مقام خود رفتند - آقای اعتلاء الدوله کارگذار با کشتی پرس پامیس به سمت عربستان و شاهزاده حکمران بطرف بیور و مأمورین انگلیس مکران خودشان هزیمت کردند

مذکور میدارند حکومت بلوچستان علاوه بر مالیات و فروطات و انواع اضافات جبراً بیست هزار تومان سند از سردار سعید خان گرفته و او باید این قبض بی محل و جای خالی را حتماً بر کند خداوند بفریاد باقی مانده اهالی بلوچستان برسد اگر مأمورین محافظان که از خارجه و داخله در این حدود بودند همراجه

آزاد که مسروح و منتهودشان شده بمرض لمانا و اولیای دولت متبوعه خود برسانند - البته اولیای دولت ابد مدت چاره بحال این ولایت و رعیت میفرمایند که بیش از این مسا از دست نروند و آن وقت بخوبی میدانند حق قره و طلای طایفان و محبت بلد و آویزه گوش و سکردن زنان ضعیفه و کمر و دسته شمعبر و طنجر مردان حکم ناموس و نگاهبان وطن اند به یثما میبردند و برآه رهوت میکنند حکم به اطمینان قلب وسعت بیدان ظلم و غارت بدهنه و عجب تر و مصیبت بزرگتر این است همینکه حکومت یکسال بست هرارتومان بند براضافات اضافه از سعید خان و او از رعیت مضاعف را دریافت کرد جزو قانون بی قانون میشود - و حاکم یا هر که بعد بیاید نمی گاهد سهل است می افزاید که ملاحظه کنید رعیت بی بضاعت مکران و بلوچستان ایران نباشد کوههای بلوچستان و ایران و عالم طاقت می آورد در مقابل انگلیس هم در متصرفات خود مکرانی دارد به پندید او به عکس چه خوش سلوکی و بهتر از حکمها رعیت ربانی میناید - خلاصه اهالی و خاک مکران و بلوچستان ایران که دور از نثر مرحمت در پادشاهان رفته و میروند

(صلاح مملکت خویشتن خدروان دانند)

توبیحی که صدمه از شلیک توپ خورده بود با مسامی طیب تاق کردید و این شلیک بخلاف رضای خدا و سایه خدا در روز نوز حکم معاصف با ایام طشورا بود شد که حکومت بجای عزا عید گرفته محض خود نمائی جلوس نموده و با یک همراه توپ امر به شلیک دشیری نموده بود

حاصل امسال از فضل خداوندی خوب است زراعت این طرفها که غالباً دیم است هر چند سال بکمرته که بارندگی زیاد کرده این نوع میشود - اما چه فایده که آرد نیز حکومت قدغن و حکم نموده حاصل را از زمین بر ندارند تا خود شان با اردو تعریف فرما شوند - در حقیقت زحمت اینرا که به اتبار ببرند و بیرون بیاورند و چیزی روی ران بگذارند از رعیت دولت معالی و بخرق فرمویانند

دستپن کتند بزرگان چه کرد باید کار

استفتاء

حجتا لاسلاما - ادامة ايام افاضاتكم - اقل الحاج رضا
جندی قبل زمین قبرستان آقا فخر را که اجاره نموده
ام بشرط اینکه غیر از مدفن اموات منافع دیگری
ملاحظه نشود - و غیر از مدفن شیعیان بنائی و همادنی
ساخته نگردد - اجاره صحیح است یا نه بفرض صحت
چون جناب مستطاب آقای حاجی میر - همادنی بنا کرده
وزیرشرا دکان قرار داده جایز است یا حرام اگر
منافع از دکان بگیرد مباح است یا نه حکم مسئله را
در صدر سؤال مرقوم و بهر مبارک مزین فرمائید
بتاریخ شهر ذی الحجة الحرام ۱۳۲۲

(بسم الله الرحمن الرحيم)

ما صدر من جناة للاستطاب دامت ركة نافذ و
للتصرف في الملك بغير اذن المتاجر غاصب فاسق
حرره الاحقر الجاني محمد كاظم الخراساني

(بسم الله الرحمن الرحيم)

التصرف بخلاف ما استأجره الشيخ مدظله غصب
و فسق غير جائز الوائق بالله العلي

اسد الله الحسني الجاني الفروي

(بسمه تعالی)

تصرف در زمین قبرستان و لواحق آن حرام
است و متصرف غاصب و عدم منافع آن غیر از دفن
مؤمنین هم حرام است

حرره الجاني حاجي سيد علي الموسوي التيجاني

(بسم تعالی شأنه)

زمین موقوفه در جنب آقا فخر وقف است بر
تمام مسلمانان که انتفاع دفن ببرند و اجاره جناب شیخ
صحیح و بدون رضاء متاجر تصرف فاسد و متصرف
فاسق و فاجر است

الاحقر محمد علي الرشي

(بسمه تعالی)

تمام حدود آن قبرستان باثر را بملاحظه مصالحی
حقیر بنها اجاره دادم که غیر از انتفاع روی زمین و
یا دفن مؤمنین منفعتی دیگر که محتاج بکندن زمین برای
بنا و غیران باشد برده نشود - اگر کسی تصرف نماید
در آن زمین بدون اذن و رضای شما حرام و غصب است
حرره الاحقر عبدالله الخيلاني الشافعي

مکتوب انزلی

شماره انزلی را نیز بکوترتیب میدهند - سیورسات
اودوی کیوان شکوه که جناب سالار الفخیم از بادکوبه
خواسته بود از دیروز متدرجاً برسد همه جا طاقهای
نصرت درست میکنند - مخصوصاً سلطان اف مهندس
رئیس اداره گلوگاه یوزاز انزلی طاقهای نصرت بسپار
پرشکوهی می سازد و یک خط موقت آهن از سرپل
مخصوص خود از غازیان الی ساحل دریا که گلوگاه
یوزاز از آنجا شروع بمعمق دریا میشود ساخته و پرداخته
است - و اطاق مخصوص هم در صفت گلوگاه می سازد
وقتی که اعلیحضرت اقدس شهرباری خلدالله ملکه برای
پاشا و گردش بد آنجا زول اجلال فرمائید همینکه
بسر پل پیاده شوند بدون زحمت سوار گردونه شده
از همان خط آهن بطور استراحت گردش میکنند
داخل اطاق خواهند شد و ساعتی که باید پاشای
ترتیب و وضع گلوگاه را فرمائید در آن اطاق جلوس
فرموده شرفت و جای میل خواهند فرمود

فلا سلطان اف مادانه که میتواند اسباب پذیرایی
همیونی را فراهم خواهد کرد - امروز دو فروند
(بارکاس) (بارج) برای امر یوزاز انزلی از روسیه وارد
شده نزدیک پل یوزاز جای گرفته اند - بارکاس با قوه
بخار حرکت و حفر کرده بتیاری بارج نقل میدهد -
برای آمادی این بندر بد نیست - راه شومس نیز
عنقریب متصل برشت میشود آن وقت راه طهران
برشت و انزلی متصل خواهد شد و مسافرین در
راحت خواهند بود بلکه طالب التجاره نیز از همین نقطه
حمل و نقل خواهند شد انشاء الله بتدریج آمادی در
مملکت پیدا خواهد نمود

میدالسلطنه حکمران حکمران رود و رئیس
ساخولی آن صوب از سرحد خود الی آستارا
مشغول ساختن راه و پل های رود خنیا است باجد
و جهد هرچه تمامتر در فراهم آوردن اسباب راحت
اود و ساهی است

جناب نصیر حضور و سرغام السلطنه حکم طاق
دولاب حکم بطهران احضار شده بودند مراجعت
کردند - در غیبت ایشان جنی طغیان ورزیدند -
علت ما نبودن نصیر حضور بود حالا که مراجعت نموده

شماره ۲۵۵ - ۱ ربيع الثاني (۱۳۲۳) - جلالی دوازدهم - ۵ جون (۱۹۰۵) - پنجم ۹

از نام طبقات سکنه و همه اعیان رشت با نهایت وجد و مسرت قلبی باستقبال رفته قسمی جمعیت و ازدحام نمودند که کتر دیده شده بود. جناب سردار معظم پس از استماع ابلاغ مراسم بیکران ولی الزم زاده کل تفکر بی پایان نموده با سالار انظم بکالکة مخصوص نشسته با گروه جمعیت مستقین در منزل سالار انظم ورود و صرف نهار عسکرده قدری آورده شده طرف عصر با سالار انظم بدارالحکومه رفته پس از تحصیل تقدیرف زابدالوصف مورد مراسم و مواهب شاهنشاه زاده معظم گردیدند از آنجا مرخصاً و مدعوأ بیابغ ممبرالملك تشریف برده باوجودیکه دو ساعت بیشتر وقت نبود و مسافت زیاد. از اعیان و تجار متصلاً شرفیاب شده اظهار خلوص عقیدت مینمودند

قرب هروپ آفتاب محض آتام مراسم صندوقدار باشی حضرت اشرف والایک طاقه شال ممتاز با دست خط مبارک جا خالی رساییده و نیم ساعت بعد حضرت اشرف والایا جناب مستطاب حاجی شریتمدار کتشریف آورده از جناب سردار معظم احوال برسی فرموده و منهای آفتاب و شرایط بزرگی را مبذول فرموده. الحق حدای را شکر و سپاس باید گوئیم و شاهنشاه رعیت پرور و عدالت دوست را دعا و ثنا که در این عهد فرخنده فیروز ملک زادگان عظام قدر جاگران صدیق دولت خواهرها دانسته درنجل و حفظ مقام و مراتب شان آنها خودداری نمیفرماید بلکه خویش را در مقام نوکری دولت با جاگران صدیق در پیشگاه مقدس شاهنشاهی دریک رتبه می نگارند مخصوصاً این شاهنشاهزاده عکه امروزه تمام کارهای فرماطرهای را بکف ما کفایت جناب لواملک تفویض فرموده عکه سالهاست در خدمات دولت قاهره میباشد و در مسافرت اروپا تجربه های بزرگ حاصل نموده و از قوانین حقوق بکلی آگاه و دولت خواه و سلطان پرست است از این جهت تمام طبقات در رفاه و آسایش اند -

الحاصل جناب سردار معظم پس از صرف شام بمنزل جناب سالار انظم عکه قطع نظر از قرابت در حکم منزل خودشان است میجست فرموده و آنچه لازمه احترام و بزرگواری بود بجهت آمده علیالصبح

اصلاح خواهد کرد چنانچه سابق میکردند. و در اصلاح حال و فراهم نمودن آسایش و راحت رعایا و احوال اعیان چیزی فروگذار نمیکرد. الشاءقه هاره این وضع سلوک نموده تا نام نیکشان بقی ماند

اعلان

جناب حاجی میرزا محیی تاجر بروجردی که تقریباً سه سال متوقف بمبئی بوده و در دو سال قبل بزم رجعت بوطن از راه محرمه بشوشتر رفته بخمال اینکه بعد از اقامه چند روز در شوشتر روانه بروجرد شود اینک یکسال و نیم است سربح وجه خبری ارو نیست هرکس از هر جا خبری از سلامتی ایشان داشته باشد بنوسط اداره جلالین اعلان نماید

مکتوب از رشت

جناب نصرالسلطنه سردار معظم عکه بر حسب امر قدر قدرت ملوکانه محض رفع اغتشاش و اختلال اردبیل و مشکین و شاهسون وغیره بحکومت و فرماطرهای آنسامان مأمور و در رکاب ظفر صاب حضرت اقدس والا ولایت عهد دامت شوکت به تبریز و از آنجا مرخصاً بمقر حکومت خود تشریف برده و در این مدت اسباب رفاه و نظام و آسایش آن حدود را بجدی فراهم آورده و طوری امنیت دادند عکه احدی از آحاد غریب و بومی چنین آسایش را یاد ندارد. خصوصاً در تنظیم امور و وفان که یکی از مسائل مشکلة فرماطرهای آنجا بود

این ایام بهوای آستان بوسی و تشریف بخاکبای هایونی از راه نکران با کفق بخر وارد ازلی گردیده نایبالحکومه که از طرف جناب سالار انظم است فوراً بدریبه تادون بجناب معظم اطلاع داده و ایشان نیز بحکم قرابت و احترام بلادرنک تا پیر بازار که یک فرسخ مسافت است باستقبال تشریف بردند - چون از طرف قرین اشرف حضرت مستطاب اشرف والا شاهنشاهزاده معظم ولی نم زاده کل آقای عضدالسلطان نواب رضا قلی میرزا تفنگدار باشی با ککالکة مخصوص و جوی قزاق و سرباز محض اظهار مراسم قلبیه و مواهب باطنیه که خاصه ملک زادگانست تا پیر بازار باستقبال شناتنه بدان لحاظ

تمام رجال محرم داخله و خارجه و اشرف و علما بملاقات آمده از دحام، غریبی داشتند بعد از صرف ناهار با نهایت احترام و اجلال با کالسکه مخصوص حضرت اشرف والا معصیت و جناب مستطاب حاجی شریتمدار و جناب اوامالک و جناب مستطاب سالار انعم و جناب مدیرالک و جناب محتمالک و خیلی از محترمین تا خلعت پوشان در مشایعت بودند و در بین راه با قولسول دولت بیته روس هم دیدن فرموده و بخش زیادی نیز نمودند

آن سفر کرده که صد قافله دل همراه اوست
هر کجا هست خدایا سلامت داریش
(حیباته)

مکتوب

مؤیدالاسلاما - قادر پروردگار شمارا مؤید دارین بداد
شماره (۱۱) و (۱۲) نامه مقدس رسید مقاله
ادیب لیب (مجاهد) را مطالعه نمودم - از برای خود وظیفه
بلکه فریضه دانستم که من بنده هم در خدمت ایشان
از وضع ساده نگاری که امروز از مقتضیات عصر بشمار
می آید تشکر بنام چون واسطه جز آن نامه مقدس نبودم -
لذا تشکر نامه خود را بامید درج بحضور مبارک تقدیم داشتم
خدمت ادیب یگانه و سخن طراز فرزانه جناب
مستطاب (مجاهد) تصدیق میورزم - در شماره یازده و
دوازده نامه مقدس حیل المثنی مقاله بعنوان (نگفتن
شکر نسبت کفرست) مشاهده رفتم - نا آنجا که مرقوم
رفته شکر جبهه کدام نمود - و ترک او چرا کفرست -
مطالعه نمودم - پس بر خود واجب و لازم دانستم
به تشکر این ساده نویسی پردازم

نخست عرض می نمایم که حقیر از ارباب قلم نیستم
که جسارت ورزیده بدین مقاله که از بدایع کلام معجز
سلك آن ادیب کامل بطرز وجیزه و آیین جوی و
ساده و خوشگل و در مذاق خاص و عام چون شهد
و شکر شیرین بلکه بوستان فصاحت را وردیست تازه
و گلستان بلاغی را غنچه است نوشگفته و از
منشآت طالبان بشمار است تبریک و یا تقریظ و در
مقابل این اقدام بمرض تشکر پردازد

چون از سلك اعلی علم نیستم - عبارتی غیر از آنچه
مروند جبهه ادیب تشکر پیدا نموده و در مقابل این نصیحت

عظمی که آن وزیر روشن ضمیر و آن دستور قلاطون
تدبیر بیروت اجتماعیه خاصه بارباب مشارف در خصوص
آزادی مطبوعات عنایت فرموده استعمال بنام
ولی چون در ضمن مقاله عموم را حق دبستانیا ترا
جبهه پیدا نمودن کلمه که شایسته استعمال در مقام تشکر
ازین نصیحت گرانبها بوده باشد خوانده آید - و این بنده
چون نمیتواند در آن میدان توسن فکر را حولان دهد
جبهه تشکر در مقابل این مقاله شیرین و عبارات نمکین
هم که فرض عموم است بامید آنکه مورد استهزا نخواهم
گردید بمرض این مختصر جسارت و بتضییع اوقات
گرانبهای آن ادیب کامل اقدام ورزیده عرض میباید
حق اینست جبهه توصیف و تعریف این نگارشی
ساده و شیرین غیر ازین دو کلمه که میدام بر غایت است
مانند الله - بارک الله که دیگر نمیتوانم سرود - و جز با آوری
و جلب توجه ارباب قلم بان اسلوب مرغوب هیچ منظور
و مقصودی دیگر در نظر نیوده و نیست - تا امروز از
آثار قلمیه ارباب قلم نگارشی بدین موجزی بنظرم نرسیده
که چنین مطلب مهم مستثنای را با الهامی بدین سادگی و
در کمال متانت و نزاکت خوشگل و شیرین مفید و
مختصر که مقبول طبایع خاص و عام تواند بود برشته
تحریر در آورده باشند - هنگام قرائت مطلب نجه نشده
بر تابه زبان مؤتم باخفال آمد

- (آفرین بر کلام نقاشی که داد)
- (بکر معنی را چنین حسن جیل)
- (معجز است این بابود سحر حلال)
- (هاتف آورد این سخن با جبرئیل)

باری از مدح عاجزم - یا از سادگی من است که
ازین کلام ساده تا ایندرجه محفوظ میگردم و یا از
حقیقت سخنانی است روح پرور که آن ادیب هنوز
مانند لوطیه تر برشته بیان در آورده اند - ظاهراً احتمال
آخر مقرون بصواب باشد - زیرا جمهور اهل خرد درین
معنی اتفاق دارند که هر میوه در موسم خودش دارای
یک لذت طبیعی است چنانچه ربیحه کل هم در فصل
بهار بمقام خوشتر میآید - اینک ما در طبیعت فصل و
موسمی را که در او واقع شده ایم بهار ساده سرفتی
قرار داده و چون حکمت ازلی بدان حلقه گرفته که
مقبور طبیعت باقیم پس اگر خلاف او را کار بندیم

جز خسر و زیان بهره نخواهیم برداشت - بهتر آنکه ما ایرانیان هم بقتضای زمان تغییر مسلک دهیم و مانند عموم اقوام مرقی ساده نگاری را پشه نایم و ساده نویسی را هم - مطلب سهل و آسان بنگاریم . آسان در خواندن اوست نه در نوشتن - میتوانیم از روی جد و یقین بگوئیم . از ادبا و ارباب قلم کمتر میتوانند بدین روش مطلب بنمایند . زیرا مدتها به مسلک و سیاق پیشین خو نموده اند - جبهه بیان مختصر مطالبی آقدر حشو و زواید بکار میبرند که اصل مطلب از میان می رود و گره سخن را آقدر بشازه می آلابند که دیگرگون میگردد و کثر کسی از او درك مطلب میناید

یقین است کسانی که بدانسبک و سیاق عادت کرده اند اگر خواسته باشند بدین روش پسندیده تهر برنمایند دچار مشکلات خواهند شد - بلکه از ایزراه رانده و از آتراه مانده بمتصود دسترس نخواهند گردید - چه صبری بدان روش خو نموده اند مگر آنکه جداً در آن اندیشه باشند که تغییر مسلک دهند - پیوسته بقرائت نامه مقدس جبل الماتین و جریده فریده تربیت مقاومت و از ساده نگاری این دو نامه ملی که صریح عموم توایم شمرد سرمشق بردارند - زیرا مدیران روشن ضمیر این دو نامه مقدسه دریافته اند که امروز در چار سوی معارف ساده نگاری رواج یافته - و رونق بازار عبارت پردازان کاسته تاریخ و صاف را در نظر خردمندان و قری نمانده باید سخن در خور فهم عموم سرود - چنانچه جناب مستطاب ذکاء الملک که دانش و فضل شان بر جهانیان مسلم است و اختیار سخن در دست ایشان میباشد و از عهدۀ همه جور نگارش بهتر از همه برمی آید با وجود آن سرمشق ساده نویسی بعموم میدهند و ابدأ در نگارشات التزام عبارات شقی را نه فرموده و از پراگنده نویسی تبری دارند ساده مینگارند درس - ساده نگاری بهمگی میدهند

باری از مطلب دور نایم غرضم تا همه بی زبانی بودن این سخنان دانشین بود - اگر دارای طبع موزون می بودم در مدح آن نگارش نثر داد معنی دادمی - حال آنکه از آن نعمت بی بهره ام از خرمین دیگران خوشه چینی اختیار بدون طوف از مسالفة میگویم نگارش شما

مقاله ایست مرتب از روی فضل و کمال که وشک صورت مانی و لبت چین است ز پای تا بسر آن گفته ها تأمل کن که صافی و ساده و قنز و فصیح و شیرین است .
عجب آنست که با همه لطافت آنچه خود دارند از دیگران نمی نموده و جبهه ادای شکر شخص بزرگی که جستجو فرموده اند - عرض مینمایم
ای نازه و محکم ز تو بنیاد سخن هرگز نکند چون تو کسی یاد سخن

پس باید این کلمه شکر را که شا در جستجوی آن میباشد تا حال در افواه جاری شده باشد از جمله بدایع باشد که پیدایش آن باز در قوه کسی میباشد که در مقام نیاز این فراز را ارتجالاً سروده است (غرض فرمائید بعد ازین با سنک جفا بال بلبل را نشکند - و نسیم راه سحری را در دامان گل نه بندد - آخر هزار سال که خزان نمی شود - ای آفریننده اودی و تیر ماهم آدمیم - باید بوی گل بشنوم - و از لغات بلبل گوش خود ما را به سینه لقت دو لحنند کنیم) لذا همگی هم مذفان که در ادای تشکر بی اختیارند و از رفقای من و شما بشمار - در اینخصوص باز شما را وحکایل قرار میدهند

اما چنانچه خود فرموده اید شکر باید با اندازه نعمت باشد و این بنده بر آنم حکم این نعمت عزله احیاء نفس بلکه احیاء الناس حیماً میباشد - زیرا مسلم جهانست که امروز حیات يك ملت وسعادت يك هیئت بسته بوجود علم و اطلاع است و علم و اطلاع را دو اسباب است - علم را محکمتب بوضع جدید با پرورشام صحیح لازم است - اطلاع را افکار و قلم آزاد و تمدد روزنامه - پس با وجود صدق این حقیقت دشمنان عالم انسانیت و اسلامیت همه این وسایل و اسباب را مفقود و معدوم نمودند و بیطلان این حق صریح دایله های یخردانه گنوازند - واحادیث جعل نمودند هر وقت نظر شان بیک روزنامه اقتصاد فوراً محض کراهی عوام بالذات صریح گنفتند (هذا من عمل الشیطان و فتنها فی الدنیا والاخره و الله لا یحسب القادرن) و ملت را در يك ظلمت سرا ترمیت جادند - ولی در پرورشام آن تربیت خانه جز درس - (صم بهمگی) چیزی مندرج

(گنه سکر در بلخ آنکری)

(بشوتتر زدد کردن درگری)

از آنجا که جناب مدیرالملك امیر تومان سبت
بمخاوناده سلطنت دارد. و شخصاً تربیت شده و محیب
و حلیق و دارای غالب السنه خارجه میباشد البته
حفظ احترام و حراست شرافت این وجود محترم
برمدیر جریده مقدسه لازم است. و اگر عاق که ناشی
از اجزاء و مباشرین جاپوس که برای جناب فتح خود
موجب هتك آبرو و باعث بدنامی همجو شخصی
میکردند صادر شود چه داخلی بمجناب مدیرالملك دارد.
شهادت جناب معظم له هرگز راضی نیست که
از احدی شکوه و شکایت بشنود. چنانکه در يك
فقره مهمل بنده خود بودم چهار صد تومان پول و
دو خروار برنج عملاً فرمود و راضی نشد طرف
متقابل از ایشان مسکدر شود. لهذا مدر محترم
جریده مقدسه راست که محض جبران گذشته از محامد
اخلاق و محاسن آداب و اوصاف جناب مدیرالملك
شرحی نگاشته درج اخبار نماید تا دلجویی از ایشان شده
بیماره وکیل هم از نهمت خبر نگاری نارغ و خلاص
گردد. فای حیبافه وکیل است

حبل المتین

شبهه نیست و تکبیل محترم اداره مسبق و ملتفت
است که ما را با احدی از آحاد ابناء وطن فرضی
نبوده و نیست و چون اعتماد بمجربان صدیق
حکامل الصفات است ملاحظه از حق نویسی هم
نخواهیم نمود چنانکه صدق مقال را تصدیق و تکبیل
محترم نیز برهانست قاطع. لهذا بر شخص شخیص
جناب مدیرالملك که خود حامی احترام منتسبین سلطنت
و حافظ حقایق رعیت میباشد واجب است که در جلوگیری
اعمال زشت کائناتگان خود که اسباب بدنامی ایشان
است بکوشند. چه نم نیک جناب معظم له
را هر چیز ترجیح میدهم. البته ایشان باید در امور
خود طوری مراقبت نمایند که مورد طعن مردم
نکردند. بوجدان خود سوگوند یاد میکنم مسایقه
هیج کذبری باطلاع و تصدیق محب ما نوشته بود از
درجش اغناس نموده فقط باشاره اکتفا نمودیم.
و از خرابی بل طبعی مهدی و چگونگی آن و

نبود. اسراو نیاموخته مهر کرده. و زبان هشت وادوختند
حال بر اینغوال اسف اشغال گذشت تا آنکه دمای خسته دلان
مستجاب و الطافی رب بعید شامل حال آمده اداره امور
جمهوریید اقتدار شاهزاده آزاده عبدالحید میرزادر آمد.
دربادی امر نظر بدان وضع غیر صحیح انداخته
ملاحظه فرمود که گذشتگان نه از راه سهو و غلط
بلکه از روی عمد و بقین در فکر محو هیئت اجتماعیه
و دولت دیرینه بوده اند فوراً بحضور مقدس اعلی حضرت
هایون شاهنشاه رؤف مهربان تر از پدر عرض نمودند
که آنچه خایان بیایگه مقدس عرض نموده اند همگی
دروغ و خالی از فروغ است. و هر حدیثی که بسده
سنیه عرض شده قتل از ابوهریره است و (بجمول از
طرف شخص مشهور) آزادی مطبوعات بادی ترقی
دولت و ملت است و اینکه مکاتب و جراید را محل
دستگاه در پیشگاه سروده اند صنیمه است که جبهه سد
طریق تجاوزات خود تراشیده اند این بود که از مصدر
سلطنت امر بدخول جراید ممنوعه صادر آمد محبان
معارفی در انتظار این چنین زده (جون گوش روزه
دار بر افه اکبر بودند) و چشم براه دولته داشتند از
وصول اینزده همگی در سرودن این بیت هم آواز آمدند
گذشت محنت مجر و رسید نوبت وصل

گذاشت مملکت دل چه رو به هموری

پس مقدار و اندازه این نعمت را (بجاهد) ارهه
بهر تقدیر می فرماید بر ذمه محبت ایشان فرض است که
معنی کله شکر را درین باره نظماً و نثراً بقم آورند اگر
نظماً باشد بطرز متنوی خوشتر باشد. چون مشبک است
اگر نثر باشد نه نثر برافط به معنی در اعداد مطابق و کله
را باید کله نوشت نه ایکه دم لام را از نای و کاف
گذرانیم بر سر می نهاده و بگونی این کله است از
آن کله حیب النکل که مانند مور و مار است کودکان
را وحشت حاصل آید باید جبهه تریه کودکان ساده
و راست بدون کبی و اعوجاج چیز نوشت والسلام

مکتوب از رشت

در نمره ۲۱ جریده مقدس شرحی در باره راه
(فومن) از قلم صداقت شیم غیر محترم حبل المتین مندرج
بود. مورد ایراد و خورده گیری بر بیماره وکیل
اخبار که روحش ازین واقعات خبر ندارد کردید

شماره ۲۵۵ - ریح اکتای (۱۳۲۳) - شش ماهی قولنامه - جون (۱۹۰۵) - صفحه ۱۸۵

یوگانیک در عهد سردار معظم برای تعمیر پل مزبور جمع و بالره بدم رفته دانسته و فهمیده نوشتیم و گرو نگهبانان حساب علی اوف برای راه داری حمل یله آقا سید علی تبریزی از (نومن) برشت که هنوز هم گرفتار مرافقه آنند تفصیل نگاهشیم پس لازم است جناب مدیر ملک مرابض خیرخواهانه ما را بسمع قبول قبول فرماید و از حق نویسی ما که نماید بی هر وقت و کبل محترم با حکمفر و مجازات مرتکبین را نوشت آنوقت بر ما واجب است باسم و رسم خود او نویسی و تمجید نوشتن. و نیز وکیل محترم ما آسوده باشد اگر بناحق صدمه بر او وارد و اداره توانست تلافی نماید زهی سعادت - ورنه منتهم حقیقی انتقام یگانه‌ها را از ستمکاران باز خواهد گرفت و ما را جز صبر و شکیبایی چاره نباشد

مکتوب قفقاز

با اینکه جنگ اقصای شرق از نخوت و غرور و بلند پروازیهای کارگزاران قلمی و نظامی همسایه شالی در همه جا تا اندازه کاسته است مع ذلک این سنده بیوج نبرنده از طهران بزم مسافرت فرنگ از طریق اترلی سوار کشتی بسته روس شده و الا هم در راهم. که این مکتوب را با اداره میفرستم تا مدیر محترم و قارئین آن نامه نامی درست مسوق و مستحضر باشند و بدانند که کارگزاران دولت همسایه هنوز هم در مملکت ایران تا چه اندازه فضولی میکنند و به تهدید و بدسایس حیل چه طور بیچاره ایران و ایرانی را میترساند. نه تاجر میتواند با ماجر خارجه طرف شود نه حکومت را آن اقتدار باقی است که با کار پرداز دولت همسایه حرف حسابی بزند مثلاً - رعیت ایران دو سال در بادکوبه تجارت میکنند هنگام مراجعت تذهکرة نسبت در دست دارد وینه سپر میکند که من رعیت دواق هستم که از ژاپون هم باک ندارد و نطق کروپانکین را تجدید کرده میگوید

آن سپهسالار هنگام حرکت باقصای شرق جام شراب بدست گرفته بمحاضرین گفت بعد از چهار ماه دیگر ژاپون را سرنگون خواهم کرد. این بد طاقت مردم که خود را رعیت خارجه فرض کرده بکلی از غیرت و عزت و شرف علی نیز کناره جسته میگویند - دولت

منبعه من هرچه شکست بخورد با ایران و ایرانی را بیک تهدید لفظی میدواند -
دیروز رعیت ایران بود - امروز بیک تذکره در پل دارد میگوبد با پوخان ارمق هم طرازویم کادریه از حساب هم طرفداری اذ او کرده میگوبد. چون تذکره نسبت در دست دارد تکلیف من حمایت اوست چه او را من باین تذکره رعیت خود میفناسم -

ولیکن اگر کارگذاری باو بگوید خیر ما او را رشتی و رعیت ایران میدانیم و رعیت دولت دیگر نمیفناسیم تو بدولت و سفارت خود خبر بده آنها از آسیا می‌آیند ولی کیست گوینده این حرف - مگر کار گذار جرئت دارد این اظهار را بکار پرداز حسابش پیش کند فوراً خبر عزت خود را اول در خواب دیده صبح که از جامه خواب برخاست حالت مرگوار در خود نمودار می‌بیند در رشت محبت میکردند - یکی از اهالی تذکره همسایه شالی از بادکوبه تحصیل نموده وارد رشت گردیده مردم استعجاب روی جلوار دو زد می‌نموده. که این شخص پدرش علان و جدش زونبغ فروش و از اهل رشت و زائیده انجاست - آن شهوات نامه را بدار الحلاه بمرسوز لازمه که وزارت خارجه باشد فرستاده اند - وزیر خارجه جناب مشیرالدوله که اول دیپلماتیک و قانون دان ایران است البته حکم او را دوست خواهند فرمود

غریب تر از همه این سیاحت دو روزه اترلی بود که سپردم. تو بخواه بکلی فرو ریخته. سبب برسیدم گفتند امر به تعمیر صادر شده اما اقدام نموده اند. روزی در غازیان با اداره راه شومس که تازه دارند درست میکنند و با راه شومس رشت متصل خواهد شد رقم. توپ بسیار بزرگی در آنجا متعانه شد که خیلی خوب و پاکیزه و اندازه نموده ۵۵ پوندی بنظر آمد. از اجزاء سوال نمودم که این توپ بزرگ را از کجا تحصیل کرده اند. جواب دادند در زیر خاک پنهان بوده در آورده‌ایم. در این گفتگو بودم که یکی از رؤسای نظام در حالیکه علامت شیر و خورشید در کلاه داشت با چند نفر نویسی و عهده جات حاضر شده ریسان به توپ بسته کشیدند و پیش املوله با همه تمام رسیدم مانع شده گفت این توپ را ما ژنایک اجبار خدمت

شماره (۲۵) ۱ ربيع الثاني (۱۳۲۳) - جیبالی دوازدهم - ۵ جون (۱۹۰۵) صفحه (۱۵)

سدالسلطنه را خریدیم در آنجا بوده یا جا آورده بشا
میدیم - رئیس توپخانه گفت این توپ حال دولت
ایران و آنجا سابق برج و بارو - و این توپ سوار عراق
هنگی بود - بعد از اینکه برج خراب و نابود شد و
چرخ عراق شکست بواسطه ثقلات این توپ مدفون در
خاک و فراموش شد و حال بواسطه تشریف فرمائی
موکب مسعود هاپونی لازم است که به توپخانه نقل داده
شود - فوراً رئیس راه مراتب را به قونسل همسایه حالی
کرده قونسل نایب خود را فرستاده مانع آمد

از قضا مدتی است سالار انظم برای ترتیب سیانداری
موکب هاپونی بازرئی آمده - نایب قونسل خدمت سالار
رفته مذاکرات زیاد نمود - مذاکرات قونسل و نایب
هشت ساعت طول میکشد و در این مدت که مشغول
مذاکرات و محاسبات بودند توپچی ها بسر برستی
رئیس خود توپ را از قازیان حمل کرجی کرده داخل
توپخانه مبارکه انژی نمودند و مدعیان کف آفسوس بکف
سوده منتظر کشتی سواستپول آمد که از دریای اسفر از
مرداب بندر آرتر در آمده بدست بنی الاصر تعمیر
شده دوباره بقوه قاهره آن کشتی و سایر جہازات را
از آن طایفه زرد چرده باز گرفته از طریق اقیانوس
هند و بحر احمر و کنال سویس و بحر الروم و دریای ایض
از طریق برفاز اسلامبول داخل بحر اسود نمایند و از
بندر باطوم الی دریای خزر راه و مثل کنال سویس
حفر کرده کشتی مزبوره را در دریای خزر برسانند
و دمار از روزگار محمود خان توپچی که این جسارت
را کرده در آرند

(شب آبتن است تا چه زاید سحر)

این است حرکات کستاخانه کار بردازان همسایه
در ایران هر طایفه و ملتی که کبر و نخوت و بی الصافی
را پیشه خود کرده دوام و قوام نداشته دول همسایه
هم خوبست کار گناروان خود را آن طوری که حرابت
مینویسند نخوت و خود پندگی در مقامشان جایگزین
یا مال اندیشی را فراوش کرده اند متنبه سازند

حرف نقل از روزنامه صباح ترکی

۶ نمره ۱۳۲۶

(حریق در اسلامبول)

روز چهارشنبه هفتم شهر محرم الحرام در قرب

موقع (جیبالی) در محله (اسکویلی) از خانه طالع
زاده خواجہ فرهاد اقدی - از قضا حریق ظهور
نموده و در آن سمت از فقدان آب و شدت باد شرق
آتش به سه جانب کوجهها هجوم آورده و هر قدر
هلججات اطفائی بحری و بری جد و جهد نمودند که
بلکه آن آتش خنایانوز را خاموش کنند ممکن نشد
و بالاخر محله (اسکویلی) و (محی الدین فوجی)
و (صالح پاشا) همه طعمه آهیب مدحش بوده و جماعاً
بجایه و یک خانه و یکباب دکان ازین سه محله محترق و
خلیلی زن و مرد در مدت کمی بی خانمان و بی چیز
و بی ملجاء ماندند - قائمقام آلائی اول اطفائی
(نوری بک) صکه باسه نفر سرباز در یک جا استاده
و به طاہور اطفائی فرمان میداد ناگهان از دیوار خانه
سوخته پارچه جیبی پرت شده بسر قائمقام و سه
نفر سرباز افتاده بیچاره قائمقام فی الفور تلف و آن
سه نفر دیگر همرو مصطفی و ابراهیم نامان هم سخت
بجروح شده اند -

از جانب اعلیحضرت سلطان فوراً به مأمورین
بلدیہ فرمان صادر فرموده که اسباب استراحت خانه
سوخته کارا فراهم آورند لهذا باوسایل متعدده به
لوازم آسایش بیچارگان مشغول و موقتاً انجام داده اند

مدنی میباشد که دولت عالیة عثمانی در صدد تأسیس
مکتب اطفال ککور و گر و بی زبان بوده و بالاخره
در تحت ریاست رئیس شورای دولت جناب سعید
پاشا مجلسی منعقد شده عنقریب است نوبتوگان وطن که
عجروم از قوه ناطقه و سامعه و باصره هستند از فیض
معارف و ترقیات حاضره بهره مند بوده و در آنی
رفع احتیاجات خود شانرا بنمایند

(مادام ماری) زوجه کار برداز یونانستان که در
(بکریش) اقامت داشت در شهر مذکور فوت شده
مبلغ ۶۰۰۰۰ فرانک بجهت مکتب صنایع (رومانیان)
و ۶۰۰۰۰ فرانک برای مکتب روم ترک نموده است
ای کاش مہدان ایران باندازه زمان خارجه حب
وطن و قلعه عم را می فهمیدند

شماره ۲۵۵ (۱۳۳۳) اربع قناتی (۱۳۳۳) خلاصه گزارشات و جزئیات (۱۳۳۳) حقیقه

مکتوب بوشهر

جناب دو بایگی حکمران کل بنادر و جزایر خلیج فارس که برای پاره تربیات و تنظیبات بطرفهای بندر عباس و لنگه و غیره تشریف برده بود با کشتی پست به لنگرگاه بوشهر مرکز حکومت نزول اجلال فرمود. چون در کشتی مأمور کشتی از ناخوشی تلف شده چند روز نیز قرنتینه رفتند

جناب اعتلام الدوله کار گذار دولت علیه ایران و مأمور فوق العاده بلوچستان با کشتی (پرس پلیس) متضی المرام معاودت نمود. بعد از چند روز توقف بوشهر بسنت عربستان و عمره محل اقامت و مأموریت خودشان میروند

در السنه واقفاه مشهور است از (چلمبار) عسقل رفته و نیز در بین راه از بحرین و کویت گذشته در آنجا ها هم مکتی خواهند نمود.

در اینصورت باید گفت انقاس قدسیه و مندرجات سنیه جریده مقدسه در محضر صدارت جلیله عظمی و وزارت بیله خارجه بمحافظه با اثر افتاده و جبل القین دولت و دین را خداوند خیر معین و یاور است.

این فقره معلوم و خاطر مطامه کنندگان مسبوق است کشتی پرس پلیس در ضمن این سفر برای تعمیر و تعمیر بعضی رفته از فراریکه شنیده میشود بخوبی تعمیر شده و این محسنات در آن جمع شده است. مدت مدیدی طول نداده. خرج تراشی نکرده ترمیمات به احسن وجهی نموده. سرعت سیر این کشتی حالا چند میل پیش از پیش. و سایر چیزهای آن نیز بهمین قیاس و برتر و بهتر است. بایست این فقرات را از حسن ترتیب اداره جلیله کمرکات و صدق اہتمامات مسیور کارستل مأمور تعمیر و توجهات مفضالسلطان وزیر مقیم و همخیالی ناخدا ابرام خان کاپیتان و صاحب منصبان و اجزاء سایر آن دانست.

چون باید وقایع را از نیک و بد بطور واقع عرض کرد. علی هذا معروض میدارد. در میان خلق مذکور است کشتی منبوره از بونی می آمد و علی الرسم ده روز قرنتینه داشته با وجودیکه وقت عبور از بندر عباس سکه دو کتر قرنتینه آنجا برای معاینه بکشتی آمده یک دو نفر از عمل جات را ناخوش و مشکوک

دیده بامروز تمیز کشتی گفت باید احتیاطاً آنها را تحت نظارت مخصوصه و حفظ نعت فوق العاده داشت معیناً بر جبهه بوده مأمور مؤسی البه و تھی به این حرف نگذاشته حق همانجا رسماً دوسریله و غیر روسی در داخل کشتی از دوستان خود بذیرانی و با یکدیگر شربت آلات ولایتی نوش میکرد. همچنین در بوشهر همینکه یک دو روز از ده یوم مدت قرنتینه معمول باقی بوده همین معامله را نموده سکه از جمله یکی از آنها به عاقی از برده بیرون افتاد و آفتابی شد و آن رفتار نامناسب معلم اول کشتی مظفری بود که او را مأمور تعمیر پرس پلیس به آزادی در کشتی مذکور پذیرفت. و از آنجا سکه معلم معروف هم معروف به کم ظرفی و کم عقلی است و هم مشروبات ولایتی مفت دولتی را زده بود. و لغت دیدار و انتداریه موطن عزیز بیتی مأمور تعمیر در کشتی پرس پلیس بر این کیفیت نیز می افزوده است. گویا ایست و ابراز مدنیت و نوع پرستی فرموده قانون نعت همومی را خلل ساز و آعوقع در کشتی پرس پلیس هم دست و زبان بی شرمی دراز نموده بنای شتم و ضرب و بدمسق گذارده هریده برجا کرده است.

خلاصه گذشته از اینها مأمور محترم تعمیر دو کتر قرنتینه بوشهر را نیز ابداً ر وجود ناخوشی مشکوک و گفته دو کتر قرنتینه بندر عباس مسبق نکرده پس از انقضای ده روز مدت قرنتینه متد اوله خود و دیگران که تخمیناً صد نفر اند از سالم و ناخوش همه از کشتی بیرون آمده و هر یک به سستی پراکنده شده با شهری میروند و مخالطه کرده اند. دو یوم بعد که مرضی از منبوره بالضروره به دو کتر مراجع نموند کاشف بعمل آمد که تقریباً ناخوشی معروف است. ملاحظه کنید حال چه باید کرد از شهر بوشهر بایست چشم پوشید یا هزارها مردم را قرنتینه نمود. رئیس با نائب رئیس کمرکات از طرفی و دو کتر های غیور انگلیس و فرانسه از طرفی بسده علاج و چاره جوئی آمده اولاً کماسیکه ارکشتی خارج شده به کشتی عودت دادند بعدام مأمور تعمیر و معلم هم در آن میان بود یا خیر. نایباً به اجرای عملیات احتیاطیه مابی درماریه تمام آنها و تهدید قرنتینه کشتی دولتی گذارند.

شماره ۱۴۵۱ - زمستان (۱۳۲۳) - فصل دوم - ۵ جون (۱۰۰۵) - ۱۷

خاکاً مرضاً را به قرنتینه مبلست فرستاده باین زحمت
سورت اصلاح و يك لباس قانونی دارند که هرگاه به
اینجا ختم شود میباید مخون رئیس و نائب رئیس و
دو کتزا بود و شکر خدا و انمود *

میگویند علاوه بر تعمیر برس پلیس مبالغ خطیر
اشپاء برای کشتی مظفری از هر قبیل خریداری شده و
ناز میشود. مسیو و افلار که سابق در کمرکات خلیج
ریاست داشت این دو لکنه را در نظر گرفت که مخارج
این دو کتقی بزرگ و کوچک را به يك میزان بیاورد
و یا لامحاله خرج و مصرف کشتی مظفری که براب
از کشتی برس پلیس کوچک تر است بیشتر نموده هر
دو تحت يك قاعده و حکم واحد باشد و این دو کتقی
که از يك دولت بزرگ اسلامی است مبالغی مسکرات
جزو مخارج رسمی دولتی نباید و امالفاساد نباشد. لیکن
ند و در واقع معاذیر طبیعی دارد که نمیشود. چرا که
کشتی برس پلیس جنگی و نظامی است و کاپیتان و دکتر
صاحب منصبان و عملیات آن مسلمان و مشرب در
مشرب و مذهب اسلامیان حرام است و به آن کشتی
چندان رای مسیو و مادام ندارد یا رغبت نمیفرمايد
یا اگر بفرماید نارواست و تازی دارد - هرگاه
مستودی صاحبمنصب و عملیه مسیو غیر مسلم هم در
آن هست مشرق است و باین جهات بمخارج نامشروع
ببر ضروری آقدر نمیتواند به برداز. ولی وضع و ایجاد
کشتی مظفر اصلاً برای تفریح و تزه است و کاپیتان
و مصلح اول آن نیز عیسوی و اروپائی است و ملاء
خارج و غیر مسلمه غالباً در آن نزول و سفر می کنند
و واضح است با اصطلاح باید موافق شان دولت صرف
ماحضر کنند يك فنجان جای در کشتی برس پلیس
خورده شود يك شاهی پول سیاه است يك شیشه و سی
یا شامپین که در کشتی مظفری صرف گردد سه چهار
نومان قیمت و همه چیز آن همین حطت را دارد. حتی
برای کاپیتان سابق آن که شیشه شامپین باز میگردند
اگر خوب صدا نمیکرد و خوب بطاری بهوا معرفت
اسی نمود شیشه را بدریا می انداختند و شیشه دیگر
می کشودند

(خرج که از کیسه ایران بود)
(حاتم طائی شدن آسان بود)

کاپیتان ناکنس و امور پلیسی انگلیسی دره کوچه
بنحفاظ اینکه معلول گردیده پوشهر آمده است و برای
معالجه به انگلستان مجرود مسیو باسک جنرال قونسول
روس مقیم خلیج از اینجا با کشتی روسی بمحمره رفته
است از وقتیکه روس ها پورت آرژنر و آن بندر
دریای گرم را از دست داده اند به این بنادر پیش از
پیش اهمیت میدهند اگر چه آرزو بر جوانان عیب
نیست اما بایست پورت آرژنر را مخاطب کرده و گفته
(صبر بسیار برباید بدر پیر فلک را)
(تا دگر مادر گیتی چهنو فرزند برباید)



جنرال قونسول روسی الیه چندی قبل نشانی از
دولت متبوعه خود بیکی از شیوخ عمره ابلاغ نمود
و بهر وسیله سعی است که کارشان در جنوب شرف
پیدا کند

انجا همچو شیوخ دارد که در بحرین ناخوشی
طام طاعون بروز کرده است در این حالت امر تردد
کشتی و مترددین به آنجا مشکل خواهد بود و هر
پوشهر و این بنا در هم البته زیاده دقت طواعیت فرمود



این دو روزه عملیات جات کشتی مظفر با عساکر
دولتی نیز تزامنی نموده اند هر معارم است معلوم که آن
قدم باشد منظم به طریق اولی این نیز میباشد فقط
میباست فکر کرد این حرکات دو سرحد و انظار
خارج چه قدر قباحات دارد و تا چه درجه از شان
و شرف ادارات دولت می گاهد



میگویند در این ایام حضرت سلطان مستط و
همان به کوادر خواهند رفت و از بنادر ایران عبور
خواهند کرد که فی الواقع دلیل بر دقایق شناسی و آداب
دانی ایشان و بمنزله باز دید مأمور محترم و کشتی
دولتی است که به مستط رفته اند و در اول وعنوان
این اخبار عرض و اشاره شده است بهر تقدیر از
دولت ابد مدت علیه هم نظر به مقتضیات ذم طالب
مقرر گردیده است حسن قبول و پذیرائی در حق
ایشان مجرا و معمول گردد



میسو کارنل رئیس سابق کورک بندر عباس و
مأمور تعمیر کشتی پرس پلیس در ازماء خدمات سابقه
و لاسه به ریاست کورک کرمان معین شده و مسبو
کلارک نیز که دو سه سال است با مساله مخصوص در
کشتی مغربی معم اولیاست عنقریب التمامه در یکی از
کشتی ها بمقام کاپیتانی ارتقاء خواهد جست

بقیه اصلاحات وزارت جنگ

(از شماره ۷۹)

این بود حل قشون و تدارکات بحری که در مسر
شد - اما قشون بری ایران از عهد بسیار قدیم یعنی
در زمانیکه تاریخ حاکم این مملکت را متعرض است
دارای اهمیت فوق‌العاده بوده - چنانکه در تاریخ اهالی
قسمت جنوبی این ملک است آمده که اسکنان دلبه
و نجساج و اغلب در صنعت تیر اندازی و همرا
نوردی و صیادی بدی طولاً داشته اند بدین واسطه
سبزی و طوریزی در نظرشان مشکل شمرده نمیشد
و اجتماع افراد مسکری محتاج بزحمت و مخارج
فوق‌العاده نبود هر یکسکن از خود تدارک جنگ
و ا داشت چه همگی مسلح و صاحب اسب و تیر و کمان
و غیره بودند ازین جهت استیلای ایشان بر ملوک و
ممالک اطراف صعوبت نداشت و بمجرد قیام (سپهوس)
تیر بامر حکومت و سلطنت از اطراف مردمان جنگی
سختنور کار آرموده سحق شکستیده بدورن اجتماع
کردند و بزودی بر ملوک کلدانی و غیره مسلط گشت -
لشکرکشی داریوش یا بهمن بن اسفندیار بجزائر یونان
زمین مقدار استعداد قشونی و سهولت حرکت عساکر
زیاد را در این خاک جنوبی نشان میدهد چرا که این
قوت عجیب که تاکنون امثالش در تاریخ عالم دیده
نشده و نخواهد شد باوجود اختشاشی وضع معاشی و
ازدیاد از دو هزار سال قبل و نبودن طرق مسطحه
و راههای صاف و هموار نمکی نیست جز از کثرت
قشون و وفور استعداد بری و قناعت افراد لشکری
و اطاعت در اواص و نواصی رئیس -

بحقیقت اگر بود شواص و قران بسیار به سمت این خط
هرگز هیچ مافله پرامون تصدیق او نمیگردید و کجا نظیرش
مشهود گشت که مقدمه لشکر در یونان رسیده در حالیکه
سابقه آن هنوز از اسطر حرکت نکرده باشد - آنان

که باوخاص نظام حلیه مربوطند و از موضوع و شرایط
و لوازم حرکت عسکری اندک مطلع میدانند که حرکت
داون بجاه هزار قشون از نقطه نقطه دیگر چه قهوما
اشکال دارد و چه مقدار تدارکات و آذوقه و ذخیره
و بارکشی و ملبوس و غیره لازم است بلکه از زمان
آیلون تاکنون همه دول مسبقند - که اگر هفتاد هزار
لشکر با لوازم و اسباب در سرحد هندوستان حاضر
باشند سیصد کرور نفوس هند را ملک رقاب خواهند
شد - و انگلیس را طاقت مقاومت با آنها ممکن نخواهد
گشت مضافاً احدی از دول خصوص دولت روس
نتوانست از عهده انجام این امر بر آید و امروز
سیاسیون مطلع بزرگی که در تصرف هندوستان ملاحظه
میکند همانا تهیه قشون و آوردن لشکر تا دهنه هند
است - ازین یک نکته میتوان استنباط نمود که دولت ایران
که در آن ایام پنج کرور قشورا از مرکز سلطنت برداشته
بیوان برده و تا سه سال نیز در آن ملک نگه داشته تا
چه درجه مقتدر و علوای استعداد برده و علو سلطنت
و اقتدار و میزان تمدن و سیاست ساکنین این سرزمین
که امروزه وطن عزیز مقدس ما است معلوم میگردد
و عده علت آنست که اهالی ایران در سابق اکثر
عشار و طوائف و ایلیات بوده‌اند - چنانکه تاکنون نیز
قریب بثلث سکنه مملکت همراهین و عموماً
طوائف مسلح و جنگ آزموده‌اند چه اغلب اوقات
شغلی جز اسب ناخن و شکار عسکران و با یکدیگر
بمسازعه و مجادله برخاستن ندارند و چون مانند
اهالی شهر و بلاد در بالئس ناز و نعمت تصکیبه
نکرده و بخواب و خور و صحبت قناعت نه نمودند
لذا در مصائب و متاعب شدیداً تحمل و بار بر و
رنجکشی آید - و شاهد مدعی اسفار عهده ممالک بیده -
است - چنانکه در عهد سلطان محمود سبکتگین مفت
نوت بند سفر کردند و در اغلب کامروا و مقصی
المرام گردیدند - و آنراک در عهد تیمور تاهند و خطا
و ترکستان و بلاد طورانیه و بمالک وسیع حصی
بضرب قوت بازوی لشکری بتصرف آورده‌اند که در
زمان ملک شاه سلجوقی و نظام‌اللهی بران طورانیه
را بشام نوبختند - و از احوال تا کثرت بیان سلطان
سنجری بود - و سلاطین ایران و ملوک جهان قسمیکه

تاریخ و فرهنگ ریح افغان (۱۳۷۳) - ج ۱ - فصل اول در تاریخ و فرهنگ ریح افغان - جون (۱۹۰۵) - صفحه ۱۹۹

امپراطور روم، با زنجیر: عبودیت بگردد. اندامه
 کنگران دریا، بر سر سلطنت حاضر. میگردد بر تور
 و تجلیات و دلاوری. لشکریان ایران گواهی صادق
 است. - استیلا، نامور شد. مرحوم بطوران و خوارزم
 (ط. طوبه)، و افغانستان و جیح بلاد طورانلس و
 هندوستان بود مگر درینا لشکر جرار ایرانی - و
 کنگر برین گن کتد که همه لشکر نادرشاه از افغانه
 اهلان و امثال آنها بود صحیح نیست زیرا که طلوع
 گوک ناموری در زمان تسلط افغان بر ایران زمین
 بود و ناصر آنان را طرد و تبعید فرمود. - یا اینکه
 سیدالسلطنین را عقیده براین است که ایرانی و افغانی از
 یک نژاد و طایفه اند و وفور عقل و کیاست نادر
 حنایی با قوت لشکر نیست. زیرا هر چند سلطان قافل
 و مدبر باشد بالبداهه (ملک نگیره اگر سپاه ندارد)
 و در طریق مهاجم و مدافعه و ستیز نیز آنان را
 طریقی خاص و طرزى مخصوص بوده چنانکه شیخون
 بر خصم احتیاج جنگی ایرانیان است که امیرال توکوی
 ژاپولی آنها احیاء نمود درابتداء حرب مشرق الاقصی -
 و از این راه بسیاری از سفین جنگی روس را غرق
 و نابود ساخت و این حادث که از ایرانیان در بطون
 کتب و تاریخ و صدور مستور بود بر سر زمانها افتاد
 و در جرائد نوشته که همه ژاپونیان موافق (سیسم
 برسان) یعنی شهوه ایرانیان است و برنی بموم مشرق
 نسبت داده (سیسم ارنیانتال) نام نهادند
 در قدیم دو ملت را سخت جان و شدیدالتوی
 میگفتند یکی در مشرق دیگری در مغرب - آنکه در
 مغرب بود ملت یونان (گرك) که سختی را با لجابحت
 و استقامت و بی قشردن توام داشتند چنانکه حوادث
 تاریخی آنها، درست این مسئله را با نشان میدهد
 و از آن جهت، هاتوا، جنگ (تروا) است که سیزده
 سال متوال طول میکشید و بگر سر سختی است که
 نسبت به جنگ الملوك ایران بهمن بن اسفندیار مرتکب شده
 سلطان خود را نیست و نابود کرده بلاد خود را آتش
 زدند بر این تهوری است. بلکه غنایش در تاریخ نام
 دیده اند. مگر در جنگ ترا سوال نوانگلیس و نتوان
 سپین سخن را عبادت و طبری نام نهاده بلکه نویی از
 لحاظ استقامت است که از هر دو قصب تلخی میشود.

استیلا، معنایان خصوص آله جهان بر لادنی (گرك)
 نام بلند آنان است نمود و در درجه پستی از درجبت
 نام و سنگ منزل نمودند تا آنکه باز باستاند سلاطین
 اروپا از جنگال جانب مستنظس شده بلاد خود را از
 دست نخب بیگانگان بیرون کردند و شمه از شرکت
 اولیه را حاصل نمودند که اثر آن تا کنون باقی است -
 (باقی دارد)

عبرت للناظرین (از شماره ۲۴)

همین که بوی اینگونه ملامت و سرزنش بطایف
 بعضی از بزرگان ارمنه رسیده حزب قلیلی از آنان
 که دارای رتبه انسابت و در جزو اعضای بی آدم
 بودند اصفاً بجهال آشنا و بیگانه دور و نزدیکش را
 توبیخ و سر زش و هدایت می نمودند - ولی چه نمرد
 سوء آمل و نیت بعضی از صاحبان آراء انجمن ملی
 شان این همه موهظت و دلالت براه امنیت بی نتایج
 ماند و آنکیکه این آتش نیران بناوت را دامن زده
 مشتمل میساخت معروف خواصی و نام بوده فرمان
 گذار ماجدار در برده بود - رؤسای مسلمین
 بذریعه تلفون اخبارش به ادب چنین دادند - سکه
 ای آقای بالا بیک لایفون رئیس همه جا معروف و
 محترم خواهشمندم اگر بر ما رحم مینماید بفرمود
 این قترا و بدست بای طرفین رحم کن - اشرار و
 فدائیان همه مطیع امر و فرمان تو و حکمات - و از
 تعول شخصی شا اینگونه حسارتها مینایند خواموشان
 داشته و از جوش و خروششان بازدار - یا اگر دیگران
 کرده اند تو بکن و بگذر بدون علت ملک و دولت
 بزرگی را در استقبال و درمان آتیه با طایفه و برادران
 دینت طرف و خصم نکردان - جواب صریح داد و گفت -
 من سکه از خانه بیرون نخواهم آمد و غیر از من
 دیگران هم در این کار روانی با من شرکت و محبت
 دارند وانی بر امنیت نخواهند شد تا خون جوی از
 اخوان وطن و دینی شا ریخته و بخود آید آنوقت
 قدر رشادت و جان بازی را حد حق بیلت یاد خواهیم
 گرفت - و بعد ما بر شا واضح خواهد شد که این همه
 کشتن و کوشش و جنگ بازی ما چه بود و نتایجی
 حاصل نموده تا چه حد ملت ما را بر زمین میزند.

شماره ۳۵۹ - ۱ ربيع الثاني (۱۳۳۳) - ۵ جولای ۱۳۳۳ - ۵ جون (۱۹۱۵) - شماره ۴۲

در خطای و کوشه کفر خدمات گوناگون سازمانه
 بر قراءت مسلمین در از دیار بود - تا یوم یکشنبه ۱۴
 شهر ذی حجه الحرام ۱۳۲۷ مطابق ششم فوران ماه
 روسی ۱۴۰۰ میلادی سال جاریه جوان مسلم تشکیل
 فیاض موسوم به آقا رضی برادر زاده حاجی رضوان
 که یکی از متمولین بادکوبه بشمار است سوار کالسکه از
 جانو کلیسای اعظم ارامنه بعد از ظهر عبور میکرد - در
 حالتی که مردان و زنان ارامنه در معبد مشغول
 عبادت بودند و در حیاط کلیسا فرج و تنفی داشتند -
 از این جماعت چهار نفر بیرون دویده و به کالسکه آقا
 رضی برقی برده و او را بریده با شش لول چند
 گلوله به فرقی زدند - اینکاش همین حرکت ظالمانه
 غدارانه اکتفا می نمودند - پس از قتل بدش را از
 کالسکه زیر آورده با خنجر باره باره نموده و قوری
 فرار کرده گرفتار پلیس نکشتند

این خبر همان روز مغرب شهر و اطراف منتشر
 و نقل بحالی اطالی و ادای شد - حکه ارامنه چنین
 ظلم و حرکات وحشیانه بجد آقا رضی صابونچی
 نمودند - برادران دینی مقتول با ناله های دل گداز
 از صابون چی من حال بادکوبه بشهر دو آورده
 مغرب رسیدند و هر قدر ارمی تا نصف شب دوشنبه
 دست و پختک آوردند بدون عذر گشته بخاک هلاکش
 انداختند - تا یوم دوشنبه پانزدهم چهار ساعت از
 روز گذشته تنور خونریزی بین مسلمانان و طایفه
 ارامنه گرم بود - دیگر جای عذر و پوزش و ملاحظه
 حال آشنا و بیگانه نماند - مقصود مسلمین کشتن ارمی -
 و منظور ارامنه قتل هر طایفه بود - و میدان خونریزی
 کاملاً بین فریقین آراسته گردید - و گویا محشر کبری
 عودار گشت - سکرها برپا شد مسلمین دست از همه
 چیز شسته مثل شیر گرسنه به ارامنه در افتاده و بهم
 پیچیدند

تمام روز دوشنبه و شب سه شنبه در شهر بادکوبه
 جز اولز شلیک بگوش نمیرسید - ارامنه تاب مقاومت
 نیاورده صبح سه شنبه پشت به مرکه جدال و قتال
 که خود شان برپا کرده بودند نموده بخانها پناهنده شده
 از بس دیوار و بخره های آهنین با تفنگ و شش
 لول طایرین کویچه ها و حیاط خانها را بدون استثناء

تقوم و مذهب حذف گلوله مینمودند -
 مسلمین این واقعه را به حکمران وقت حکه بسیار
 محبوب و مهربان و حکوریم و رعیت پرور است
 رسانیدند - که ارامنه از میدان گریخته و بر پشت در
 و بخره و بالای بام شلیک در حیاط و کویچه مینمایند -
 و خانهای مستحکم را برای خود سکر ساختند اگر
 تا ظهر امروز بیرون نشتابند و رو برو میمانند صاف
 ندهند بقا کردن حیوان و طال پروا نخواهیم نمود
 لابد در خانهای سکر بستن ایشان داخل شده خاکستر
 شانرا بر باد داده همه را از دم شمشیر خواهم کفایتید
 حاکم مهربان رعیت دوست هیچ جواب و فرمان نداد چه
 انتظار حکم ثانوی او دیار داشت - و تمام روز سه شنبه
 طرفین مشغول بتل و خونریزی بودند - شب چهارشنبه
 کار سخت شد و مردمان قوی المزاج شجاع در منازلشان
 از بیم جان میفرزیدند و برخود میرسیدند - تا صبح یوم
 چهارشنبه از سمت ایستگاه راه آهن به مجاهدین
 اسلام خبر دادند که برادران شایخ خبر از بالای عمرشان
 باقطار راه آهن از ماغستان و قفقازی و ایرانی شیمه
 و سنی در ایستگاه پیاده شدند و قدری دور گردیدند -
 ارامنه آسمت که بهتر از مسلمینند به باد گلوله شان
 گرفته قتل می آوردند - و چند دکان و مغازه مسلمین
 را شکفته اموالشان را به یقین بردند و عملاً قریب
 کارخانه آرد و برج کربلائی آقا بالائی یوف که یکی از
 مردان غیور اسلام و محترمین بادکوبه است و خانه آقا
 عباس قاسم اف تاجر رشت حکه رعیت ایران است
 بسوزانند و هستی آنان را بشلراج برند ازین خبر
 مسلمانان بیجان آمده هجوم سرداه بردند اما از پشت
 در و دیوار و بالای بام گلوله بتل باران سرازیر
 بود - چاره را مسلمین جز این ندیدند حکه چهار
 پنج بلب عسارت سه و دو و یکمرتبه را نقت زده
 آتش در اندازند و تمام تیر انمازان ارامنه که در آن
 خانها پناه برده سکر داشتند سوخته بر بعضی ها هم
 حکه از ترس آتش به بیرون فرار میکردند طبعه
 گلوله و برق شمشیر شدند چند دستکاه عسارت جالی
 ذقیمت با انکاشالید بر این نهج خاکستر شد و در این
 هنگام از بیرون شهر مجاهدین خبر رسید که از سوی
 و دو پارچه دهات محال بادکوبه حیوانان مسلمانان تمام

و از جوش بلوایان باز داشتند. و منت بزرگی بباق مانده گذاشتند (لنت حق بر لحاج باد که کرده) اگر چه پس از آشتی دو نفر اهل ایران را در هاروز بقتل رسانیدند. و بمساجدین اسلام قیوت این معنی را دادند ولی ملاحظه سوگند یاد نمودن به کلام الله و بخواهش شیخ الاسلام و فرمانفرمای مملکت قفقاز مزاحم حال کسی نشده و تجاوزی نکردند.

اما لطیفه آرامنه بحکم همان (بدرکشته را کی بود آشتی) دست از شرارت برنخواهند داشت. و مساجدین در هنگام آشتی با آرامنه معاهده نموده قرار داده اند که هرگاه من بعد دوزخ از مسلمانان در دست شما بی سبب کشته شود ماتلانی سزا خواهیم کرد. خاصه اگر بر وجود یکی از محترمین و متحصنین یاد کوبه شده و آسیب وارد آوری بزرگان را تا ما به قتل رسانیده از پای خواهیم در آورد. با وصف اینگونه معاهدات مشکل است شما آسایش و آسودگی را زینده خود دانید

(شرارت چه در طینت عقرب است)

(در کشتن نه بخشد باو هیچ سود)

شاهد بر این مقال آن است هفتة قبل در باغ شهر و جلو عمارت حکومتی چهار نفر ارمنی که یکی به اسم (غلیچا تورپاس) بود با آقا محمد بیگ که رئیس یاس نظامیه محله لب دریاست رو برو شده بدون علت باش لوله حمله بدو برده یکنفر نوکر که همراه و مراد نام داشت - جلو آقای خود و گل لوله خصم ایستادگی نموده محمد بیگ را بسلامت در همان نزدیکی به محل امنی رسانید باندازه مصاف داد که در شکم و سینه زخمهای منکر از گل لوله برداشته بروی زمین دوغلطید. آن چهار نفر ارمنی رو به فرار گذاشته یکی از آنان در جنگ جماعتی جان باخته دیگری مجروح شده دوتفر دیگر گرفتار و حبس گردیدند تقدماً در اداره حکومت جنگی قرار یافته هر کشته را باید بکشند. و با این دو نفر ارمنی که گرفتار شده پس از استطاق چه سوارک شود معلوم نیست -

همان روز یکدسته فدائیان مسلمانان و اتمه را شنیده رو بناتة محمد بیگ رفته بدند بمحمد با سلامت و آسیبی بوجودش نرسیده. اما نوکرش مراد سخت مجروح و در زخمها به است خدا ناله می کرد و صحت یابد تا این میانه و سوارک و سوارک بیانه مرتفع گردید (باقی در ۵)

اسامحه رو بیشتر آورده تا سه ساعت دیگر وارد شده بقیه ارمنه را بقتل رسانیدند و در اینصورت باز آرامنه از عسارت و شرارت دست بر نداشته در گوشه و کنار مشغول شلیک و تیر اندازی بودند - همین که عسارت علی (بالایک لایهوف) رئیس بزرگ آرامنه آتش گرمت و خودش را از دم شمشیر گذرانیده جمعی در خانه اش شجاعت بخرج داده تیر اندازی کردند و مبتلی اسباب ناریه سوخته و همراه با خلك سیاه آمیختند آتوق رؤسا و بزرگان و محترمین - همین ناریه سکه پنهان بودند و از خوف جان به تنگ آمده. خود داری را حرام دانسته. دست مردانگی و قوت از آستین و با از خانه بیرون گذاشته با زحمت دوقالعاده و گذشتن از جان در مقام جلوگیری برآمده با کوشش فراوان - من را ساعتی از جوش و حرورش بازداشتند. در اینوقت داد مردی داده و از بدل مال و مصارف لازمه مضایقت به نمودند. خداوند نیکو جزایشان داده امثالشان را در مدت اسلام زیاد فرماید مخصوصاً جناب مستطاب معظم محترم آقای حاجی رین العابدین آقا قتی یوف که مخارج گزاف نموده و بامعیت حاکم شهر بادکوبه بندریه تلگراف به تقییس واقعه را به جناب شیخ الاسلام آخوند زاده رئیس روحانی اسلامیان قفقازیه و مفتی بزرگ برادران سنت و جماعت خبر داده. تا ظهر یوم چهارشنبه به باد کوبه نزول اجلالشان داد. و ناپید فرمان فرمای کل مملکت قفقاز برای اطفاء بن آتش خلیالسوز در معیت شیخ الاسلام و مفتی شریف فرمای بادکوبه شدند. هرگاه تا مغرب چهارشنبه آشتی و امنیت دست نمیداد. بلاشک شهر بادکوبه خاکستر شده جمعی از نفوس محترمه بی نوع معدوم می گشتند

پس ال و رود آقابان فوق الذکر جلو عمارت حکومتی اجتمع نموده نام علیان شهر و قیسبان و کشیدان بزرگ آرامنه و نجیبای این طایفه را گرد آورده بدست آقابان شیخ الاسلام و مفتی و علیان کلام الله و بدست قیسبان انجیل و صلیب داده فریقین را سوگند یادند سکه از قتل و قمارت دست برداشته سپس بطور احوت رفتار کنند. و تمام شهر در همان یوم چهارشنبه الی غروب علیای اسلام با قرآن و قیسبان آرامنه با صلیبگردش نموده شهر را خواهمی

اخبارات رسی جنگ

دورنهایکه امیرالبحر (توکو) بدو است زاپون داده و رسماً از وزارت جنگ بوزارت خارجه دولت مشاير البها رسیده و عنوان خود مقیم مئی اطلاع بخشیده اند بموجب ذیل است نام این دورنهای تلگرافی است فرق این است که دو تلگرافات احتمال صدق و کذب می رود و چون این تلگرافات رسی است تصور کذب در آن نمی شود

رپورت اول امیرالبحر توکو

(۲۷ می ۱۹۰۵)

پس از اینکه خبر ورود جهازات (بالیک) در آبنای (کورد) ما رسید دستة جهازات جنگی خودمانرا بطرف آنها جولان مان دادیم - هوا صاف و روشن ولی دریا خیلی از تلاطم نبود - خبریکه الاسرای بحری روس معلوم شده آن است که دو جنگ پیست و هفتم بموجب ذیل جهازات روس غرق گردید - برادینو - الکسندر سوم - چنگ - و سه جهاز دیگر که تلفش تغییر یافته است - امیرالبحر (نیوکاتوف) با دوازده قشون بحری روس اسیر شدند - علاوه بر آنچه ذکر شد جهازات موسوم به (ادمیرال ناخیموف - دیتیری دانسکی - سویتلاندا - ادمیرال آشاخوف - کامچانکا - انسیم - لادیسچ مواتچ) و یک کشتی خاصه با یک موشک شکن غلیظت باشد - و نیز دو کشتی بزرگ جنگی و یک کشتی مدافع و پنج کشتی موشک و دو کشتی خاصه و سه موشک شکن غرق - و دو کشتی جنگی و دو جهاز مدافع و یک جهاز خاصه و یک کشتی موشک شکن غلیظت ما آمد -

علاوه نمیتوان بطور تحقیق بیان کرد که سه کشتی که قشون روس را از جهازاتیکه غرق شده حل کرده بودند غرق شده و نامشان درین جهازات مذکوره هست پاره - علاوه بر آن دو هزار که ذکر شد هزار نفر دیگر هم اسیر شده با امیرالبحر (نیوکاتوف) جنگ هنوز قائم است - و ما نمیتوانیم امروز صحیح بر نتایج جنگ حکم کنیم

رپورت دوم امیرالبحر توکو

(که شام ۲۷ رسیده)

دستة جهازات ما نزدیک اوکوشیما) بر جهازات روس حمله توده ختم را شکست دادش و ما نیندند چنانچه چهار جهاز آنها را غرق کرده و بر بسیاری از کشتیهایشان تضرار وارد آمده - مدتی که بمجازات ما رسیده خیلی خلیف باکا قبل ذکر پیست - بعد از مغرب جهازات موشک و موشک شکن و غواص ما بر جهازات روس باز حمله نمودند

رپورت سوم امیرالبحر توکو

(صبح ۲۹ می)

تمام قوای بحری ما از تاریخ ۲۷ الی ۲۸ می در نزدیک کوه (ایاکوت) که در شمال شرقی (اوکوشیما) واقع است بر حمله روس حمله نموده یک دستة جهازات روس که اول - نیوکاتوف - سبیلوین - ایراکسن - از سرود و غیره را احاطه کرده آری حمله او آن میدان مراد کرده طاقت اسیر ما کرد - تاکنون جهازات ما را اتصال عظیمی رسیده است

رپورت چهارم امیرالبحر توکو

(صبح ۳۱ می)

قلب قوت بحری ما در جلیکه بجهت جهازات (بالیک)

را احاطه نموده بود با آنها تکلیف تسلیم شدن نموده - دستة از جنگ باز داشتیم - درین گیرودار جهاز (ادمیرال آشاخوف) را در نتیجه مدافعه پاره دو جهاز (اویس - ویکومو) را در جلو آنها فرستاده قبل از شروع ما بمجنگ آن دو جهاز با تکلیف به تسلیم شدن آنها نمودند - چون قبول نکرد ساعت شش او را غرق و متجاوز بر پانصد نفر عملیات جهاز را اسیر کردیم ساعت پنج عصر جهاز (دیتیری دانسکی) دو شمال و مغرب پدیدار شد بر او نیز ناخته غرقش ساختیم - موشک شکن ما (سازمانی شام ۲۷ یکی از کشتیهای موشک شکن روس را که (بدوی) نام داشت گرفته آورد امیرالبحر (دورینوینسکی) نیز در او بود باینکه از امیرالبحر های دیگر هر دو مجروح بودند هشتاد نفر سرگردان هم در آن کشتی اسیر گردیدند

تمام این هیئت در جهازیکه دارای بیرون و در ۲۷ غرق شده بود بدین جهاز سوار شده بودند (چیتوس) کرا زا بر ما وقتیکه بجانب شمال در حرکت بود بیکی از جهازات موشک شکن روس بر خورده غرق نمود ظهر روز ۲۸ موشک و موشک شکن ما (تلان) و (مونیوسوامو) بیکی از موشک شکنهای روس ر خورده غرقش نموده اند

رپورت پنجم امیرالبحر توکو

(شام ۳۱ می)

وجب خبریکه از اطراف رسیده و حالانیکه از اسرای روس تحقیق شده نتیجه جنگ ۲۷ و ۲۸ این شد که جهاز (نیاز - اوادول - الکسندر سوم - برودینو - دیتیری دانسکی - ادمیرال ناخیموف - و لاد میز - مو نو مایچ - چنگ) - ادمیرال آوشاخوف - و یک جهاز دیگر که موشک ساخته بودند - و دو موشک شکن روس غرق گردید - و نیوکاتوف یک - ادمیرال ایراکسن - ادمیرال سبیلوین - و یک موشک شکن که موسوم به (بدوی) بود اسیر نمودیم - و بموجب قول یکی از اسرای روس جهاز (اسیلیا) و (نوادن) روس هم غرق شده اند - جهاز (آلار) روس بتاريخ ۲۷ بحالت بد دیده شده و نزدیک بفرق بوده است - ولی بنوع حقیقت از کلیة حالات هنوز با خبر نیستیم - تاکنون محققاً فضیلت خود مان معلوم نشده است ولی تا جائیکه اخبارات رسیده صدمه زیادی بما وارد نشده و مقتولین و مجروحین ما را تاکنون چهار صد نفر می نویسند شاهزاده (بودیشینی نو) در کابل صحت است و امیرالبحر (میدو) در ۲۷ زخم مگیری یافته است دشمن در جنگی روس نیازها وارفت - الکسندر سوم - برودینو - اسیلیا - سیسای ولی - نوادن - غرق شده و نیز پنج کروژاژ (ادمیرال ناخیموف - دیتیری دانسکی - ولادیسچ منوماچ - سویتلاندا - چنگ) هم غرق گردیده کشتی دفاعیه (ادمیرال آشاخوف) غرق شد و نیز دو کشتی خاصه (کامچانکا - والیوش) و سه موشک شکن روس نیوکاتوف یک - غرق گردید - دو جهاز جنگی (اول - و دو کشتی دفاعیه ادمیرال ایراکسن - و ادمیرال سبیلوین و یک جهاز موشک شکن (بدوی) غلیظت جهازات جنگی زاپون گردید چه پیست و دو جهازات جنگی روس غرق و دستگیر شده اند - جهاز (اول) هم

(مژده) - جہازات (نیوکولس) - و سجادان - و ابراکمن) در ساسیو رسیده اند

﴿ رپورت هشتم امیرالبحر توکو ﴾

(شام میام)

تصانیف ما درین جنگ خیلی قلیل بوده و جز سه کشتی موشک ما که غرق شده هیچ یک از جہازات جنگی را صدمه نرسیده است - امیرالبحر میکادو امپراطور ژاپون امیرالبحر (توگو) را اختیارات کل بخشیده که هر یک از سرکردگان روس سکه حلف السیف نمایند مریض کنند که بروی حمایت کنند و امیرالبحر (نیوگاتوف) را اجازه بخشید که واقعات جنگ را با امیرالبحر امپراطور روس رسماً خبر دهد - امیرالبحر (روزبونسکی) چون مجروح بود در بیمار خانہ (سایو) برای علاج برده اند در جہاز (بدوی) که گرفتار شده امیرالبحری غیر از (روزبونسکی) نبوده و خبریکه در مادہ گرفتاری سوئین امیرالبحر روس اشاعت یافت مرقون بصحت نیست آنچه معلوم میشود غرق شده است

﴿ رپورت نهم امیرالبحر توکو ﴾

(۳۱ می ۱۹۰۵)

جہازات (سپوولکی - ادسرل ناخیموف - دلادیمیر - منوماج) را بدوی صدمه رسیده که یکمفہ بیکار و قادر بر حرکت نمی باشند - روز دیگر موشک شکن ما آنها را دیده قبل از آنکه با آنها برسد غرق گردیدند - فقط از عملیات آنها یکصد و پانزده نفر را از غرق نجات داد - این امر نیز به تحقیق پیوسته که جہاز (تاویرن) را یکی از کشتیهای موشک ما غرق نموده که روزاً ما (نیتکا) غیر داده که جہاز (سوتلانا) را غرق نموده و این خبر به تحقیق پیوسته است - روز ۲۷ کشتی موشک ما بر جہاز (اورورا) حمله نموده چون صدمه زیاد باو رسیده بود چنان کان میبرد که غرق گردیده است - در رپورت های سابق در خبرست جہازات منروقه (چونگ) نیز نوشته شده درستی حقیقی نیست که جہاز مذکور غرق شده یا نه باید منتظر رپورت ثانوی باشیم - هشت جہاز جنگی و سه کشتی زره پوش و سه جہاز فولادکوب که عقب جہازات بالتیک بودند همه یا غرق شده یا گرفتار گردیدند و جہازات جنگی بطی السیر و کشتیهای متفرقه دشمن هم همه غراب و شکسته شده اند ازین رو میتوان گفت تمام جہازات (بالتیک) بیکار و بر باد شد - تصانیف جہازات ما پس از تحقیق این بود که در شب ۲۷ کشتیهای موشک نمبر ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ غرق شده - و عملیات آنان قلیلی تلف شدند جلہ تصانیف ما در تمام جہازات جنگی در مقابلہ جمیع جہازات بالتیک هشتصد نفر بوده است چون این میدان جنگ خیلی وسیع بود و دریا نیز تلاطم داشت ما نتوانستیم بیش از پنج میل ملاحظه کشتیهای جنگی خودمان را بنمایم - و دو شبانه روز جنگ قائم بود و جہازات ما در مقابلہ جہازات بالتیک بودند و خیلی دور رفته اند و هنوز نیز عقب آنها را رها نموده البته سه چهار روز طول خواهد کشید تا بتوانم رپورت کامل بدم این جنگ را اشاعت دهم

﴿ رپورت هشتم امیرالبحر توکو ﴾

(شام ۳۱ می)

امروز صبح کشتان جہاز (کاسوکا) که در نجات باقی

ماندگان جہاز بدوی دانسی سامی بود معاودت نمود مشاوریه میگردد که بیست و نهم کشتی مذکور بعد از آنکه عملیات کشتیهای (اسلیایا - و پیونیو) را بجزیره (اولنگ) بخاک آورد خود را غرق نمود - معلوم می شود که کشتی (پیونیو) امیرالبحر (روزبونسکی) و سائر سرکردگانیکه در جہاز بیرقی دار بودند حل نموده و در جہاز (بدوی) نقل داد - چون بجانب شمال حرکت کرد دعوایهای طریق را ملاحظه کرده عملیات خود را سوار جہازات (دیمتری دانسی) نموده آن جہاز را غرق نمودند - جہاز (اسلیایا) چنانکه قیدین میگردد اول کلوله بار خورده امیرالبحر (فولاکرشام) را کشته سپس قسمی هدف شلیک شد که بساعت سه عصر غرق گردید از قول امیرالبحر جہاز (دیمتری دانسی) معلوم می شود که دو کشتی موشک شکن روس در جنگ منظره غرق گردید این امر محقق است که پنج کشتی موشک شکن روس در این گیر و دار غرق گردیده است

﴿ تلکرافات ﴾

(۲۳ ربيع الاول - ۲۸ می)

﴿ مخبر (روتر) از پترسبرگ خبر میدهد که از طرف وزارت جنگ روس اعلانی بدین عنوان اشاعت یافته که چون قواعد و قوانین لشکری ما ناسی است ازین رو لشکریان در جنگ اقصای شرق خود سری کرده باعث این همه خسارت شده اند لذا ازین و بعد هرگاه در دوج خود سری دیده شود سرکردگان را بخواهد (مارشل لا) سزا خواهند داد

(۲۴ ربيع الاول - ۲۹ می)

﴿ از (واشنگتن) خبر رسیده که جہاز (اورل) و (لودوزینو) و سه کشتی موشک شکن روس و یک کشتی که برای سرعت سائر جہازات همراه بود ژاپونیان غرق نمودند ﴿ بموجب خبر رسمی که با آمریکا رسیده دولت ژاپون در آبنای (کوریا) سر راه بر جہازات بالتیک وا سخت گرفته مشغول بجنگ اند

﴿ مخبر (روتر) از (سنکگو) خبر میدهد که در (شوهیما) بین جہازات روسی و ژاپون جنگ مفلوہ در پیش است - و تمام جہازات (بالتیک) در کار فراوانند - الاجہازات بطی السیر که در اطراف دمته جہازات جنگی ژاپون دیده میشوند ﴿ وقایع نگار دیلی تاکراف از (توکیو) می نویسد که در چین ورود جہازات بالتیک در آبنای کوریا مه جو هو را تا بیک نموده دریا نیز متلاطم بود

﴿ مخبر (روتر) از (توکیو) خبر میدهد که دسته جہازات امیرالبحر (روزبونسکی) تمام خراب شده دوازده جہاز جنگی غرق و دو کشتی حامل و دو موشک نیز زمین گیر شده اند

﴿ مخبر (روتر) از (توکیو) خبر میدهد که جہازات زره پوش (بورودینو - الکسندر سوم - ادسرل آخاخوف) و کشتیهای کروژاتر (ادسرل اخیموف - دیمتری دانسی - ولادیمیر منوماج - سوتیلانا - چچنگ - و کشتی سرعت (مپاتکا وارتیسیم) همه غرق شدند و نیز کشتیهای جنگی (اورل - نیکولاسک - ادسرل سپیلون - و ادسرل ابراکمن) اسیر شدند

﴿ از تلویحات ژاپون عموماً اهالی لندن اظهار صورت و

شماره ۲۵۰ - ۱ ربيع الثاني (۱۳۲۳) - جبهه اول - جنگ روس و ژاپون (۱۹۰۵) - جنگ روس و ژاپون

خوشتر می نماید و چنان تصور میکنند این فتح حقیقیه
 صلح است
 چنان معلوم می شود که امیرالبحر (دوژویوسکی) از خود
 و از میدان جنگ بیرون انداخته سموات جنگی ژاپون در
 تنایب و هستند
 در (واشنگتن) خبر رسیده جهازیکه درجهازات بالتیک
 حامل یق بود به جنگ ژاپونیا آمده و جهاز (کیتار-سوارف)
 نقصان زیادی یافته است
 امیرالبحر (توگو) خبر میدهد که سه کشتی موشک
 همه را غرق نموده و یک کشتی موشک و یک تانک را
 ضیعت گرفته تمام روز یکشنبه و دوشنبه تنور جنگ شده
 و در
 کشتیهای جنگی ژاپون تماماً سالم اند و هیچ يك نقصانی
 زیاد که اسباب خرابی او باشد رسیده
 (بارن میاشی) سفیر ژاپون در لندن معتبر دوتر اظهار
 داشته که ژاپونیا جنگ امیرالبحر (توگو) را نظر جنگ
 (ترالگر) می شمارند که چند قرن گذشته واقع شده بود
 و این فتح را با کمال مسرت ملاحظه می کنند که مسامی
 جبهه آنان مدتی در وقت دوات ژاپون سامی است که این جنگ
 را به آخر رسانیده آخرین نتیجه را حاصل نماید

(۲۵ ربيع الاول - ۳۰ می)

در (توکیو) خبر رسیده که جهازات بالتیک در جنوب
 جزیره (فارموزا) يك جهاز تجارتي انکلیس را غرق نموده اند
 از روبروهای امیرالبحر (توگو) ظاهر می شود که
 بمورد رسیدن جهازات بالتیک در آبنای (کوریا) جهازات
 جنگی ژاپون برای مقابله و جلوگیری آنها حرکت کرده -
 هوا صاف بود و دشمنان را ما در جنوب شرق (هوشیما)
 یافتیم - پس از قدری جنگ جهازات بالتیک شکست خورده
 منتشر شده برخی از جهازات را گرفتار و بسیاری را غرق
 نمودیم -
 آنچه محقق شده نقصانیکه بجهازات ژاپون رسیده
 قابل بوده جهازات موشک و موشک شکن شان شهاب بر خورده
 همه نموده قلب جهازات بحری بجانب مغرب بر جهازات
 بالتیک حمله نمودند يوم یکشنبه جهازات ژاپون بطرف شمال
 شرقی در آورده در (او سکوشیما) چند جهاز روس
 (نیکولس یک - اول - سیناوین - ایراکسن - ازوزاد)
 را محاصره کرده آخرین جهاز فراد نموده سائر جهازات
 و با امیرالبحر (نیوکاتوف) و دو هزار قشون اسیر و
 دستگیر نمودیم
 آنچه تا کنون خبر رسیده جمیع نقصانات از غرق و
 گرفتاری جهازات روس از کوشش اسرای بحری ژاپون
 که تحت امر امیرالبحر (توگو) میباشند صورت بست - و
 علاوه بر اسرای مذکوره هزار نفر دیگر هم اوردوسیان اسیر
 ژاپونیا شده اند - ولی هنوز محقق نشده که سه جهازیکه
 روز یکشنبه غرق شده تانک در فهرست جهازات مفقود
 آمده است یا نه - آخرین خبریکه از امیرالبحر (توگو) رسیده
 این است که ما تا کنون به کشتش و کوشش خود در اقدام
 خصم کوشانیم
 اخبارات اروپا متنقن الکامه میگویند که تدابیر و شجاعت
 امیرالبحر (توگو) ملی امیرالبحر (تلسن) و این جنگ

تقی بنیک (تولنگر) بود بین بلانژدهم انکلیس بزرگ
 بحری است که در عالم واقع به
 (پترسبرگ) اشاعت داده اند که هفت جهاز جنگی ژاپون که
 دو از آن زده پرتاب بود با چهار جهاز جنگی روس
 غرق شده است - و ازین انواء کذب بلتیک جولان تلیم
 یافته که از تماشاخانه بیرون می نمایند با آواز بلند اظهار
 مسرت میگردند که (فتح بزرگ روس)

اداره بحری دولت ژاپون را خبر مونی رسیده که
 (نیازساواروف) یق در جهازات بالتیک و امیرالبحر
 دوژویوسکی در او سوار بود غرق شده امیرالبحر مذکور
 نیز مفقودالثر است

(جول فورجنگ) حکمران (ولادیوستک) خبر بردهای
 جهازات بالتیک را در روز با امیراطور روس داده ازین ظاهر
 می شود که یکی از جهازات بالتیک خود را (ولادیوستک)
 رسانیده است

قیمت سندات استقراری ژاپون ترقی کرده و میکند
 و در صد پنج ترقی کرده است
 اخبارات فرانسه مجدداً با آواز بلند آغاز به گفتگوی
 صلح نهاده اند

خبر (دوتر) از پترسبرگ خبر میدهد که جهاز
 (الماز) ولادیوستک رسیده خبر غرق جهاز (ساووف) را
 رسانیده و اظهار داشته که ازحالات (دوژویوسکی) اطلاع ندارد
 که بر آن جهاز سوار بود یا نه - هدیره فراد سائر جهازات
 هم ایدا اطلاعی ندانند است

از (واشنگتن) خبر رسیده که دو (توکیو) رسماً اشاعت
 یافته است که امیرالبحر های روس (دوژویوسکی) و فالکر
 شام - و نیوکاتوف) هر سه اسیر و تمام جهازات جنگی
 روس غرق شده - الا (اودل - ویکر لاسیک) که گرفتار
 شده است (امیرالبحر فالکرشام) هم غرق گردید

در روسیه اشاعت یافته که جهاز شناخانه دسته جهازات
 بالتیک (ولادیوستک) رسیده و امیرالبحر (دوژویوسکی)
 هم بر او سوار بوده و این خبر در پترسبرگ اسباب اطمینان
 تا اندازه شده است رافسوس که این خبر هم مقرون بصواب
 درنیامد

لهالی پترسبرگ اندک اندک میروند از واقعات شکست
 جهازات بالتیک با خبر شوند - امروز عصر اخبارات زمزمه
 جنگ را نموده ولی از غرق و اسیری جهازات هیچ نبوغته اند
 شش جهازات موشکن روس امروز در بندر (ووستک)
 چین وارد شده مریان از سلاح گردیده اند

(۲۶ ربيع الاول - ۳۱ می)

از اعلان روسی توگو که امروز اشاعت یافته ظاهر
 می شود که امیرالبحر دوژویوسکی سردار بزرگ بحری روس
 که گرفتار شده مجروح است

از سرداران بحری روس بر جهاز موشک شکن
 بدوی سوار بوده جهاز مذکور گرفتار و همه اسیر شده اند
 چهار صد نفر از دسته اول جهازات ژاپون گفته شده

امیرالبحر سپو نیز مجروح شده است
 آنچه تا کنون ظاهر شده تا کنون بیست دو فروند
 جهازات جنگی روس غرق و یکصد و گرفتار گردیده است

«خبر المثلین»
 مهیكل كالج استريت نمبر،
 «كليه امورا داره با»
 مدير كل مؤيد الاسلام است
 «مقلم اداره»
 آقا محمدجواد شيرازي است
 «مردوشنه طبع»
 وسه شنبه توزیع میشود
 «بتاریخ دوشنبه»
 ۸ ربيع الثاني ۱۳۲۳
 «مصادف با»

خبر المثلین

سنه ۱۳۱۱

«قیمت اشتراك»
 سالانه — شش ماهه
 «هند — و برمه»
 ۱۲ روپه — ۷ روپه
 «ایران و افغانستان»
 ۴ قران — ۵ قران
 «عثمانی — و مصر»
 ۵ عییدی — ۳ عییدی
 «اروپا — و چین»
 ۳۰ فرانك — ۱۷ فرانك
 «روس و تركستان»

قبل از دریافت نمودن قبض اداره

۱۴ جون ۱۹۰۵ میلادی (خریدار باید قیمت اخبار را باحدی تسلیم نماید) ۱۰ منات — ۶ منات

«در این جریده از هرگونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملتی بحث میشود»
 «مراسلات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست»

فهرست مندرجات

- سیاسی • ژاپون و جهازات روس • ترجمه ویست
- مندرگرت • جبلالتین • مکتوب از بوشهر
- مکتوب از ولاد قفقاز • اعلان • جبلالتین
- مکتوب یکی از فضایی جلیل • عبرت السائرين
- اصلاحات وزارت جنگ • حرکت موکب هیونی
- طوفان قیامت خیز کربلا • جنوب ایران • بوشهر
- شوشتر • حسن خدمت • سواد فرمان شاهنشاهی
- توضیح • وقایع مختلفه طهران • وفات حسرت
- آیات • مکتوب • تکرکات

سیاسی

بزرگترین شکستهای بحری انصاری شرق که نتیجه اش
 خسری و برپادی جیب جهازات (باتیک) بود جنگ روس
 و ژاپون را خاتمه نمود. در این مکتب عمده تکرکات
 دال است بر ختم جنگ و آغاز صلح. محرک این
 مسئله همانا مستر (روزبولت) رئیس جمهوری دولت
 اتازونی. و مؤید آن جیب دولت اروپایند. هرگاه بذره
 بین سیاست بنگریم خواهیم دید که اصحاب غیرت و مصیبت
 ملی اروپائیان متحرک و زیاده بر این راضی به قدم ژاپون
 نشده. گویا بیعت اجتناب ناپذیر اند که دولت مشارالیه را
 از چیدن قزاقان کاملاً قبح چنانچه در جنگ چین باز
 داشت مانع آیند. چه از فتح روس کنفلا ماپوس شاه

میدانند هر قدر جنگ طول کشد ژاپون قوی و روس
 ضعیف خواهد گردید. و ازین و بعد هر قدر ژاپون
 قوت گیرد موانع پیشرفت مقاصد پلینکی آنان در
 محاسن آسیا قوت خواهد گرفت. این است که زیاده
 بر این فتوحات ژاپون و قوت او را نتوانند دید. ورنه
 دول عظام بهر طریقی که اینک منق و مایل صلح شده
 هرگاه در آغاز جنگ اقدام نموده متحدالکلمه سخن
 میزدند. دوتین متحاربتین مجبوراً دست از محاربه
 کشیده بلکه شروع بجنگ میند

در آغاز جنگ چنان تصور برفت که این جنگ
 طرفین را ضعیف نموده باقی دولت قوت دول سازه
 خواهد گردید. اینک که ضعف باید به يك و قوت را
 راجع بآن دیگر دیدند و نتیجه دولت ژاپون را هم منافی
 مقاصد خود در آسیا که در میانند و من همت بر کر
 زده خواه خواه اصلاح فالتالین در حواله تکرکات آمده اند
 مسلم است که اگر ژاپون شرایط صلح را بدستی پیش
 نهد دول عظام میان افتاده به رسی بدیل خواهند نمود.
 و روس را نیز همین مقصود بوده و هست و اینهم از
 روی حال اندیشی معلوم است در چنین موقع با جیب
 دول طرف یافته زمینایحکمه در شرایط صلح
 پیش نایند طوعاً یا کرهاً قبول خواهند نمود چه در
 جنگ چین تجربه گرفت و نتیجه برده است.

ولی همین نکته سبب خواهد شد که در آینه ژاپون سزای فرد فرد میانجیان را در کنارشان گذارد
بزرگترین سابقه که دولت ژاپون بخرج داند همانا قبول نه نمودن وسائط دول است درباره صلح رسا
باید دولتین متنازعین در تصفیه شرایط صلح بلاواسطه با یکدیگر بحث نموده فیصل نمایند. چه اگر دول فرنگی واسطه تصفیه شرایط صلح بودند مصیبت را دخل داده خواه مجزاه حقوق ژاپونرا باپال می نمودند و با اتحاد دول ژاپون ناچار بود که چشم از حقوق خود در آنچه جمهور دول بگویند بپوشد - اینک که تصفیه شرایط صلح بین دولتین متخاصمین حدود مانده ژاپون فوائد عمده حاصل خواهد نمود. و هرگاه در شرایط شرایطیم روس باید اختیاری خواهد بود نه اضطراری - هر صورت کوتاه کردن دست دول از تصفیه شرایط صلح دولت ژاپونرا خیلی مفید شده و این قائده را ژاپون از تجربه میانجیگری اروپائیان در صلح با چین حاصل نمود هنوز شرایط صلح از طرف ژاپون رسا پیش نشده ولی مشهور است که چند شرطش ازین قرار خواهد بود

اعلانات اندرون روس اندک اندک صورت مهربانی را باید - از کجاست نمود که بدون انقلابی عظیم و تبدیل و تغییر بزرگ این ناملات رفع گردد. اگر چه ملت روس خیلی مانع صلح اند ولی همینکه صلح شد و خسارات ملکی و مالی و روحی خود را کاملاً احساس نموده و مسلم داشتند - همه این خرابیها را ناشی از خیانت رجال دربار و عیوب سلطنت شخصی دانسته قایت جهد را در مشروطیت سلطنت خواهند نمود. و منتهای قوت را در تبدیل جزئی و کلی قوانین ملک و ملت بخرج خواهند داد - هیچ چیز این خیالاتیکه در دماغ ملت جای گرفته بیرون نمیتواند کرد - و هرگز این گفته نخواهد جز به تبدیل سلطنت مستبد به مشروطه - و اگر باز سخت گیری شود خوف آن است که قایت تبدیل سلطنت بجمهور شود

اعظم مسائلیکه جالب نظر سیاسیون شرق و غرب است همانا مناقشه فرانس و آلمان در (مراکو) است که میتوان گفت عاقبت منجر بچنگه عظیم خونخواره در اروپا خواهد گردید - استغفای ستر (دلکاسی) وزیر خارجه فرانس که نگاه دارنده املیت بانک ملی و دواخواه صلح کل بود مبنی بر همین نکته است - ملک فرانسه تا بحد حمل تجارت آلمانرا در (مراکو) نیآورده از جامه صبر و شکیبایی بیرون شده میگویند - با باید درین راه سرباطت یا کلاه عزت بسرنهاد - اگر چه تا بحدون طرفین ساکت و رسا خبر جنگ ظاهر نشده - ولی تاگرافاتیکه در ماده نیه و ندارک فرانس بعد از استغفای مسیو (دلکاسی) رسیده دال است بر اینکه فرانسویانرا احوال دگرگون و بدفع حرکات آلمان در (مراکو) مصمم گردیده اند - در صورتیکه وزیر جنگ فرانس امر باحضار جمیع سرداران جنگی و با تمام قوت خود در سرحد داده باشد نمیتوان گفت جز متنبه ساختن آلمان قسده دیگری دارد از طرف دیگر طلب داشتن دولت انگلیس جمیع تجهیزات جنگی خود را بجز برای چین دال است بر اینکه دولت مشارالها میخواهد در این موقع اهم قوای بحری خود را در اروپا جمع نماید - در بدو مناقشه مراکو نوشته بودیم که رقتن امپراطور آلمان به (تأخیر) و ملاقات ایشان

ولی همین نکته سبب خواهد شد که در آینه ژاپون سزای فرد فرد میانجیان را در کنارشان گذارد
بزرگترین سابقه که دولت ژاپون بخرج داند همانا قبول نه نمودن وسائط دول است درباره صلح رسا
باید دولتین متنازعین در تصفیه شرایط صلح بلاواسطه با یکدیگر بحث نموده فیصل نمایند. چه اگر دول فرنگی واسطه تصفیه شرایط صلح بودند مصیبت را دخل داده خواه مجزاه حقوق ژاپونرا باپال می نمودند و با اتحاد دول ژاپون ناچار بود که چشم از حقوق خود در آنچه جمهور دول بگویند بپوشد - اینک که تصفیه شرایط صلح بین دولتین متخاصمین حدود مانده ژاپون فوائد عمده حاصل خواهد نمود. و هرگاه در شرایط شرایطیم روس باید اختیاری خواهد بود نه اضطراری - هر صورت کوتاه کردن دست دول از تصفیه شرایط صلح دولت ژاپونرا خیلی مفید شده و این قائده را ژاپون از تجربه میانجیگری اروپائیان در صلح با چین حاصل نمود هنوز شرایط صلح از طرف ژاپون رسا پیش نشده ولی مشهور است که چند شرطش ازین قرار خواهد بود

- (۱) کوریا بدور تصرف و دست اندازی احدی و هیچگونه شرایط ملک ژاپون تسلیم شود
- (۲) تا رودخانه (آمور) از یکطرف و تا (هارین) از طرف دیگر در منچوریا شامل و راجع بچین باشد
- (۳) جہازات جنگی روس که در دریای اقصای شرق باقی و یا در بنادر بی طرف صریان از سلاح شده نیامد بژاپون واگذار نمود
- (۴) ولادی و سنک بندر آزاد تجارتی قرار گیرد
- (۵) راه آهن چین که دولت روس ساخته تجارتی انتظامش در دست میثقی که از طرف جمیع دول مقرر باشد قرار گیرد
- (۶) بندر (آرتھر) و (دالی) حق ژاپون تسلیم شود در ماده خساره جنگ یکی از دو امر منظور تواند شد - یا روس مقبل شود مبلغ خطیری را - (درین صورت ژاپون حاصل نخواهد کرد آنچه را منظور دارد - یعنی چون روس را چندان طاقت نمانده لابد دول میان افتاده ژاپون خود نیز ترحم کرده تاوان جنگ را کم خواهد نمود) - و یا آنکه جمیع دول حق دولت چین امضا خواهند نمود که ژاپون منچوریا را در قبضه خود نگاهداری تا وقتی که خساره جنگ را وصول نموده سپس تسلیم چین نماید - البته ژاپون درین صورت قائده

پاساطان (مراکو) در حکم آن است که دعای توبه ای آن بجانب فرانسه گزیده شده باشد. اندک اندک همان آثار نمودار می شود.

بالجمله. میتوان گفت که تا درجه دولت روس بمقصود خود نائل آمده - و بید نیست که شراره جنگ اقصای شرق دامن اروپائیان را نیز فرا گیرد. و قطعه اروپا که از کثرت آلات و ادوات حراره قناله حکم یکدانه نارنجکرا پیدا کرده يك دفعه ترکیده از هم متلاشی گردد. و بزرگترین ضایعات و تلفات نفوس بی نوع انسان در عالم جلوه نماید.

در شماره های گذشته نوشته بودیم که مناقشه آلمان از اثر اتحاد فرانس با انگلیس و بردن از روس و ندادن قرضه اخبار را بدولت مشارالیه است. دولت آلمان که از کثرت جمعیت و جوش ترقی و هجوم قوت در پوست خود نمی گنجد و هماره تقه (بهارك) که داعی بر نحو فرانسه است در پیش دارد اگر از خوف حمایت روس از فرانس نبود در ایحدت فرانسه را باین آسودگی نیکگذارد. چون فرانسه حق نعمت روس را نگاه نداشت بنابراینکه - الهای قبل باید دچار شود بید نیست حالا مبتلا گردد.

شك نیست که دولت آلمان اگر با اشاره روس هم در پیش قدمی به (مراکو) اقدام نموده باشد. هیچگونه خوفی از همراهی روس بفرانسه برای او باقی نمانده. چه میدانند دولت روس درین حال نلاکت بر فرضی اینکه بخواند هم همراهی با فرانس نماید کاری از پیش نتواند برد. و حال آنکه قرائن اولیه جنگ تاکنون دال است بر اینکه روس هم قسم ساعی بوده که دول اروپا را نیز شامل بدین جنگ نموده یا آنها را نیز براه دیگر مبتلای یکدیگر نماید هنوز معلوم نیست که اگر میدان جنگ بین فرانس و آلمان آراسته شود در دولتین مشارالیها محدود خواهد بود یا ساز دول نیز دو فرقه شده برسی این طرف و بعضی آن طرف قرار خواهند گرفت. هر گاه جنگ بین فرانس و آلمان محدود ماند ظاهرا شاهد فتح را آلمان در آغوش خواهد کشید. و اگر جنگ عمومی شود باید دید که کدام يك از دول این طرف و کدام آن طرف قرار خواهند گرفت تا از میزان قوای آنان حکم توان نمود.

مسلم است که اتحاد انگلیس با فرانسه چندان

قوی بحال فرانس نخواهد بخشید. چه همراهی انگلیس با زبانی است و اگر احیای مهم تجاوز از زبان کند تا جایی خواهد بود که فتح خود را مشاهده نمایند (دولت انگلیس را هر نیلو پندازند باز با دست و پا بزمین قرار میگیرد) لطف این است که فرانسه در هر میدان اول خود پیشقدمی نموده و میدان داری میکند. و همین که زمین را سخت و مدعی را مستعد یافت سپر انداخته عقب می نشیند. چنانچه در (فشودا) و (مسقط) در مناقشه با انگلیس مشاهده رفت - اینك نیز ابتدا فرانسه در تپه و تدارك اقدام سکرده باید دید که تا آخر میدان خواهد ایستاد و یا همین که آنان نیز به تپه و تدارك برخاست خود بخود عقب خواهد رفته سختی مدعی او را نرم خواهد نمود.

جای ژاپون و جہازات روس

یکی از وقایع نگاران (مویمان) مینویسد که در قنون غراسی ژاپون گوی مسابقت را از جمیع اروپائیان ربود. تمام جہازاتیک از روس در دریای اقصای شرق خرق شده از آب بیرون آورده بهتر از اول بکار می اندازند. چنانچه تا کنون هفت فروند جہازات روس را بهمین تدبیر از آب بیرون کشیده قابل استعمال در جنگ نموده اند و همان جہازات نیز در دست جہازات امیرالبحر (توگو) درین جنگ اخیر موجود بوده است.

ازین رو میتوان گفت که در عرصه دوسال قوای بحری ژاپون سه گونه ترقی خواهد نمود. چه قوای بحری روس را بر قوای دریائی خود بهمین تدبیر افزود موثقت فروند جہاز زره پیش و فولاد کوب بزرگ و کروزاژ و غواص و موشک شکن و موشک نیز چه زیر دول اروپا خریدند و چه در ترسخانه (توگو) زیر تعمیر است. پس بطریق وثوق میتوان گفت که بعد ازین لقب (شنگ) دریا که از خصائص انگلیس بود بالاستحقاق بر ژاپون اختصاص خواهد یافت. و اولی الامی بحر و برش خطاب خواهند کرد.

از روی اطمینان میتوان گفت که دولت آلمانی و مملکت وسیع چین از دست برد طابعین اروپا نجات یافت. و جنگ هفت لشکر دول با چین و آهمه مستعمراتیک با آنها زحمت در سواحل شرقی الشرق حاصل کردند. هبا و هدر شد. ازین بعد هیچ دولت اروپائی خیال خام

درباره هضم چین نخواهد نمود. و تصور بیرون در مقام
 با اروپاییان نخواهد کرد. چه اروپاییان بر جمع اروپاییان نمودند
 که نرم کردن بجه با آنان ساعد خویش را آنچه داشتن است
 ترجیح از ویست منسکرگرت
 اخبار (ویست منسکرگرت) می نویسد که یکی از صرافان
 (لندن) هرگاه در مقصود خود کامیاب شود اراده دارد
 اقدام بکار مالی نماید که سر تا پا فائده اش باید بایران
 خواهد بود

منجمله اراده دارد که در اراضی بین دریای خزر
 و طهران بتدایر عملی زراعت را زیاد کند. و آب غالی
 با لوله آهن بخانه های طهران برسد و برای آبادی
 طهران این امر خیلی مفید است. و درین باره بنویسد
 سفارت انگلیس بخاره در پیش است. چون این امر
 فصل شود یک کبانی که سرمایه آن از مبلغ یک میلیون و
 هشتصد و پنجاه هزار الی دو میلیون ایرا باشد تشکیل خواهد
 یافت در این عمل هیچ گونه اشکالی در قنون مهندسی و
 انجینیری در پیش نیست. علاوه بر این نیز بعضی مراتب
 دیگر که خیلی مفید و مایه ترقی ممالک محروسه دولت
 شیر و خورشید است مد نظر میباشد. از تلگرافیک دو
 روز قبل اشاعت یافته دو قونسلخانه جدید عنقریب
 از انگلیس در ایران ساخته خواهد شد و تعمیر یک
 طریق تازه که تا کنون کسی دست باو نزده ندارد شده
 است چون در ایران راه نیست البته خیلی مفید است

حبل للمین

چندان لازم به بیان نیست که تا کنون در جمیع
 معاهداتیک با خارجه نموده و امتیازاتیک با آنها داده ایم
 مبنیون شده. بلکه هر یک برای محو ممان و دولتی که هنوز
 قمع و ضرر خود را تلفت ندهد کافی میباشد. مسلم
 است سمعاتی که از امتیاز دادن بخارجه تا کنون یافته ایم
 عا بهش آورده و تا جائیکه میتوانیم باید نصیحت جهان
 قیمت شاهزاده حاجی فرهاد میرزای مرحوم را فراموش
 نکنیم که فرمود و نوشته (امتیاز جاروب کشی خانه را به
 بیگانه در ریت خود را در آوردن است) و هرگاه
 عبور باشیم و ضرورتی فوق العاده احساس شده باشد
 که ملت مقتدر بر انجامش نباشد خوب است با دول
 کوچک دور دست معامله نمایم. دول همسایه بزرگ
 هر دیناری که در راه ما صرف کنند صد دینار فائده

میتوانند ببرد. ای گش جهان اکتفا میکردند با نام
 قوت خود بصورتا میکوشند. اگر از سمعاتی که از امتیازات
 سابقه بر ما وارد آمده متنبه ندهد این خوب است از حال
 دیگران که اروپاییان بسم امتیاز جنگال خود را بملک
 شان بند حکرده و اندک اندک مضمحل و نابود شان
 کرده اند متنبه شویم و اگر از هر طرف لامعنا گردیم
 اقلاً شرایط امتیاز را نوعی مقرر داریم که علاوه بر
 سر تا سوار نباشند و در هر حال صورت اصلی معاهده
 بزبان فارسی باشد چه اروپاییان خیلی ماهرند در اینکه بزبان
 خود القاطنی در ورقة امتیازات بکنجاند و گاهی درج
 نمایند که ذو معنیین یا فوصانی باشد تا در مقامات لارمه
 از او فائده حاصل خواهند نمود. این نکت را سکو
 باید دانست و تجربه حاصل شده که اروپاییان هر یک
 طرف مقابل را ضعیف و بی صد یافتند بای بندی
 بصول معاهدات و شروط امتیازنامه نیز دارند. نظائر
 آن در ایرانم بسیار واقع شده و در راه شوسه
 دشت و طهران و نزن حضرت عبدالعظیم هم دیده
 مشاهده میشود

طرا از کیفیت این مراتب ابدأ آگاهی نیست. لذا
 نمیتوانیم در صحت و سقم این خبر و جگونگی آن بحث
 نمایم و امید واثق داریم که در ایام صداوت شاهزاده
 آزاده عین الهوله امتیازی که بیرون از صرفه ملت و
 دولت باشد بخارجه داده نشود ولی ما راست که در
 هر مسئله بدان چه خیر ملت و دولت است اشاره نمایم.
 بحدائقه درین عهد ترقی سخنان خیر حواهان و کات
 بی خردانه از خود را می بخشد

(در گفتن نویست که در نکفتن نیست)

مکتوب از بوشهر

رئیس گمرکات بنادر منق است وارد بوشهر شده.
 بعضی ترتیبات و قوانین است که از طرف دولت
 رسیده و اجرای آن به عهده رئیس گمرکات است.
 بعضی از آن اصول راجع بامر تجارت و بعضی بصوم
 ملت و برخی مخصوص اجزاء گمرک میباشد. از اظهار
 تجار معلوم میشود آنچه راجع بآنهاست خیلی صعب
 و دشوار میباشد. لذا تجار هر ایض متعدده تلگرافی
 بدربار دولت نموده تا حال نتیجه حاصل نشده. قریب
 یکماه است حمل و نقل مال النجاره از راه دریا
 موقوف و منتهد شده اند که زیور بار این تکالیف شاقه

انصار الممالک است - معزی الیه شخص سبب النفس است
باینواسطه بعضی اشعار در صدد شرارت برآمدند
و چون خود را بستۀ بشاهزاده تصور مینمودند
خواستند اسباب بی انتظامی فراهم آورند لیکن بشکی
ایشان حقیقت نداشت و نتوانستند الحاقه این دو ماده
محرّم و مفرّک هم سه ساله چند قمره نزاع بین اهل
عجم ما واقع میشد امسال بدون فتنه و فساد گذشت

کلاتر سابق که جمیع اهل بوشهر از او شاک بودند
چند روز قبل در منزل جناب آقا سید حسن بهائی
هم الهدی متحصن شده و همان روز بهائیها را تحریک
نموده جماعتی از جهال و اشعار با چوب و چاقو
و شش لول ریختند در محله همبها که نزاع و فساد
برپا کنند کلاتر حالیه با جبهی سر باز بمجرد اطلاع و
آگاهی از مقدمه حاضر شده طرفین را از همدیگر جدا
نمود قریب یکصد و پنجاه گلوله خالی شد تا سر بازها
رسیدند ولی احدی زخمدار نشد فقط یک کتف سر باز
جراحت برداشت آنهم از چوب

در شماره ۲۶ روزنامه مقدس مورخه ۲۷ محرم
در صفحه پنجم شرحی در خصوص سید مرتضی نام
از اهل بادکوبه و دویسرش جبرائیل و اسرافیل درج
شده بود -

سید موصوف با دو پسرش شاه ذی الحجه وارد
بوشهر شد بقولسواگری روس شکایت نمود که چهار
صد ایرا حلا هوا داشته سابقین غارت کرده همه را
برده اند - قونسول روس هم بحکومت اطلاع داده
مطالبه وجه مزبوره را نمود اتصالاً عتب کرده وسخت
مطالبه کرد آخر الامر از قونسواگری بحکومت محلیه
اطلاع دادند که این سید نیمه روسیه نیست وقونسول
جنرال بموجب جواب تلگرافی که از روسیه باوریده
از رعایای دولت روس او را عیباند و ترک مطالبه ایرا
های مذکوره نمود - سید مزبور تا حال در بوشهر
است و دو پسرش همراه اوست ولی ظاهراً طبعی نجیب
و بی صدا و با وقار حرکت مینماید

مکتوب از ولاد قفقاز

مدیر روشن ضمیر روزنامه مقدسرا زهدت افزاست

زوند - روز بروز بر استقامت زای تجار میافزاید -
همه روزه عصرها مجلس مشورت به ترتیب در منزل
یکی از تجار است - (علت عدم رضایت تجار در اجرای
قوانین جدیده تعدیات چند ساله اجزاء کمرک نسبت
بآنها است - علاوه ملت و عموم سکنة بوشهر با تجار
خارجیه حمل و نقل را موقوف نموده اند تا چه شود

کیسیون تجارتن انگلیس که ایران وارد شده بود
چند روز قبل وارد بوشهر شده رئیس کیسیون روز
چشم از راه شیف با استیم لنج وارد و برابر دارالحکومه
بسیاده شد - از طرف حکومت مراسم احتیاطات معمول
و از آنجا روانه قونسولخانه انگلیس گردیدند - اجزاء
کیسیون بعضی را که بنده ملاقات سکردم اشخاص
بیع و هوشیار اند

جناب میرزا رضا خان سرتیب مهندس همراه رئیس
نایباً مراجعت ببوشهر نمود مشارالیه زیاده از زحمت
راه و مشقت سفر شکایت داشت حق هم دارد چرا
که طهران با آن آب و هوا و فراهم بودن اسباب راحت
و آسودگی هیچ نسبتی با اینگونه مسافرتها ندارد

جناب دریا بیگی حکمران بنادر که بسرکتی بنادر
رفته بودند فردا وارد خواهند شد - جناب اعتلاء الدوله
کارگذار هرستان که بجا بهار رفته در کشتی برسپایس و
فردا وارد بوشهر خواهند شد

جهاز مظفری که به بنادر رفته بود از آنجا
بجابهار رفته جناب اعتلاء الدوله سوار شده و بمسقط
تشریف برده حین ورود بمسقط علم شیر و خورشید
که علامت دولت علیه ایران است امام مسقط بالا کرده
و پرده سبز هم که از طرف فرستاده بودند جهاز
مظفری بالای چوب علم کشیده بیست و یک تیر توپ
شلیک نموده از خشکی هم جواب دادند و جناب
اعتلاء الدوله از سید فیصل امام مسقط دیدن نموده و
امام مسقط هم وزیر خود را بیاز دید بجهاز فرستاده
چهار روز در مسقط توقف نموده مراجعت بجابهار
نموده و متظر جهاز پرسپایس شد و جهاز مظفری
روز هفتم ربيع الاول وارد بوشهر گردید

نیابت حکومت بوشهر با شاهزاده عبدالعلی میرزا

چون خبر وحشت آورده شد و رئیس للمة والدين حجة الاسلام والمسلمين المرحوم للبرور آقا شيخ محمد حسن مامقانی حضرت الله تعالی مع النبي المختار والائمة الاطهار (ولاد قفقاز) رسید عموم مسلمانان ایرانی وقتقازی طند بر مرده دچار مصیبت و ماتم گردیده - فوراً در سه محل مجالس قائمه خوانی و عزاء برپا شد - در هر سه مجلس سه شبانه روز رسم قائمه خوانی و خیرات و اطعام فقرا کاملاً بعمل آمد. حتی برادران سنت و جماعت ما نیز اتفاق نموده شریک مجلس قائمه خوانی بودند حقیقت حدوث این حادثه خیل مؤثر و قاطبه مسلمین را گریان و حیران نمود بعد از سه شبانه روز جناب حاجی ملا اسماعیل آخوند سلمه الله تعالی مجالس را ختم و برجیدند - اتفاق مسلمانان در تقدردانی از علمای اعلام جالب نظر اجاب گردیده که در خارجه نشسته باز هم قدر علمای خود شان را تا این پایه می دانند افسوس که در داخله بعضی از عالم صورتان مایه رسوائی دین و ملت می شوند - چیزیکه قابل عرض است معروض باید داشت بدینکه انشاء الله متنبه شویم چه بزرگان فرموده اند

(در گفتن اربست که در نگفتن نیست)

از قرار تقریر چند نفر آقایان که خودشان همین مکتوب را مهر فرموده و محل وثوق اند همیشه خبر رحلت حجت الاسلام فاضل مامقانی به تبریز رسید در جمیع محله و مسجدها مجالس قائمه خوانی منمند و جمیع مجالس را جناب حاجی میرزا حسن آقای مجتهد سلمه الله و جناب حاجی کریم آقای امام جمعه تشریف برده و برجیدند ملت ارمنه نیز از طرف خودشان در مسجد محمد خان تعزیه برپا و مجلس عزاء و قائمه آغاز نهادند و کشیش بزرگ ارمنه از طرف ملت خود صاحب عزاء بود و مسلمانان آمدوشد نموده رسم قائمه خوانی بعمل می آوردند بعد جناب حاجی میرزا حسن آقای مجتهد آدم فرستاده فرمودند فرد من آمده مجلس را ختم خواهم نمود - جناب حاجی میرزا کریم آقای امام جمعه از ماجرا خبردار شده بیکه جناب حاجی میرزا حسن آقا چنین پیغام فرستاده فوراً آدم نزد کشیش فرستاده که فردا من خود آمده قبل از آنیکه حاجی میرزا حسن آقا بیاید مجلس را ختم خواهم نمود

این فقره را جناب مستنار وزارت خارجه مطلع شده چون بضیعت آقایان مسبوق بود بیکه دوسر هر مسئله نوکرهای متعدد مسلح می شوند لابد در این فقره نیز از حرکت آقایان هنگامه غریب واقع شود و علاوه بر این واقعه مسلمانان و ارمنه یادگوبه باعث نیز رنجش طرفین شده اگر چنین امری اتفاق افتد البته منجر بجنک و معرکه عظیم خواهد گردید - بتوسط یکی از کسخدایان محله به ارمنه اخبار داد که شبانه مجلس خود را ختم و موقوف نمایند - فردا جناب آقای امام جمعه با شوکت و جلال عازم مجلس قائمه شده وقتیکه به در مسجد رسید دیدند از تعزیه و قائمه خوانی اثری نیست - جناب آقا از ماجرا سؤال نموده سخت پرسش کرد که مجلس را کی ختم نمود حقیقت امر را جناب آقا سلمه الله عرض و معلوم شد بیکه از برحمت قدم میمنت لزومشان مجلس خود بخود ختم شد

جناب آقا در آن نزدیکی با همان شوکت و جلال به خانه یکی از احباب نزول اجلال فرمودند - مردم تبریز چون از ماجرا خبردار شده و آقایانی که خیال تعزیه داری از طرف خودشان داشته حتی تاجر باشی ارمنه آنهم خیال قائمه خوانی جداگانه داشت از حرکت آقایان اطلاع یافته موقوف نمود - کاش گوش ما کر بود و این قسم سخنان را از حرکت رؤسای روحانی خود نمی شنیدیم - امام جمعه این قسم - بناء میبرم از امام دوشنبه - خواستم از احوال برخی آقایان شرح دهم ملاحظه چند ختم کلام نموده و اکتفا باین اشیاء میبایم

(من از بیگانگان هرگز ننالم)
(که بر من هر چه کرد آن آشنا کرد)

(گر قاش شود عیوب پنهانی ما)

(ای وای بخت و بریشانی ما)

(ما قره بدینداری و شاه از اسلام)

(گبران متفر از مسلمانان ما)

خداوند غیرت اسلام و اتفاق با مسلمانان عنایت فرماید که پیشتر از این ما من خارجه نشویم و السلام علی من اتبع الهدی عم خوار اسلام

اقل الخلاق والحاج محمد صافی تبریزی

حکم اعلان

(نجار محترم کلکتہ)

چون در این ایام از ایران و سایر بلاد از بعض تجار محترم درباره کسر وزن جانی عموله کلمکت کایت میرسد - و شاید نجار محترم که جانی از کلکتہ طاب مفرمانند از قوانین بیع و شرای آن که بین خریدار فروشنده جاری است و بائع و مشتری الاجبار بای بند بدان شرایط اند مطلع نمیشاند - لذا ما نجار ایرانی مقیم کلکتہ که مشغول خرید و حمل جانی هر نقطه میباشیم بر خود لازم شمردیم که قوانین مروجہ کلکتہ را منباب خرید و فروش جانی محض از دہاد بصیرت و اطلاع نجار محترم مشروحاً بکاریم - وی مدعا

(۱) معامله جانی در کلکتہ کایتاً به هراج است

(۲) صندوقهای جانی ہما در باغچه‌های جانی بعمل می‌آید محکم بست و بند شده وارد کلکتہ میشود

(۳) وزن خالص جانی در باغچه معین شده در بچک ثبت و آن بچک نزد وکیل صاحب مال در کلکتہ

موجود است - بموجب قانون صاحب مال وزن آن را مطابق بچک ذمہ دار است

(۴) خریدار پس از اتباع جانی از هراج مختار است و وزنیک صاحب مال معین کرده قبول نماید یا اینکه

صنادیق را در کلکتہ خالص نموده وزن خالص را محسوب دارد - اگر شق تری اختیار شود و بخواهد صنادیق را خالص نماید لازم میشود بشرائط ذیل عمل شود

(الف) روز پنجم بعد از هراج و قبل از تصرف نمودن مال خریدار باید بروکل صاحب مال اطلاع

دهد که صندوقهای جانی او وزن خواهد شد - پس از آن وکیل فروشنده و خریدار در جائیکہ صندوقهای

جانی موجود است حاضر شده از يك نمونه جائیکہ راجع بیک باغچه (که باصصلاح هراج ایجا (لات) میگویند)

در سی صندوق یا کثر از آن سه صندوق و اگر زیاده تر از سی صندوق است فی ده صندوق يك صندوق از

میان صنادیق انتخاب نموده (انتخاب صنادیق برای وزن نصف با خریدار - و نصف با فروشنده است و اگر

در عدد طاق واقع شود انتخاب آن يك صندوق فرد نیز با فروشنده میباشد) پس از آن صنادیق را کشوده

وزن جانی خالص آن را بر عدد صنادیق تقسیم نموده اگر با وزن که صاحب مال معین کرده مطابق آمد طرفین

مازم اند که قبول وزن را بنمایند - و اگر باختلاف نیم رطل از وزن متعینہ صاحب مال کم یا زیاد باشد هیچ

یک را بدیگری دعوی نخواهد بود - و اگر اختلاف بیش از نیم رطل است يك رطل محسوب خواهد شد -

بهمین ترتیب اختلاف وزنها معین نموده - اگر کثر است صاحب مال میدهد و اگر زیادتر است از خریدار

میگیرد - خرج توزین يك صندوق سه آنه و بر عهده خریدار است و طایکہ در کلکتہ باین وصول وزن شد

اگر ادعا کسروزی از آن برسد بهیچ وجه مقبول نخواهد افتاد

(ب) اگر خریدار به شق اول عمل نموده بضات صاحب مال وزن باغچه را قبول کرد و صنادیق را

مطابق قوانین مذکورہ وزن نموده مال را تحویل گرفت و حمل کرد و سپس معلوم شد صنادیق محکسر

و اختلاف با وزن متعینہ باغچه داشته است مقدار کسر وزن مع ادعای خود را خریدار باید قبل از مدت شش

ماه از روز خرید در مجلس تجارت جانی (۴) در کلکتہ برای رفع و رجوع این گونه امور معین است) پیش نماید -

اگر يك روز از شش ماه گذشته باشد ادا ادعای مسرور نخواهد بود - دعوی نامہ که در مجلس تجارت جانی

کلکتہ پیش شود باید مطابق ذیل دو او التزام شود

(۱) جانی مسرور بموجب شرایط مسرورہ در کلکتہ (که اگر سی صندوق یا کثر باشد سه صندوق و

اگر بیشتر است از سه صندوق يك صندوق) وزن نموده شود

(۲) صندوقهای آن (لات) قبل از بیرون بردن از گمرک خاتہ بنادر دو حضور مدبر گمرک با سنگ و

ترازوی گمرک وزن شده باشد

(۳) صنادیق مذکورہ دست نخورده باشد

شماره (۲۶) ۸ ربيع الثاني (۱۳۲۳) - سال هجری ۱۲ جون (۱۹۰۵) صفحه ۱۲

(۴) ورقة استشهاد نامه كسر وزن بايد بهر گمرک خانه و امضای مدير گمرک باشد

(۵) علام و نمره انگلیسی که روی تخته منادیق است باید برای تهیه و فهم مجلس تجارت چای کلکته ذکر شود (این مطلب خیلی مهم و قابل توجه است چه اگر آن علام و نمره ذکر نشود معلوم نخواهد شد که آن منادیق از کدام باغچه و صاحبش کیست)

(۶) تصدیق نایبند انگلیس بر اینکه با امضای مدير گمرک رسیده بر ورقة استشهاد نامه لازم است

واضح باد در صورتی که استشهاد نامه مبنی بر تمام این شرایط در دست باشد همینکه مبلغ اداء بر يك (لات) چای کتر زیانزده رویه بموجب خرید کلکته باشد قابل استماع قرار نداده اند - علاوه بر اندازه کسر در ورقة استشهاد نامه معین شود قانوناً صدی يك بملاحظه ریخت و پاش و نمونه در آوردن مجلس تجارت از جمله وزن آن (لات) موضوع نموده پس از آن ادعا اگر مبلغ زیانزده رویه با بیشتر باشد قابل رسیدگی میداند تجار ایرانی خریدار چای کلکته نسبت به اقوام دیگر کم اند - و چون طامه تجار از هر قوم و ملت که در کلکته حاضر و در این کار مشغول اند مانع اند که بموجب قوانین مذکوره عمل نمایند تجار ایران نیز مجبوراً بای بند بدان قوانین مذکوره بالتبع هستند - لذا از تجار محترم طرف رجوع خواهشمندیم شرایط مذکوره را بدقت ملاحظه نموده تا هرگاه در آتیه شکوه و شکایتی از کسر وزن داشته باشند بموجب قوانین مذکوره عمل نموده و ورقة لازمه بر ثبوت دعوی با شرایط معروضه مرتب داشته تا از روی همان دست آویز بنوائیم یا فروشنده مال بطریق قانون حق تجار محترم را دریافت و ضریکه بر آنها وارد شده وصول بنائیم

معنی نماند که اسکنز صندوقهای چای چنانچه تجربه رسیده و محقق است از وزن خالصی که باقی میدهد زیادتر است اگر بنا باشد طلی که در اینجا خرید میشود وزن شود کلی ضرر بر خریدار وارد خواهد آمد - مع هذا هر يك از اربابان رجوع بنخواهند قبل از حمل وزن شود صریحاً باید این خواهش را بنمایند تا معمول داریم - خرج این حمل برعهده خریدار خواهد بود - فقط این زحمت فوق العاده را ما متحمل خواهیم شد - چون متواتر شکایت از هر جا در این باب رسیده و این امر باعث رنجش تجار محترم گردیده است راه علاج آن که بشرائط معروضه فوق عمل نمودن است عرض نمودیم

واضح تر مینگاریم هر کس هر ادعای دارد - و بموجب اصول مذکوره ثبوت ادعای خود را میتواند بنهد ما کمال سعی و کوشش را در احقاق حق او خواهیم نمود و اگر غیر از این اصول باشد مجلس تجارت چای کلکته ابداً گوش بسخن احدی نخواهد داد

مخصوصاً از تجار محترم بمبئی خواهش داریم - چای که به بمبئی طلب مینمایند تصنیف وزن آنرا در خود بمبئی نموده اگر کسری دارد (سرنیفت - سرواير) حاکمومت بدست آورده فرستند تا احقاق حق بعود و اگر پس از حمل آن به ایران یا جای دیگر شکایتی برسد مجلس تجارت چای کلکته نخواهد پذیرفت -

۲۰ ربيع الاول سنة ۱۳۲۳ هجری

حبل المتین

تا جاییکه ما اطلاع داریم و تحقیق نموده ایم قوانین مجلس تجارت کلکته در باره کسری وزن همان است که درین ورقة اعلان نوشته شده و باج و معتری بدون استثناء مجبور بیای بندی این قوانین - لذا لازم است آن تجار محترم ایران برای احقاق حق خودبای بندی این قوانین باشند تا تجار کلکته بتوانند حقوق آنها دریافت دارند

مکتوب یکی از فضلاء جلیل

سر تمدن

(از شماره ۳۵)

اگر وقتی به مدتی برخاستند و کبیایه را تشکیل کردند. چون قوانین مسلمة عدالت جاری نیست چراغ دزدان را ماند که تا روشن گردد خاموش است. و اگر روزی کارخانه برپا نمودند فسانة مستارا شبیه است که تمام نا شده فراموش است. مسکوکات دولتی را که ادارات مختلفه حکومت در رد و قبول او مختارند کاری بجائی میرسد که نقره اش در صد مقال پانزده مقال تا بیست مقال کسر قیمت از نقره غیر مسکوک پیدا میکنند. و پول محش را که میگذارند ده دو یعنی از صد بیست گرانتر من کراخه اش بفروش میرسد. این بجهت نبودن حکم محکم و قانون مسامی است از دولت. ضرابخانه بماور اجاره کاری نقره و مس را سکه میکند و بازار میفرستد. پول ترکیه شر کرکانه و یا خزانه و یا حکومت جزء و اوقات دیگر میگیرند. البته را میگیرند. اگر حکم حکم اردوات بشود که این پول شکسته یا کهنه باشد یعنی یا ضبط آمد یا حکم نسخ دهند و اگر باشد همه کس بردارد کسی را حرمت رد نباشد و قانونی است نه اقامت کرده است دولت ایران در زمان نقره دو نقره مس غیر میباشد همان قدر را در دو بازار ایران نقره را گران تر میروشنند. و در دول دیگر بحکم دولت مجبیه بیح منمالی را باوجود عیاری که در در با ارامه مشال و زیاده نقره تبدیل بنمایند.

در هندوستان بر رویه که دو مشال و نیم است قرب بچهار مشال عره تبدیل میشود. و سر این مطالب همان حکم نبودن حکم دولت است و جاری نبودن قانون معلوم در خصوص مسکوکات یا غیر

پس قارن عدلی سر و راست که در همه امور حکومت و غیر حکومت جاری و مسلم باشد و کسی از وضع و شریف حق نفس صدارت عظمی را حق تخلف از آن نباشد. و این قانون را کتابی باشد موسوم و قواعد و قوانینی معلوم. تا هرگاه امیری یا مأموری قدیمی بحالمت بردرد مات او را آسوده نگذارد. و اگر ملت فریاد نظم برآورد حاکم ظالم در نزد دولت آنها را باعی نشمارد. و سلطنت دست از

گرفتن حق مظلوم از ظالم بردارد. اگر تکلیف شجاع الدوله با رعیت قویان و تکلیفات رعایا با حضرت ایشان منوط بقانون معلومی صحیح بنیان شریعت نرجان بود. نه رعیت فریاد و فغان میآید و نه فلان و فلان کشته میشوند و نه جریده نویسان خارجه بولتیک هذیان نویسی بدستان میافتاد. رعیت که ودایع الهیه هستند دست ظالم طبمان جوان حدا بشناس سپردن که پرواهای فسانیه طود هرچه خواهند بکنند و اره کس هرچه خواهند بگیرند جز حرای ملک و مات و فساد بین سلطان و رعیت و عقوبات دنیا و آخرت تهری ندارد. اگر بنای کارگذاران دولت بر اجراء قوانین عدالت شود تمام نفوس در مشال و همراهی از بدل مال و جان مصایفه نمایند. بلکه علای ملت نهایت اهتمام را در ترویج و تأیید فرمایند. ولی مادام که عنوانی جز ظلم و هوا پرستی ندادند از علما و صلحا توقع تأیید و همراهی نداشته باشند. اتفاق صلحا و علما با امرای دولت وقتی خواهد بود که منای امر را شرع و عدل منافات نداشته باشد. و چون بنا بر اجرای قوانین عدلیه و شرعیه شود علما و مات مقوی و قوم امر سلطنت خواهد بود. و سلطنت بدستگیری مات ترویج شریعت خواهد بود. و در این هنگام حکومت شرعیه یا هر فیه متحداً و متعماً اصلاح و تربیت امت و مات و اردیاد شوکت و ثروت بینا شد و مخالف از او سر و خواص عدلیه و شرعیه ظاهر آ و علماً تقیوا. فرمود

افسوس که در ملک ما چاره گان نفوس اگر بلکه همه به بن پرستی و بیلی و متابعت هراهای مستبدانه خردانه و شهوت طلبی های جاهلانه چندان نادت کرده ایم که از جمله محالات بشمار میآید که در میان بردگان دولت و مات تا دو خر یا سه خر پیدا شوند که بالانفاق از سر عادات فسانیه و شهوات حیوانیه بگذرند. و در تربیت قوانین عدلیه و تسلیم قواعد شرعیه و رعایه داد غیرت و مردانگی دهند. و قدم در میدان تمذیل امور و تربیت ملت نهند (اراقه لایبیر ما قوم حق یفیروا ما بانفسهم) اگر چه به نشان تجربت و بیان تواریخ اخطاب معهود ادهان بلکه مشهور و عیسان است که خدمت بحلق خدا و بذل جهد در امور معاش و معاد کانه ناس اسباب حصول ثروت و عزت و عظمت بلایک

خزیده از حیات خودشان مأیوس بودند - و سلسله
تجار ایران که دولب دریا بکار و اسراهای حلبی شیخ علی
وحلبی سلیم و حلبی مرتضی قلی دارالتجاره و اقامت
داشته و دارند هر قدر بذریعه تلفون سی و جهد
نمودند که نایب قونسول را از منزلش بیرون کشیده نزد
حاکم برای طلب کردن امنیت جان رعایا فرستند جواب
نمیداد. و اگر هم یکدفعه یا دو مرتبه جوابی به تجار
داد - در او هم بوی رستگاری و امیدواری نبود چه
میگفت من از حکمران تکلیف را که چه باید بقود
خواستم - جواب صریح ندادند. و از این هنگامه خود
سخت خائف و بنهام

تجار مستاصل شده صریحه تکرانی بدارالخلافة
باهرة طهران بحضور مبارک بندگان والا شاهزاده صدر
اعظم و بدارالسلطنة تبریز بحضور مبارک بندگان اقدس
شاهنشاهزاده معظم ولیعهد گردون مهد دامت شوکت
الوالا ترتیب داده امضا نمودند - یوم سه شنبه شورش
کرم و بکش بکش بود - جوان مردی لازم که
تاکرافات را بجاخذ برساند. در بادکوبه که به تاکراخانه
رقن امکان نداشت و درین قیامت هر کس بجنف جان
خویش مشغول بود

یکتفر از این تجار که در دولت پرستی و
ملت دوستی و خدمت در راه اطوان و ابنای وطن
الحق والا نصاب فرید و وحید عصر بود از جان
خود و حیات خویش چشم پوشیده صورت تاکرافات
را برداشته و بهر طرف تکرار شده با تلفون از تمام
اداره جهازات تحقیقات بعمل آورده دید جهازی
موسوم (سالیانیند) از راه دور طازم آستارای
روس است - فی النور حوده را بوسیله به جمعیت
بجاهدین که دولب دریا دفاع و ساخلو بودند رسانیده
از رئیس و فرمان ده این جماعت که مسلمان خوش
خو و جوان مردی بود - پس از گفتگو و
دستور العمل دادن و قوت قلب نمودن استعطا کرد
که فلان جهاز از فلان (کورپ) برای آستارای روس در
خدمت است - امر کنید مراد داخل آرجی یا نگاه نشاید
در وسط دریا و یک فرسخ دور از شهر برده نگه
دارند - همین که جهاز آمده از آن خط خواست بگیرد
جهاز را خواهشاً نگه داشته خود را داخل آن انداخته

موجب ترقیات نفسیه و حصول مراتب الطوبه است -
از برای شخص ساعی و آمر باحسان و رافت نسبت
بخلق خدا از قرآن و سایر کتب آسمانیه و اخبار انبیا
و ائمه صلوات الله علیهم و از احوال و اقوال بزرگان
دنیا و دین و بگوامی عقل درست بین معین و معلوم
است - و محتاج بشواهد جزئی و امثله شخصی نیست - و
لیکن هوا پرستی و راحت طلبی و شهوات نفسانیه انسان
بیچاره را دعوت بخلاف این مقصد مینماید - و همچنین
ظلم و ستم موجب ذهاب عزت و ثروت و خرابی دین
و دوات و تقریق امت و پریشانی ملت است - و آقدر
محسوس و معین است که آنهم احتیاجی بامثله و شواهد
ندارد - معذک تسویلات عیطانیه و شهوات نفسانیه ما
ها را بفاد (حب الشیعی یعنی و بسم) نور و کر عمده
باقسام آن دعوت مینماید - و ما بیچارگان هم خواهش
سالانه نفس و طبعرا قبول نموده بانواع حیل و اصناف
نعمی بخریب بلاد و تقریق عباد کوشیده تا خانه و همی
آباد کلیم اگر چه طالی را بنیاد برکنیم - این است که
رعیت ایران در همه ممالک بعبده نوطن جسته و چشم
ز وطن مالوف بسته از خانه و برآه خویش بریده
اند - و در پشت در بیگانگان مأمن گزیده و آرمیده اند
و لیکن از ممالک خارجه احدی در ایران نیست الا
بشرط مسافرت و مهالی

(بگریزند برمان بر آن بوم و بر)

(که نبود در آن مرزبان دادگر)

(ستمگر نه دیوار درویش کند)

(که چون بگری و بشته خویش کند)

ولا تحسبن الله غافلاً عما يعمل الظالمون

عبرت الناظرین

(از شماره ۳۵)

در این چهار پنج شباه روز خون ریزی و شورش
بادکوبه حکسائیکه مظلوم و بی سرپرست بودند رعایای
دولت ابد مدت علیه ایران بود - که بهر طرف روی
می آوردند بناگاه و ملجأ نداشتند و از نایب قونسول
آقامیرزا جوادیگ قرا باغی امداد طلبیده بکار برد از خانه
مانجی شدند بدبختانه در آنجا بزرنگ آسایش ندیدند -
انوسوس که قونسول دولت علیه در طهران بود و اجزایم
از روس جان خود که تا درجه حق هم داشتند بکوشه

رکند تا به طرفی رفته مقصود را به عمل آورم - همان آن لشکر حاضر نموده با پنج نفر شاک السلاح بسوی جہاز فرستادند - پس از توقف دو ساعت در روی آب دریا جہاز آمدہ بگذرد بخواہش آمان نکہ دانستہ داخل جہاز رفته رہسپار آستارا شد - روز بعد با زحمت فراوان و رنج بی پایان از سرحد روس گذشت - سرحد و اول خاک آستارای ایران کہ وطن مقدسش بود رسیدہ و جبہہ بر آن خاک پاک سائیدہ با فرانس کرک بگمرکخانہ مبارکہ رفت - و در خدمت مفتش تذکرہ آمدہ تذکرہ نسبت خود را ارائه داد - و شورش مادکوبہ را بیان نمودہ بمرضش رسانیدہ جواب شقید کہ بر حسب قانون تذکرہ امضای کارپرداز مادکوبہ را ندارد - باید یک تومان جریمہ و حق امضا بدہ - در این مورد با کمال توقیر و احترام بمرض حضور مفتش محترم کہ میرزا احمد خان نام و رفیع الوزارہ لقب دارد رسانیدہ کہ در چنین هنگامہ از کجا ممکن میشود کہ تذکرہ ام بہ امضای قونسول برسد - و تلگراف بہ امضای مہوم تجار ایران ہم مادکوبہ را دارم - خواہش دیدن نمود - حامل تلگراف بہ لحاظ آنکہ این گمرکخانہ ویکی از دواژ دولت متبوعہ اوست و این شخص ہم یکی از نوکران صادق تربیت شدہ دولت است تلگراف را نمود - غافل ازینکہ مفتش روزگار ندیدہ کار نیارمودہ اومنی برست تشریف دارد - و بقول ملای روم کہ میفرماید

(ظاہرش چون گورکافر بر حلال)

(واندرون قہر خدا عز و جل)

(از برون طعنہ زند بر با یزید)

(وز دروش شرم میدارد یزید)

بہر حال باستحضار رئیس بلژیکی کرک مرضش شدہ بہ تلگرافخانہ مبارکہ رفته تلگراف را بخابره نمود - این تلگراف را در آستارای روس ہم میتوانست بخابره نماید - مقصودش آنکہ وجہ تلگرافات را باید بدارہ و تلگرافخانہ دولت متبوعہ خود باید - در انہای حرکت از مادکوبہ سہ نفر از راداران سنت کہ رعیت دولت عثمانی بودند و گویا دو نفر از ہمراہانہان را ارمانہ شکستند و صورت تلگرافی بخواہش تمام بہ مشارالہ دادہ بودند اورا ہم در آستارا با سیم ایران از طریق بغداد بخابره نمودہ - کلمہ چهار قران و

بازردہ شامی سی ویک تومان و ہشت قران و بازردہ شامی وجہ تلگرام آنان شد کہ بحضور مبارک بندگان اعلیہ حضرت قوی و وکت سلطانی بخابره شود - و قبض او را شخص تلگرافی کہ آقا میرزا محمد تقی خان و خیرالمالک لقب دارد در کاغذ سادہ نوشتہ فرمودند قبض چایی تمام شدہ باید از طهران برسد - حلالا میکند کہ تلگراف اسلامبول زود بخابره شدہ بمقصود رسیدہ باشد دوروز پس از توقف در آستارا خواست برای سرکشی بہ امور شخصی مسافرت بہ اتزلی و رشت نماید لازم بودہ کہ از سرکار شیرین کار مفتش موصوف اذن مرضی و عبور گرفتہ تا آنکہ از آستارا فرانس و مستخدمین ادارہ گمرکی آزاد و مرضی نمایند - در فقرہ قبض گرفتن آقای رفیع الوزارہ حکوشتش کرد بقصد ہشت ساعت در حیاط کرک بر با ایستادہ سرگردان شدہ طاقت بہ ضمانت شخص ناخبر باقی آقای شکور اف کہ مردی با وجود و کار آمد در نقطہ آستارا برای مسلمانان است قبض عبور گرفتہ با جہازی لازم اتزلی شدم - معلوم شد بتنصیر آنکہ چرا تلگراف از طرف تجار ایرانی در خصوص شورش ارمانہ مادکوبہ را بخاک ایران آوردہ بخابره نمودہ است - و دو نفر ارمنی بچہ خیلی شکیل کہ ہم دو برادرند و در گمرکخانہ آستارا نویسنده جوازند بخواطر جون و بدست آوردن قلب یکی از آن دو نفر با حامل تلگراف خود را طرف و مسافر ضرب را در اول پہ و خاک و مان دماغش را سوزانید - و با این حرکت خفت آمیز عاقبت نشدہ سیاران خود در اتزلی خبر داد کہ فلان با فلان جہاز آمدہ از وجودش برہبان من ضروری باید تفتہ اگر فرست دست دہد آزارش نماید - تا حقوق دوستی پایدار ماند در ورودش بہ اتزلی چیزی ہمراہ نداشتہ معلول شدہ اذیتی رد - مگر هنگام مراجعت در جہاز و حال آنکہ غیر از آنہم یکسہ خریدگر مسافر بود از هیچ کدام سوال و جوابی نشدہ در حضور جہی از شترمین سرایا تختش نمودہ نجس و تفحص کردہ چیزی نیافتہ و رفتند - بعضی ہا در این بی اعتدالی سخت اعتراض نمودہ رئیس شکایت نمودند - مشارالہ منانت کردہ بخلاف حرکت آنان گفتگونی نکردہ - وقت حرکت جواز نویس عبرازی آمدہ گفت فلان بدون عداوت و

عرض می‌کوم و پرونی هم ندارم - اشاره از
مفتش آستارا برای مسئله تلکرافات بوده و پس
وگرنه چیزی که با خود ندانم که بمقام تقشیر برانیم -
جواب داد که خیلی شاد و شاکرم که اجزای ادارات
دولت منبوعه من برای استحکام کار و دوام قانون
بمسافرین اینگونه حرکت و رفتار می‌نمایند ولی از آن دل
تنگی دارم که چرا باید عمومی نباشد و آنها بدخواه -
اگر در این خصوص بمنسب وزارت پناهی یا

رئیس کمراکات در بحر خزر یاد داشت و مرض حال شود
جواب خواهند گفت که عراض باید بخط فرنگی و به الفاظ
فرانسوی باشد تا پیشرفت حاصل نماید و مقرر نم گردد -
من در ایران نیامدم نام عمر و هم خود را برای خدمت
دولت و ملت شما مصروف دارم لا اقل بتوسعه
لسان قوم خودم خدمتی کنم و در آینده بکنفر که
دارای خط و لسان فرنگی نباشد در کراک قبولش
نخواهم نمود ارامنه زبان فرانسه دان در ایران بسیار است
دیگر چه جرات کند

بالجمله - دل شکسته وارد شهر بادکوبه شد - اگر چه
تمکیزی از وطن برای طان - و غاٹ و ارضان نیاورده -
ولی نهایت متأسف است که چرا بجای سواد و خط
فارسی خط و علم و تلفظ در لسان فرانسوی را
بیاموخته و بجای همایه کلاه فرنگی بکار نبرده که
امروز در دست بعضی از ناجوانمردان دون همت که
جز لفظ هیچ فهمند حواری و زبون گردد

واقعاً در مملکت ایران لسان فرانسه جذب قلوب
خوبی از هموم نموده اشهار و رونقی بسزا یافته است -
چندی نگذرد تمام دهاتیان لفظاً مسیو و مادام و
مادمودل شوند - و چنانکه امروز نمبر دولتی ما هرگاه
بالای تاج شیر و خورشید خط فرانسوی بدانشه باشد
بستخانه نمیکرد و مکاتب نیز رد بدل نخواهد
شد - البته با خط و لفظ فرانسه باید ترقی کرد و
ادارات را منظم نمود - اگر چه حوادث یومیه
دارالخلافة ماهره طهران که زیب اوراتی حرابید روزانه
حسابه داری است با ایرانیان امیدواری میدهد انشاء الله
اگر کارها بر سر راه شد فرج و فرح باروی خواهد
آورد - و دارای مقامات طالبه خواهیم شد - اگر رعایا
همت نمایند و از پول برستی و مفت خواری برهند
امان از این نفاق و دوپیت که خانه های آرزو و آطل
مان را خراب کرده به منتهای درجه ذلت و حواریان

وطن چه عرض و چاره کند -
دیروز فرمای از حکمران این شهر صادر شد
که مسامین از فردا الی سه روز دیگر احتیاط را از
دست نداده هرگاه اغتشاشی پیش آید بهیچ وجه مداخله
نه نمایند که عساکر دولتی حکم شایک را از مصدر
یافته اند - از پس فردا قشونهای ردیف باید جمع
و گرفته شود - و البته بدون اغتشاش و بلوا نخواهد
بود - هرکس نافرمانی و تخلف کرد قوه قاهره دولت
بسرکوبی آن حاضر است تا بوم موعود چه پیش آید -
در شورش ارامنه بادکوبه علاوه از دوپست قمر
ایرانی و شصت هشتاد قمر قفقازی و بادکوبه دو
هزار ونهصد چیزی بالا ارامنه کشته شده در واقعه بعد
چه بد اقبالی روی نماید خداوند دانا و واقف است
ولا غیر - از بادکوبه (خیر خواه بی عرض)

اصلاحات وزارت جنگ

(از شماره ۳۵)

آنکه در مشرق معروف بشجاعت و شهامت
بود مات ایران است - ولی این قوم شجاعت را با نجابت
و معنویت و دایت و کاروان جمع کرده بودند - بدین
سبب همواره فتح و نصرت اعتلاء و شوکت در حول
شان دور میزد - سلاطین شان شاهنشاه حمایتان بودند
و هرگز لشکر و رعیت جز باو امر پادشاه در امری
اقدام نمیکردند - و هیچگاه بنفسه مرتکب امری نمیشدند -
و این معنی سبب شد که مکرر اجانب بر آنها دست
یافتند - چه پادشاه وقت در امور لشکری و کشوری
صاحب وقوف و بصیرت و استقامت و دارای فکر
و قوه تدبیر نبود - تا در اوامر و نواهی ملاحظه
حکمت و صرفه سیاست را بنماید - اهالی نیز از خود
اظهار رایی و عقیدت را در مقابل پادشاه ترک ادب
و خلاف حرمت تصور میکردند تا وقتیکه کار از کار
میگذشت و آب از سر بند میرفت و دشمن مسلط
میشد - باز بجهت آنکه بکنفر رئیس صاحب وقوف

ابر سرزنبه است. و فردوسی که شاهنامه او را با کثر زبانهای متمدنه ترجمه نموده اند. و نظیر این دو نفر در هیچ ملتی دیده و شنیده نشده است. و نیست در بین ایرانیان خواه شهری یا دهانی یا عشایر پیر و طفل کسیکه اشعار او را شنیده و چند بقی از آنرا در حفظ نداشته باشد. و اگر در مجلس خوانده شود کتاب شاهنامه بکتن نیست که از آتش خوش نیاید خواه پادشاه یا گدا حتی علماء روحانی نیز بخواندن او راغب و شایق اند. و این نیست مگر بواسطه وجود هرق شهامت و جلالت در تمامی افراد از صغیر و کبیر

مسئله دیگر آنکه دول و مال روی سطح زمین هرکدام دارای امتیازی مخصوص و شای خاص هستند. نظیر طادات و اخلاق. چنانکه بعضی عادتاً تجارت گروا اهل حیاول اند چون اهراب. و برخی درشت و قس القلب. چون ترکان. جماعتی مایل بزینت و زیور و آرایش چون اهالی فرانس. و. و. و همچنین پاره از ملل محصولات طبیعی هم از میشوند و بواسطه انواع محصول زمینی و سردرختی امور خود را اداره میکنند. چون اهالی مصر و هند. و طایفه دیگر بانواع صنایع و بدایع متفردند مانند اهالی چین و خطا و غیره. و یکی دیگر بسبب تجارت و کسب چون اهالی فیلیپه.

ایرانیان چنانچه از تاریخ و سیر مشهور میشود دارای صنایع فوق العاده زیاد که حافظ هیئت نوعیه و جاب شرف و نفاذ باشد نبوده اند. و محصولاتشان هرگز بدیگر ممالک صادر نمیکشته مگر خیلی جزئی. در تجارت نیز بر سایر ملل تقدیمی نداشته اند. تنها آنچه مخصوص آنها بوده و سرآیه هرگونه رفعت و اعتلاء این ملت گشته همان وجود قوای نظامی و سوق عسکری و کثرت قشون و غلبه بشمشیر بوده. و همواره بواسطه همین یک صفت سر افتخار بر آنها بوده بر ملل همجوار بزرگی و سیادت خود را ثابت مینموده اند. و ملوک اطراف عرض انظلم باستان پادشاهان ایران مینمودند. و دولت ایران با کمال قدرت حوایج ایقان را اجابت کرده رفع شر اجانب را از آنها میگردد و هرگز فرستادن لشکر و حرکت دادن اردو در نظرشان کاری مشکل دیده نمیشد اگرچه باقی ممالک عالم باشد. در عهد شاه طهماسب اول صفوی آماره برهان در

باهزم و دوايت بر ميخواست افراد مات همگی با همان شجاعت قطری دریای بیدقتش جمع شده خصم را ذلیل و نگونسار میکردند. لذا هیچوقت غلبه اجانب را بر آنان امتداد معقول حاصل نمیشد. چنانکه در زمان اسفند کسری ایران را همان حالت پیش آمد. بواسطه سوء تدبیر حکمرانان و استعمال حلی و زیور درازاه آلات حرب و رزم و اشتغال بملای و ملاعب امور مملکت بجرای بسیار ناهمواری یافت. و احتلال در ناصیه حال ملک آشکار شد

نتیجه این سهل انگاری آن شد که فرات عسکری را حالت یأس و حرمان طرض آمد و در مقابل مشق اهراب خود داری نتوانستند. ولی مدتی نگذشت که باز چون (یعقوب لیث) سر بر آورد مردم در حول او مجتمع گشته سلاطین صفاریه و دیلمه و سامانیه و غزنویه و غیره هم صاحب امر و نهی و مملکت از تمدی اهراب مستغاص شد. باز در همین اواخر سلطان محمد بعلت علالت مزاج و ضعف باصره و کمی جزیره از اداره کردن مهام عاجز شده رعایا و عساکر را نیز همان حالت دست داد. و نصف ایران بچنگ عثمانیان و اوزبکان افتاد. چند سال نکشید که شاه عباس بصرهان پادشاه بصری سلطنت جاوس نمود. ایرانیان با نهایت جلالت و شجاعت و رشادت ملک از دست رفته را متصرف شدند. مکرر در عهد شاه ساطع حسین و نادر شاه مرحوم نظیر آن واقع شد. و این ملاحظات بما ثابت میکند که ایرانیان همیشه شجاعت خود را حفظ از دست نداده اند نهایت آنکه بواسطه اطاعت احکام رؤساء بسا اوقات دچار مشکلات و صدمات گردیده اند.

خلاصه آنکه یونانیان و ایرانیان اگرچه هر دو فرتاده دایر و شعیبند. ولی در ایرانیان ادب و حیا و تواضع مانع از اجراء آثار دلاوری است. و در یونانیان لجاجت و ساجت و تهور مورث ضعف و تاخت اجانب و بیگانگان بر آنهاست. و در هیچ قوم و ملتی جوش و خروش دلیران و میل طباع طامه بطرف حرب و ضرب و جنگ چون این دولت نیست. و پیدا شدند در میان این دو قوم شعراء (هرویک) که فن شان فقط گفتن اشعار جنگجویانه و حماسه رزم و تاریخ محاربات بوده. چون (هومر) یا (اومیرس) شاعر معروف یونانی که اشعارش در باب فتح

شماره ۲۶۶ ۸ ربیع الثانی (۱۳۲۳) - سال دوازدهم - ۱۲ جون (۱۹۰۵) صفحه ۱۸۷

هندوستان فتنه آشکار شد. و شیرخان افغان با لشکر جرار قصد تسخیر آنجا و سبیه کریمه با (هایون) پادشاه ازخاند (امیر تیمور) که سلطان هند بود مصاف و پادشاه هند را شکست فاحش داده از ملک هندوستانش اخراج کرد. هایون ابواب چاره از هر طرف مسدود دید. بزرگی را در عالم نیافت که بحمايت رعایت حقوق آزوی دستگیری کند. و شر دشمنان را کوتاه سازد. مگر ملك الملوك ايران و ملت ايرانيه که طبعاً هواخواه مروت و اوصاف و حامی عدل و راستی و بجوانمردی معروف و مشهورند. ماجار تخت هریشه بدر بار ايران فرستاده از عقب خود تازم گردید. در ورود بايران احترامات فوق العاده در هرات و ديگر بلاد از آن پادشاه معظم نمودند. و دقیقه از دقائق را فروگذار نکردند. تا آنکه در جن سلطيه با پادشاه ايرانش ملاقات دست داد. - بحلی از شرح احوال و خدمات خود را از ختم بعرض رسانید. شاهنشاه عجم را بحال فلاکت و درماندگی آنمرد محترم که ابا عن جد صاحب تاج و تخت بوده و از نژاد بزرگ گورکانیه بود شفقت و ترحم آمده سوگند یاد کرد که ملک مورو را بدو مسترد دارد.

پس دوازده هزار لشکر رزم آزمای جنگ دیده رشید به راه وی نامزد کرده محکم خراسان و سرحدات نیز توصیه فرمود که از هرگونه کتک و مدد مضایقه ننمایند و بزودی تاج و تخت از دست رفته در پناه پادشاه و لشکر ايران بدو برکشت کرد. و دشمن ذلیل و ناتوان گردید. و همچنین در زمان شاه عباس ماضی صفوی اناراقه برهانه خان (خیوا) حاج محمدخان و نوراقه خان از تمذبات عبدالله خان اوزبک و پسرش بدر بار ايران پناهنده شدند. و زور بازوی دلاوران ايران ایشانرا حکومت اولیه بخشید و امثال این وقایع در تاریخ این خاک بسیار دیده شده که مخصوص همین ملت نجیب است.

دلیل دیگر بر شجاعت این قوم وجود قشون داو طلب است که از عهد قدیم در بین ملت ايران متداول بوده و از آنها بسایر مال عالم سرایت کرده است. - اگرچه امروزه در خیلی از دول این رسم معمول گردیده است و دولت انگلیس که متعمر ترین دول جهان محسوب میگردد غالباً در مواقع لزوم قشون

داو طلب اتخاذ میکند ولی تفاوتی که در بین است اولاً آنکه اشخاصیکه قبول مینمایند در عداد عسکری محسوب شوند خصوص تا این اغلب از طبقات بی بضاعت و استطاعت و کفتم و تهی دستند. ثانیاً قبول کردن این شغل عموماً ناشی از طمع مالی است. گویا این امر را نوعی از کسب و تحصیل راه معیشت مینمایند. و بر دولت لازم است مخارج شخصی و لوازم محاربه و مصارف زن و بچه آنها را تمام اداء نماید. و هرکس در جنگ بواسطه ورود صدمه عاجز شود در تمام عمر دولت باید اخراجات او را برزده گیرد. و هرگاه در حرب گشته شوند نگاهداری متعلقان ایشان و وظیفه دولت است اما در ايران اغلب اشخاص متطوع که بطوع و میل خود داخل در صنف عسکری میشوند از رؤساء و خوانین و بیگ زاده بودند. و دارای ثروت و استطاعت و جازئیاری را در ازاء مال و منال مرتکب نمیشدند. بلکه غالباً اسلحه و آسب و لباس را خود متحمل میگشتند. و پس از انعام جنگ نیز توفع و مطالبه حقوق نمیکردند. و تنها محرك آنان بر زحمات ستیز و جرد اعصاب شجاعت و دلیری بود. و تحصیل نام و آوازه شهامت و جنگ آوری و اطاعت او امر پادشاهی و اجراء خیالات و مکتوبات شخص سلطان

در زمان سلاطین صفویه اناراقه براهینم این مسئله اهمیت کلی پیدا نمود و از اطراف و اسکناف ممالک هروسه طوائف و قبائل فوج فوج بنام پادشاه برستی و شاه دوستی بمخدمات دولت داخل میشدند. و هزاران مصارف و زحمات را بر خود هموار میساختند که ادعای خود را بمقام ثبوت و شهود برسانند. و بدین سبب آنها را (شاه سون) نامیدند یعنی دوستدار پادشاه. و هیچوقت نبود که در ايران چند اردوی معظم با تمام تدارکات و لوازم حاضر و آماده نباشد. - حتی در زمان خیلی نزدیک بمصر حاضر چنانکه در زمان مرحوم عباس میرزا نایب السلطنه هاره زیاده از پنج هزار نفر در اردو و رکاب نایب السلطنه حاضر بودند بملاوه در مرکز سلطنت و نفس دار الحلاله و سایر مراکز عمده چون قانس و همدان و کرمانشاهان و دیگر بلاد اردهوهای منظم موجود بود که در هر ساعت بر حرکت قادر بودند (باقی دارد)

حرکت موکب همیونی

سابقاً هزیمت سفر اعلیحضرت اقدس شامنشاهی را بطرف فرنگستان جملاً عرضه داشتیم. و ورود حضرت اقدس ولیعهد را که حسب الامر الاعلی بجهت نیابت سلطنت احضار شده بودند خبر دادم. روز بیست و یکم سفر دستخط همیونی راجع بنیابت حضرت ولایتعهد صادر و در دربار قرائت شد. روز بیست و دوم نقل مکان بیباغ شاه که در طرف مغرب دارالخلافه واقع است فرمودند و باختلاف اقوال در دوم یا هفتم شهر ربیع الاول حرکت واقع خواهد شد. و در غیاب هماره يك اردو در خارج شهر طهران ریاست وزیر نظام بر قرار خواهد بود. و از قرار مذکور تا آخر شهر و ماه آینده در ایران خواهند بود و در اول شهر ربیع الثانی وارد خاک روسیه خواهند شد اما آنچه عقول را متحیر ساخته و خردمندان را متعجب نموده آنستکه چگونه با این اوضاع اغتشاش داخلی روسیه میتوان از روسیه عبور نمود مخصوص این اوقات که روز بروز فتنه و آشوب در آبولادر ازدیاد و حزب آزادی طلب در کثرت است. و در بسیاری از نواحی حکومت علیه را خارج نموده خود بر تق و تق مهمان مشغولند. خصوص در داغستان و کرهستان واحدی تأمین از جان و مال خود ندارد روزی بیست که در شهری بلوا بشود و راه آهن بواسطه (دینامیت) خراب نگردد و چند نفر کشته و مجروح شوند با این حال چگونه شخص میتواند سفر کند آهم پادشاهی جلیل القدر که در هر نقطه باید دقایق احترامات از ایشان بعمل آید. و چنان دولت روس را ممکن خواهد شد موکب معلی را پذیرش نماید در حالتیکه بر حفظ موقع و تمام خود قادر نیست. و عیان حضرت غالب منواری و برخی دیگر هواخواه حریت و آزادی و شخص امپراطور بیشتر اوقات در خانه و عسارت سلطنتی متیم و از نرس جان حریت ندارد نزد خود کسی را بار دهد و املاک خاصانه دیوانی را در بسی نقاط اشراق قارت و جیباول کرده اند هیچکس را حواس جمع نیست خصوص وزراء و اعیان دولتی. و در تاریخ روسیه نظیر این انقلاب و عجز دولت مشاهده نگشته

البته با دربار روسیه در این خصوص مذاکرات لازمه نموده اند و تأمین حاصل فرموده که مارا از آنها استحضار نیست. خداوند ذات مقدس شهریار را در این سفر از جمیع بلیات معافات فرماید. تنها چیزی که اسباب دلخوشی است قرض نیک کردن برای مخارج سفر است چه در سفر اول و دوم مبالتی خلعیر دولت مقروض گردید گویا شاهزاده صدر اعظم از يك سال قبل تا کنون از راه حزم و مال اندیشی مبلغ هفت صد هزار تومان تدریجاً تدارک دیده اند و در سایر نقاط مرجا وجه لازم شود از بانک گرفته بکمرک حواله خواهند داد

ناصر الملک از حکومت کردستان مستعفی و در روز بیست و یکم وارد دارالخلافه گردید گویا بواسطه اطلاعات ایشال از آداب و رسوم دول و زبان دلی خواستند در این سفر مانترم رکاب شهریاری بوده باشند. البته مرکز مقام دایان کم نخواهد شد و فضیلت پوشیده نخواهد ماند

نواب والا سالارالدوله بحکومت و فرمانفرمائی ایالت کردستان منتخب و تا چند روز دیگر مازم خواهند شد. دیگر از مانترمین رکاب طبر انتساب حاج (امین الدوله) وزیر وظائف و اوقاف فرزند مرحوم حاج میرزا علیحاجان امین لدوله است چه ایشان نیز در زبان انگلیسی و فرانسه و روسی ماهر و باوضاع و آداب دول خبیر و بصیرند و مکرو بفرنگ سفر کرده مدتی نیز تحصیل اشتغال داشته اند سایر مانترمین را علی التعمیق عرض خواهیم نمود. البته وقایع نگاران نقاط مختلفه نیز مرقوم خواهند داشت. در غیبت موکب معلی حق الامکان منزل و نصب موقوف خواهد بود امور نظام راجع بدوازده سردار که مقرر شده خواهد بود مهمان مانی در مجلس دربار اعظم فیصله خواهد یافت

طوفان قیامت خیز کربلا

غره ربیع الاول ۱۳۲۳ هجری که زمان شیخ زین العابدین مرحوم بیست و پنج سال قبل بسته شده بود شسته. آب مانند سیل رو به کربلا آورد چه قدر باغ و مزرعه خرق نموده تا نزدیک به شهر رسید جناب حجة الاسلام آقا سید محمد باقر امر نمود هر چه و عجم دکا کین را بسته برای بستن سد حاضر شوند

واعجباً وامصیبتا اگر این واقعه جان گداز جگرسوز در هر مملکتی از ممالک نیم و حتی هم واقع شده بود دفتر اطاعه برای ستمزدگان و فقرای آن بلد باز میشد - از دوات گرفته تا افراد متوسط مات اعانه میدادند - ولی در اینجا نتیجه بعکس بخشیده باید فقرای دسقی هم اطاعه بدهند چه بسیاری از اشخاص آنچه داشته فروخته و قرض کرده خانه مختصری ساخته اینک ویران شد و بلکه در چوب خانه شانم بهینا رفت - اگر اقدام حجة لاسلام نبود این آب ابداً در کربلا آبادی نگذاشته بود - حتی شهر کهنه تماش خراب می شد - این نیست مگر از بی نظمی و خیانت مأمورین خان دوات علیه که ابداً در سدد رفع و وضع این گونه غایبات نیستند - علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد

خوبست دولت علیه يك نفر منتش از خانواده سلامت که دارای غیرت باشد رواة کربلا نماید تا نفیث نموده و نواقص و معایب را به دولت برساند شاید چاره باین درد های بیدرمان شود

منجمله ضررها که درین غریب بدوات وارد آمده ضرر طایبات است که شاید ده هزار ایرا کمتر دخل شود - اگرچه ظلم زیاد خواهند نمود و بنصف مالیات خواهند گرفت خواه حاصل شده یا نشده باشد ولی باز هم بسیار کسر خواهد کرد

علاوه خراب شدن سرای که محل حکومت میباشد مبلغ گزافی هم ضرر بر املاک منیه وارد آمده تمام باغات و زراعت املاک - نیه غرق شد - نقصان زیادی هم به نواب لاهور که همرا و مزرعه و باغات زیاد دارد وارد گشته یعنی تماش غرق و قلعه که دارند يك میل دور از شهر اطرافش را آب گرفت تا کنون نگذارند آب داخل قلعه شود - ولی طاقبت ابریز از آب شده خرابش خواهد نمود - تمام اهالی مشغول دعای دوات هستند - خداوند از جنم بد این دوات علیه را ننگ دارد

سید عبداللطیف پاشا که نه سال تمام در کربلا متصرف و حکومت داشت در ۲۸ صفر از کربلا بجای دیگر مأمور شد - الحقی تا حال چنین متصرفی در کربلا نیامده بود بسیار با سیاست و پلٹیک

طاقبت آب رو آورده در شهر افتاده در کویچه و خیابان آب جاری شد آخرالامر ملاحظه نمودند که از کسبه کاری ساخته نیست اعلان شد که عربها نیز برای بستن سد حاضر شوند - قبایل و شیوخ بابوق حوسه کتان دسته دسته و عشیره عشیره وارد شدند - من جمله جناب عزت شمار حاجی سعید که از جهه شیوخ بزرگ عراق و مردبست بسیار صاحب غیرت باعشیره و برادر خود آمدند - شیوخ دیگر هم از اطراف دسته دسته وارد و رفتند نیم فرسخی کربلا جان که سابق شیخ مرحوم سد بست بود مشغول بستن سد شدند

امروز که ۷ ربيع لاول است از بستن سد فراغت حاصل و بهیئت اجتماع مراجعت نمودند - دسته عقب دسته - قبيله عقب قبيله تلم پشت سر علم کف زنان حوسه کتان وارد سخن معاير شده بزبان حال اشعار میخواندند و قفاً گریا و ز طشورا بود - یعنی خیلی اسان متذکر آن روز می شد

فرق میان این اعراب و اعراب ساق اینست که آنان دشمن بودند ایشان دوستند ولی چه فایده که دیر رسیدند و آب کار خرد را کرده بود - قریب هفتصد خانه که بیشتر مال ایرانیان بود غرق و خراب شد - سه هزار باغ غرق و دیوارش افتاد و درختان و اشجارش پوسیده - سه هزار ایرا زراعت جو و گندم و غیره ضایع شد - بالغ بر يك لاک مغل خرما که يك دو سال دیگر باید نمر دهد غرق و قریب يك مایون اشجار میوه مثل سیب - زردلو - شفتالو - لیمو - آرنج و غیره همه خشک شدند - کشتی کوچک در خیابانی شهر ۶ در آمد شد است - درهای خانه و درهای اطاق و چوب بست عمارتها را روی آب صاحبانش جمع آوری میکنند - عجب قیامتی برپا شده و عجب محشری است - اکثر صاحبان این عمارتها که خراب شده همه فقیر و بی بضاعت میدانند به قسمی که اجرت حول نداشته بدهند - زن و مرد بزرگ و کوچک اسباب و اثاثالیهت خود را در شهر کهنه پراکنده حیران و سرگردانند نه کرایه منزل میتوانند بدهند و نه کسی ایشان را پناه میدهد مگر بعضی که دوست و آشنا در شهر کهنه داشتند در منزل ایشان پناه برده و بعضی در کاروانسرا و مساجد منزل کرده اند

بایست انصاف و ملاحظه کرد اولاً این عوطه را که امروز ایران می نامند خون بهای بلان و مردان است که در راه وطن جان فشان بوده اند - حیف است يك تبرآن به رایگان برود - ثانیاً دولت و ملتیکه بر حدود و حقوق و ثروت و سعادت خود تفراید یا خدای نخواستہ آشکار و پنهان از چهار جانب و شش جبهه بکاهد امید نجات و فلاح برای آینده آنها نمی ماند - فردوسی فردوس مکان میفرماید

(بحال کسی زار باید گریست)

(که دخلش بود نوزده خرج بست)

بالفرض دقیقه سنج نبوده درشت بین هم باشیم میباید دانست کویت و بحرین و مسقط هیچیک را با نیب و توب استیلا و در ابتدا مقاصد سود شان را درباره آنها نکرده اند - و با این دوس هائیکه گرفته ایم آخر باید يك تصور و فکر کنیم - حکومت خارجه و مأمورین اجنبیه را با فلان مرحددار و بهمان شیخ عرب چه سروکار و مطلب است و چرا آنها هدایا و عطایا بدو اعطا مینمایند و با آنها چه خلفای دارند آیا دولت علیه ایران نیز میتواند با حدود و قبایل تابع دول دیگر این معاملات را بکند - یا چرا نمیکند ؟

بوشهر

جنرال قونسول انگلیس مقیم خلیج و غیره با اعضای کمیسیون هند موقتاً بمسقط رفته - جنرال قونسول مشارالیه پیشتر هم از دولت متبوعه خود مأمور مسقط بوده و در مأموریت سابقه و لاحته اراز لیاقت و کفایت کرده است - بمحذاه مأمورین و مستخدمین ایران نیز میکتند

عبدالله نام که چندی قبل از کربک عمره به کراچی رفته بود و با آن آب و تاب و هیاهو او را دستگیر و به عنوان حبس ابدی قید و زنجیر کرده بودند این اوقات رها و باز روانه هندش نموده اند - و معلوم نیست هنرمت مسبو و افلاک و میرزا یالی را نیز این صفحات علت چه شده یا از اصل بری القهه است و بر جبهه با آن تفصیل منہم گردیده بوده است که هر يك از دیگری بدتر است

دان بود - قسمی کرد که در این مدت تمام اسلحه اعلیٰ زیر زمین زنگ زد - ولی باز داود از زیر زمین بیرون آمده و بکار می افتد خداوند عالم قهرا را از شر اشرار محفوظ فرماید

جنوب ایران

قابل توجه اولیای دولت ابد بنیان

در اواسط ستون ثانی از صفحه دوم شماره سی و دوم سال دوازدهم جریده مقدسه - در طی شرحی که از روزنامه طمس تحت عنوان اثرات انگلیس در ایران ترجمه شده این جمله است

(سال گذشته در اهواز نیز قونسولی مقرر گردید در این مقام اهمیت و ضرورت مخصوصه احساس شد چه از اینجا تا اسفهان که دو صد و هفتاد میل است کبابی لنج راه شوسه خوبی تعمیر کرده است - اهالی آنها اینقدرها منتصب نیستند و ابدأ شورش و برخاستن با ط ندارند)

همچنین این جمله است که در باب کربک عمره و اهواز (مترجمه رول) رئیس اداره اخبار خارجه روزنامه طمس در کتابیکه دابر بمسافرت خود به ایران نوشته است

(خوب بود دولت انگلیس اشراف محلی را دلالت میکرد که قبول کربک در این نقاط نکند یعنی ادای خراج نه نمایند)

معلوم نیست این مطالب و معنی و مآل آن و نظایر آن را وکلای و جواسیس یا مأمورین حفظ نوامیس ایران بر نخورده و راپورت نداده - یا داده و باور نکرده اند - یا اینکه اشغال شاغل طابع و حایل برداشت - که به آن نظرات فانی شامل کنند - یا پس از آن که انگلیس ها خودشان در روزنامه جات و کتب مطبوعه خود در عالم نشر نمودند چه چاره در جلو گیری آن فرمودند - سعدی سعید گوید

(سر چشمه شاید گرفتن به بیل)

(جو برشد نشاید گذشتن به بیل)

باید دانست آیا جز غفلت مأمورین عثمانی و حسن ظن اولیای امور ایران چه علت دیگری داشت که کویت همسایه و بحرین و مسقط به آن روز افتاده است

جناب دویبیک حکمران بنادر و جزایر با مقام حکومت سد از آنکه همه ایام قرنتیه خود را تمام کرد با اهزاز و احتزای تمام به شهر و رود نمود. با این رعای که امثال ایشان از قانون قرنتیه و اطاعتیکه از محکم دولت و قواعد بین ملل دارند بقیه است ادارات واجبه هرگز راضی نمیشوند بعض اشیاء رعایه خارجه که در خدمات کوچک این دولت علیه مستخدم اند به آن آشکاری شق قرنتیه و قانون صادره کیف مایشاه با هریده داخل و خارج شوند و آنچه حرکات برضد زاکون بکنند

گفتگوی جدیدی و نسبی که از طادات ذمیمه قدیه است و از اکثر بلکه از تمام نقاط ایران برخاسته است ایجا هنوز باقی و از محرم دنباله آن مانده است و غالباً بین فریقین به پناه های مختلف مشاجره و مناظره میگردد ولی اینکه که حکومت بجاری نزول فرموده البته مرتفع و انشایه برای آیه هم جلوگیری میشود یکی از میوه های بازرگی که ایجا در اداره کرک است زیاده بر چندماه و شاید چند هفته نمیشود که بتعداد رفته تأمل کرده با عیال طود آمده است. در این مدت قلیل بدرجه دربار ضعیفه مظلومه از جمیع جهات عذاب و شکنجه روا داشته که ناچار ترک او گفته به بغداد هودت میباشد و این نیز یکی از آثار تمدن غرب در شرق است

ارزاق و افر و ارزان است و حصول به کمال خوبی و ریمان و چشم داشت از فضل رب منان چنان است که به این زودبیا سلب این نم و احسان نشود جناب اعتلاء الدوله کار گذار کل هرستان و امور فوق العاده بلوچستان این هفته را محض آسایش و استراحت و رفع خستگی زمان مسافرت و وصول پاره اجوبه و تعلیمات از دارالخلافه در بو شهر قامت دارد و بعد به حمزه و مرکز اموریت خود عزیمت مینمایند مسئله اختلاف نجار و کرک بحال سابق است آقا میرزا موسی خان که ایرانی و اهل وطن و داخله است مابین آقایان بلوچکی هلی مستخدم کرک و حضرات نجار در اصلاح واسطه است میوه هالی و مسیو واکرم هرمدان با سلوکی هستند و اگر طرفین حکومت علیه را بجاییت به

پذیراند امید کلی است بخوشی فیصله شود مسیویکه به ریاست کرک کرمان معین شده بعضی میکنند از قرارنامه او چندان نایند و هاقدر است که این مسافرت را ذهاباً و ایاباً طی کند. لیکن برخی میگویند این دلیل حال بینی و حقیقه سنجی وزارت و مدیریت کمالات است زیرا میداند در کرمان هم مثل بندرعباس و غیره رفتاری میکند که پیش از آن وقت لازم ندارد

حکومت شوشتر

بموجب تاسکرافیکه نیم شهر ربيع الاول از دارالخلافه طهران از جانب سنی الجواب شاهزاده صدارت عظمی بشوشتر رسیده حکومت هرستان و مختیاری بجناب (سالار معظم) مفوض و مرحمت شده هموم اهالی هرستان از این موهبت ملوکانه حکم از روی کمال رأفت نسبت بایمسان مبذول است از صمیم قلب متشکر و بحسن معدلت جناب معظم امیدوار میباشند. و از خداوند مثلث مینمایند که سالها در تحت حکومت این حکم رؤف مهربان عادل رعیت پرور بسربرند. شهادت از زبان ورود موصکب ایشان بر هرستان اهالی آسوده ولایات منظم طرق و شوارع در کمال امنیت اشرار اهراب والوار از سطوت و شوکت تاما دست پای خود را جمع نموده و متبیه شده و سایر اوقات مرتصکب دست اندازی می شدند علاوه بر این بعض مواشی که در زمان سابق سرفقت شده از ایشان بلایان شده از بابت نرخ هم قدری تفاوت نموده است

(س. ف. ش)

حکومت جبل المتین

جناب (سالار معظم) از کفایت رجال با سیاست و دانش این عصر همیون است. و در هر اموریت و حکومت قسمی سلوک نموده که دولت بر مدارج و مقام بلند ایشان افزوده و ملت نیز آسوده دعا گوی بوده اند. مسلم است که مملکتی مثل هرستان حکومتی ایشان را نیز شورا است. اعضای اداره جبل المتین نظیر سابقه معرفی که در دست کاری و رعیت نوازی و دولت خواهی این وجود محترم دارد امید مینمایند برخی از مسائل بلوچکی این مملکت که سالهای دراز در مقام تعطیل مانده

اجرا و تکمیل پذیرد و از صدم قلب ایشان را تبریک و نهنیت میگویند

حسن خدمت

در این اوقات حسن اخلاق و صداقت و کاردانی جناب نصرالوزاره قونسول دولت علیه ایران مقیم ولاد قفقاز بتوسط حکومت محلیه و وسائط مختلفه معروض خاکبای اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه اتساده فلها بتوسط وزارت حایله خارجه دولت مشارالیهما يك قطعه نشان (اما) از درجه سیم بجناب معزی الیه اعطا و مرحمت شد و نیز نظر بحسن خدمات ایشان از جانب سنی الجوانب دولت علیه ایران از قرار فرمان ذیل موود بذل مراسم ملوگانه شدهاند

سواد فرمان شاهنشاهی

جون مقرب الخاقان داؤد خان نصرالوزاره ویس قونسول دولت علیه ایران مقیم (ولاد قفقاز) سالها با حسن عقیدت و سرمایه ایافت در انجام مهم دولت و حفظ حقوق رعیت مشغول و همیشه بنیتش معطوف و همش مصروف بترقی ابنای وطن و ممالک مقدس اسلام بوده است خاصه در تاسیس و ترتیب مدرسه موسوم به (نوروز) (در ولاد قفقاز) برای تحصیل نوآموزان و تعلم توابعان ایران که اکنون بخوبی دایر و در تحت منتظرات هیجده است خدمات مشارالیه مشهور و کاملاً معروض خاکبای اقدس شاهنشاهی افتاده و مستوجب بذل مراسم خسروانه گردید. لهذا محض بروز مکالم ملوگانه يك حلقه انگشتری الماس که از عطیات مخصوصه شاهانه است بافتخار مشارالیه مرحمت فرموده بصدر این موقوفه فرمان مهر لمان اورا مفتخر و امیدوار و باین طایفه قرین استظهارش داشته اورا تأیید می فرمائیم که پیش از پیش در اجرای وظایف خدمتگذاری و شاه پرستی جاهد باشد شهر هرم الحرام ۱۲۷۳

توضیح

وقایع ذیل را وقایع نگار مخصوص اداره از طهران نگاشته. ولی این نکته حقیقی نماید که آنچه وقایع نگار اخبار از مسوومات بنویسد لازم نیست عقیده خود او نیز شامل باشد. و یا آنچه در اخبار نوشته میشود رأی مدیر باشد. رأی مدیر یا ذیل مطلب

بنوان (جبل‌الین) یا در ابتدای اخبار بنوان سیاهی نوشته میشود و نه در مکاتب یا عناوین که وقایع نگاران مینویسند لازم نیست که عقیده و رأی مدیر هم شامل باشد. اخبار را وظیفه است حکم و قطعات مهمه و عناوین عهد و محاسبات و یا دعاوی و زبان بندی مدعی و مدعا علیه را در عدالات بنویسند اهم بر اینکه حقی باشد یا باطل و هرگاه مدعی را جواب باشد بدون مضایقه درج میشود

وقایع مختلفه طهران

امروز پنج روز متوالی است که جمیع کاروا سراج های تجارتی و دکانشین بزازی و صرافی و غیره بکلی مسدود است و حالت هت و سکوت طولانی در بازارها محسوس میشود در سه روز قبل که ابتداء امر بود چنین شهرت یافت که این میاهو و ازدحام برضد (م. بونوز) باجیبی رئیس کمرکات است و تاجار و صرافان در زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم سلام الله علیه و علی آباء متحصس و پشاعنده شده اند. این مسئله در حق تاجار خراب نبود. ولی امر کمرک هیچ گاه مربوط بمسئله صرافی و برات گردانی نبوده. لذا در سدد کشف حقیقت مسئله بر آمده معلوم شد صرافان با (میبوز) طرف نیستند و در زاویه مقدسه نیز منزل نمکرده ناگه در مسجد شاه و دارالشرع حضرت حجة الاسلام حاج میرزا ابرالقاسم امام جمعه پناه برده اند. و شکایت شان از بابت بروات دولتی است که در صحن سابقه از ارباب حقوق محض جلب مقصد بانک کمر و تفاوت خریده اند و اینک دو سال متوالی است که در دست آن بیچارگان مانده و این معنی سبب زبان کلی بلکه مورت و شکست بعضی گشته و ماقبلی و حیم دارد

توضیح آنکه چنانچه مکرر تشریح کرده ایم و اغلب قراء محترم نیز مسبقاً در وزارت و صدارت سابقه بواسطه بیسالی یا اغراض قضائی عمل حاله دولت بکلی مختل و بریشان و دخل را از خرج تصارت نمایان بود. نه عکسی در صدر از دیاد مدخول و نه بخبال کسر خارج و مصارف بود. بلکه هر روز از دخل بواسطه تخفیف و غیره میکاست. و بر خرج بعلت انعام و تیول و مستمری و مواجب

دو ریال از بابت قسط اول این بروات پردازند تا بعد
حسا نیز سه قسط دیگر داده شود اجزاء وزارت
خزانه بامقدار زیادی از بروات خود در این وقت یا
سابق خریدند اغلب این مبلغ را خود جلب نموده دو
سه قرار صرافان هم بموقع رسیده بروات را تحویل
داده نوعی دو ریال را گرفته و بقیه را فهرست از
وزارت خزانه گرفتند. برخی جرأت نکرده بروات را
از دست نداده این خود يك بهانه شد دیناری
پرداختند

اینك زیاده از شش ماه است که اصلا چیزی نیست
معلوم نمی شود دولت قسط دوم را پرداخته و بخزانه
فرو رفته است یا اصلا از طرف دولت داده نشده.
بدین سبب هموم صرافان دکانین را بت در مسجد
شاه گرد آمده عریضه در این خصوص عرض نموده
اند تا جواب چه آید گویا از طول مدت بجان آمده
تا برواتشان را پردازند مشغول کتب نگردند

اما تجار از (مسیونوز) شاکی اند و در حضرت
عبدالمعظم متحصن هرکس بخمال خود سختی می
گفت و حدسی میزد. جی عرک این ازدحام را يك
دو تن از طبقه روحانیان میدانند. زیرا که در هرم
گذشته جناب آقا سید عبدالله بهائی و چند نفر دیگر
برضد (مسیونوز) قیام نموده عکس را اژاو وسیله قرار
دادند که خود را بلباس علماء روحانی اسلام ملبس نموده
فرضش توهمین دین حنیف اسلام و علماء مذهب است.
برخی دیگر این عمل را محل بر فرض نمی کردند و
میگفتند عکس (کوستومه) است که معمول اروپا
میباشد. نه تنها این يك فرم را عکس برداشتند بلکه
تمام فرمهای ایرانی را از لباس علماء و تجار و نوکر
و کارد و لر و انواع لباس های زنانه و مردانه
را در يك مجلس عکس گرفته اند. هر حال مسئله حق
بود یا باطل بی شرفی نکرد. و نتیجه عکس بنحیثه شاید
امروز همان اشخاص حضرات تجار را محرک شده اند
باره دیگر سلسله جنیان این امر را انگلیسان تصور
میکنند چه تعرفه جدیدی مبنی بر ازباده تجارت
روس در ایران و سد ایوان تجارت انگلیس و دول
ساره است. و عمده فروشان آنها آن تعرفه کان نمی کردند.

و سایر عناوین افزوده میگشت. و آنچه عمل معتبر
و وصولی هم بود زبردستان بجای می بردند و سایر
ارباب حقوق را تنها نصیب همان و رفته برات بود
اینها نیز بناچاروی صرافان وغیره مبلغی کسر حکرده
میفرودختند. صرافان نظر بوظیفه کتب و تحصیل معیشت
و جزئی انتفاع خریدند اگر هم برخی احتیاط کرده از
مراکز رسی سوال میسکردند که آیا این وجوه
پرداخته خواهد شد؟ در جواب کلمه (البته البته)
میشنیدند. و بدین خاطر جی که اگر جنیدی تعویق
داود عاقبت وصول خواهد شد. تا آنکه سادات
تبدیل یافت و جز چندین کرور قرض جهت دولت
چیزی باقی نماند این چله بدون عمل و لاوصول ماند
هرساله چنین فائده نیز در عقب داشت شاهزاده صدر
اعظم موافق ترتیبی که مکرر عرض شده
سندوق مالیه بروفق نظام صحیح دائر نموده عمل
جمع و خرج و کسر بودجه طایه را اصلاح فرمود
و در سال گذشته تمام ارباب حقوق بدون معطلی و
دوندگی و تعلق از ارباب دفتر استیفاء و دادن تاروف
و رشوه برحسب اقساط معینه حقوق خود را دریافت
نموده صرافان نیز هرچه در این سال خریداری کرده
بودند در کمال خوبی در موقع خود بدانها پایدگشته برات
دولت بمنزله اسکاس بانگ مرغوب و مطلوب گردید
و امروز اگر چیزی از آنها در دست باشد و بهرکس
در ازاء طلب بدهند بنهایت امانت قبول میکند. ولی
از سالهای سابقه هنوز در دست مردم است. سال
گذشته صرافان منظم شده مستدی اداء این وجوهات
گشتند. ولی بالبعاده معلوم است پرداختن آنها چه قدر
اشکال دارد و از چه عمل پرداخته شود. غایت تدبیر
این بود که بعدها اینگونه حوادث واقع نشود و دخل
با خرج مطابق کسردد بجلاوه کرک این سال بهات
اشغال ناره جنک در مشرق الاقصی باندازه همساله
دخل نیساورده تعرفه جدید هم ککی بمنع صادرات
نموده. اندوختن و جی علیحده در خزانه خاصه
ادری بملاحظات بسیار لادم بود. با این همه شاه
زاده صدر اعظم نظر بحال صرافان و لزوم اعتبار آنها
بهر نحویکه بود مبلغی تهیه و فراهم نمودند و بمجناب
مشیرالسلطنه وزیر سابق خزانه سپردند صکه توطنی

خلاصه هرکس محکوم میگردد - بهر جنان دانستم که شخصا خود بخار را ملاقات نموده بدون توسط غیر حقیقت امر را باز پرسم - باین نیت دیروز طرف صبح بازن راه آهن تازم شدم - (نگان فرماید که راه آهن اینجا چون سایر ممالک است - چندان بی ترتیب و غیر منظم که از حد وصف خارج میباشد این بنده مدت ده سال است که هر وقت قصد زیارت دارم بازن حرکت میکنم در این مدت طویل شهاده هرگز یک نچکت که بدینیم نیافتم - فی الحال بجاه نیکت دارند که باید بدان قرار صد بلیت بفرستند - یا صد بلیت فروخته چهار صد نفر دیگر باید سر یا بایستند - و بسا شده که مسافر جای ایستادن هم پیدا نمیکند شرح این احوال داستان مفصل است که در موقع دیگر نوشته خواهد شد)

بهر حال - حضرت عبدالعظیم وارد شده پس از زیارت واستفاضه فیض وسعادت ببالغ (سراج الملک) که مرکز بخار بود شتافتم - و بجمیت نظری کرده در میان دو فرسعت ریاست و توجه و طرف سوال وجواب مسموع الملکه در نظر همی دیدم - اول حاج محمد اسمعیل تبریزی معروف بمنازه سکه شخصا مریدی منظم و تربیت شده و با طهر از اوضاع کثوف و آراسته و سخن سنج است - دیگر حاجی علی شال فروش که از بخار معتبر و متدین است - ولی قدری تند و لجوج و در مکالمه جنان با بستگی بسخن قانون و حرف حسابی ندارد - تقریباً همان صورت قبل و قال واجتماع قانع است - نظر باین ملاحظه نزد حاج محمد اسمعیل مزبور رفته بعد از تشریحات و سعی شروع بسوال و تحقیق مسئله نمودم که هیناً بجهت استحضار خاطر عالی عرضه میدارد

(باقی دارد)

وقایع حسرت آیات

مرحمت و غفران پناه حاجی شیخ محمد حسن تاجر لاری که از مشایخ چهار محترم بود دست و هضم صدر (۱۳۲۳) در جبهه مردم از جهان قالی را وداع و بهبهت سازدانی حرامید و حقیقت علیه رحمة واسعة - چون این خبر به پیشی رسید آقا عبدالعزیز برادر زاده آفرحوم دو روز مجلس ختم منعقد و فاتحه خوانی نمود - انیس تجارانی بسم آن مرحوم کلان جاری است جناب آقا کوچک صاحب تاجر لاری برادر

آفرحوم بیکر با تکالی از آن مرحمت بنده است - خداوند آفرحوم را غریق رحمت خویش فرموده از ماندگاش با صبر جمیل و اجر جزیل عنایت فرماید

مکتوب

در اخبار (طام) شهر لاهور مورخه شنبه ۱۲ می سنه (۱۹۰۵) عیسوی در صفحه اول و ستون اول و سطر آخر نوشته شده سکه (در پیشی خبر رسیده سکه قوسول روسی در بندر عباس و لنگه است و حکام ایرانی خبر اند)

آهید است که جبل القین جواب ایشان را بدهم و نیز حالی نماید که حرابند هندوستان باید قوری از سحر اقیبا و علم زمین مشرق مطلع شوند که (بندر لنگه را (لنگه) بنویسند و تا این درجه طووسه چین خرمن خارجه نگرند - و حقوق مسابگی و مهنهای شاهنشاهان باستان ایران در باره حکمرانان هندوستان این قدر زود فراموش نفرمایند

تکرانات

(۲۶ ربيع الاول - ۲۹ می)

بجنگ از روز هفت تا صبح دوشنبه جاری بود - چون ژاپونیان را اطمینان کلی از انتشار همه پیدا شد قدری آرام گرفتند

بجنگ روز از نوکیو خبر میدهد سکه امیرالبحر [روزبونی] را برای علاج ژاپونیان در شفاخانه [سایپو] فرستادند

بدر این جنگ قصاص ژاپون فقط - کشتی موشک بوده است

بیک کشتی موشک روس دویت نفر از عملیات چهار اسلاییا که غرق شده نجات داده ولادیوستک رسیده است

بامروز امیرالبحر [الکساف] تا دبر باز با اطمینان حضرت امیراطور روس درباره معاملات بحری صحبت نمود [عجب شخص محترم مؤسس این جنگ شناخته می شود]

با برپایی چهارات بالیک آزادی طمان روس را مستسکی بدست داده اخبارات می نویسد که از شایعات استبداد مات روسیه این کلاه بی خبری را بر سر نهاده

باخبار دلی اکیس از وقایع نگار [نوکیو] می نویسد که بزرگترین چهارات جنگی روس در ولادیوستک برای نجات

امیرالبحر [روزبونی] که دو هزار و سیصد و سی و شش تن و دارای بیست توب برنگ و چهار و هشتاد توب کوچک و هشتصد سرباز و سر کرده بود از ساحل بیرون آمدند بر رنگ دوپاتی مصادم و غرق شدند است

باوقایع نگار [دلی میل] از نوکیو می نویسد که چون چهار

علم دار دست بالیک که امیرالبحر روزبونی بر او سوار بود غرق شد - امیرالبحر موصوف بر چهار دیگر سوار شده

ژاپونیان او را در نزدیک فوی اسیر گرفتند و حائیکه خلی
مخروج بود

§ جهاز شعله از دسته جهازات بالتیک [کوریا] نام در
وانسنگ رسیده در حالیکه خورد و خبیر و مشرف بفرق بود
§ جنرال اینویچ و پورت کیناز چهار آلمان را که
بولادیوستک رسیده بیست و نهم بدین قسم اشاعت داده که
جهاز سوولوف - لوپودینو - اسلیایا - و کشتی موشک
اول روز یک شنبه فرق و جهاز آلمان از آن دسته
خارج و بجانب ولاد دیوستک رهسپار گردید - و از
نیجه جنگ رسیده است در کشتی (آلمان) پنج مقتول و
دو مجروح بوده است

§ (پوست گرت) می نویسد که جنگ (شوشیا)
فصله نمود جنگ اقصای شرق را - در حقیقت این جنگ
دوره اهمیت جنگ های قدم را از ساطرها برد

§ اخبارات ادویا از واقعات جنگ (شوشیا) مهوت
شده متفق الکله در علم و شعاعت و مردانگی و همت امیر
البحر (توگو) آفرین گفته می نویسند که زمانه و میدان
جنگ بوجود چنین جوهری با دانشی مباهات دارد

(۲۶ ربیع الاول - اول جون)

§ جهاز موشک شکن ژاپونیان به (ولادیوستک) رسید
§ زخم منگری، برپیشانی امیرالبحر روزینسکی رسیده و
لازم مجراحی بود که و پاهایش نیز مجروح شده ولی قابل
علاج معلوم می شود

§ اداره بحری روس تردید میکند خبری را که دلیلی
اسکیس دوباره غرق کشتی بزرگ دسته جهازات (ولا
دیوستک) اشاعت داده

§ کشتیهای بیمارستانه دسته جهازات بالتیک اسیر
ژاپونیان شده در (ساسیو) آورده اند

§ خبر (روز) که در معیت جهازات ژاپون بوده از
(توکیو) چنین خبر میدهد - همین که جهازات (بالتیک)
در آبهای شرقی کوریا رسید - ژاپونیان از چهار طرف
چنان سر راه را بر آنها گرفته که اهدا راه گریز
برای آنان باقی نماند - همین که جهازات بالتیک بجانب شمال
رخ آورد ژاپونیان شلیک و یرش بسیاری مہیبی بر آنها
سود از جهازات روسی نیز در کمال استقلال جواب رسید
و بی در پی بر جهازات ژاپونی شلیک سکردند - پس از
ساعت دو شلیک جهازات بالتیک کم شد - ازین ظاهر
گردید که بر آنها صدمه عظیم وارد شده - بین سلامت سه
و پنج مصر جهاز (اوچیوف - کی ماریکا) غرق گردید
و این صدمه گویا سبب اتذار جهازات لتیک شد - و جهازات
ار هم متفرق شدند و ژاپونیان نیز بر آنها یرش آورده
بدینجه جهازات موشک و موشک شکن و غواص یک دفعه
آنان را منتشر نمودند

§ اعلیحضرت (الفس) پادشاه اسپانیا و رئیس
جمهوری فرانس میو (لوبه) در حالیکه توام از تانسا
خانه می آمدند شخصی در لباس عملجات جلو آمده
(و بجز) بر تپه کرد - صدمه به پادشاه و رئیس جمهوری
رسید ولی عملجات پارس و محافظین را خیلی مجروح

و جنگ فورا هم مقتول شدند - سپس تروا کجترش
نمود

§ امیرالبحر (توگو) قبل از جنگ حکمنامه بجمع افسران
نحس امر خود بدین عنوان صادر نموده بود (بتقدیمی اقبال
امیراطور اعظم ژاپون و سیادت و هزرت قومی ژاپونیان و
ارتفاع رتبه و نام ما در این همه فتوحات متوالیه کلا مربوط
به نتیجه این جنگ است - لذا ما راست که هزرت دولت و ملت
مخودمان را مدنظر گرفته نمانی ولی نعمت کل را جلو
چشم آورده از همتی خود گذشته درین جنگ اقدام نمائیم)

§ از بیانات امیرالبحر (توگو) ظاهر می شود که
جهازات ژاپون در تاریکی شب از سراسر خود حرکت کرده
ماندازه که تیررس کلوله شلیک بود ایستاده بر جهازات
بالتیک مانند تکرک کلوله باریدند - درین گیرودار احساس
شد که چند جهازات زره پوش روس فرق و معلوم
گردید که کلوله جهازات بالتیک یانصد ذرع نرسیده بجهازات
ما بدریا میریزد - کم کم نزدیک آمده جهازات بالتیک را
باندازه تیررس محاصره کرده هدف کلوله نمودیم طاقت
جنگ همه به شد تا اندازه که خصم نزدیک می آید ما از او
دور می شیم و هر قدر دور معرفت ما نزدیک می آیدیم
بهین قسم تمام روز جنگ بر قرار بود

§ کشتیهای جهاز (از مورد) بیان نموده که در نظر
عملجات جهاز مجروح شده و از جنگ دشمن فرار و
بجانب (ولادیویر) رفته - خواست بطرف ولادیوستک
رهسپار شود چون صدمه زیادی بجهاز مزبور رسیده و
ذغال هم نداشت بشاچار عملجات جهاز را بجا آورده از
خوف آنکه بدست دشمن نیفتند جهاز را فرق نمود

§ خبر (روز) از (توگو) خبر میدهد که آنچه
تاکنون معلوم شده شش هزار فشان بحری در کشتیهای
بالتیک صایع شده چهار هزار ایشان نجات یافته بقیه تلف
شده اند نشتیهای بسیار در سواحل و سکنار دریا بدست
می آید

§ امیرالبحر دسته دوم جهازات بالتیک (فالگر شام)
در حالیکه بر جهاز (اسلیایا) فرمان گذار بود غرق گردید
§ امیرالبحر ژاپون (توگو) بیان نموده که چون از راه
مارا ضرورت پنهان داشتن نقصانات خود نیست اظهار میداریم
که در ۱۵ فروری گذشته کشتی (یاشیا) پسرنگ مصادم شده
غرق گردید و کشتی موشک (ااکوتا - و اشاما) در ۱۷ می
(۱۹۰۴) و هیانوری سوم دسبر و (تاگو) در همان اوایل
غرق گردیدند

(۲۷ ربیع الاول - ۲ جون)

§ بوچب تلگرافی که از (توکیو) رسیده جهاز (جهنگ)
که حاش غیر معلوم بود غرق گردید

§ در روسیه این مسئله موضوع بحث است که آیا
ژاپونیان را حق آن هست که جهازات خود را در سواحل
بالتیک رسانیده بر بنادر بالتیک حمله نموده متصرف شوند یا نه -
یکی از جرائد می نویسد بموجب همان حق که روس داشت و
جهازات جنگی خود را بسواحل ژاپون رسانید ژاپون هم
میتواند کشتیهای جنگی خود را در بنادر بالتیک برساند

§ جهاز (اوچیوا) غرق شده در تاریکی لالت صهوا نام او
(اشاما) ذکر شده است

(۲۸ ربیع الاول - ۳ جون)

§ یکی از سرکردگان بحری روس (آنکوینس) باجهازات (اوروا - اولیک - چونگ) و مجروحین بسیار به (منیلا) که در سواحل (فلپین) از مستمرات امریکاست رسیده جہازات مذکورہ شکستہ و قابل بحرکت نیستند

§ بالغ بر پنج هزار قشون بحری روس اسم ژاپونیان شدہ و بیشتر آنها را از دریا در حالتیکہ مشرف برق بوده گریخته اند

§ اداره بحری ژاپون برای یادگار این فتح بزرگ بحری مفروضہ داشتہ کہ در دریای (وشیما) (هوسلٹ) یعنی سرکری برای روشنی بحری) تصحیح نمایند کہ از فاصلہ هشتاد میل استارہ از او توان نمود - این امر برای جہازات تجارتي کہ درین دریا عبور و مرور دارند بسیار مفید است

(۲۹ ربیع الاول - ۴ جون)

§ مخبر (روتز) خبر میدہد (کیولین) کہ یکی از جہازات انگلیس است یک کشتی موشک شکن روس را کہ در شمال (شویٹلان) قادر بر حرکت بودہ همراه می آورد

§ مخبر (روتز) از (منیلا) خبر میدہد کہ در جہاز (اوروا) کہ پناہندہ این بندر شدہ سه افسر مجروح است و پست سبب ہلاک و هشتاد و سه مجروح اند - در جہاز (اولیک) سیزدہ ملاح مقتول و ہیچندہ مجروح اند - و در کشتی (چونگ) پست و یک افسر متول و یک نفر مجروح است - گذشتہ بر این دوازده نفر ملاح مقتول و سی نفر مجروح اند - این جہازات را درجہ نجاتی کہ زیر آب است سالم می باشد ولی در سطح او حرای بسیار رسیده

§ (توکی) امیرالبحر ژاپون در شفا خانہ (سامیو) یا امیرالبحر روس (روزویونسکی) ملاقی شدہ شرحی از جوان مردی و شجاعت روسیان تمجید نمود - این گونه اخلاق ستودہ و صفات پسندیدہ بر امیرالبحر (روزویونسکی) میلی اثر نموده جواب دادہ است کہ ملاقات با سردار فانیچکہ دارای اینگونه اخلاق پسندیدہ و صفات حمیدہ است غم و اندوه را از دل رائل می نماید

§ اعلیحضرت امپراطور و امپراطوریس روس و شاهزادگان امروز در قلیسای (زارکیسو سیلو) شرکت در مراسم فاتحہ مقتولین جہازات بالتیک خواهند نمود

§ افسران بحری روس در (منیلا) اظهار داشتہ اند کہ ژاپونیان درین جنگ از کشتیهای غواص خیلی کارگرفته و بیشتر قوحتاشان بدان ذریعہ بوده است

§ کپتان جہاز (اوروا) شکستہ شدہ کپتان (انکو لیست) هنوز در قید حیات است -

§ جہاز موشک شکن روس کہ در شنگھائی رسیده یکصد و پنجاه نفر مہلجات بحری روس در اوست - شش روز بدون آذوقہ در دریا سرگردان بوده اند

(۳۰ ربیع الاول - ۵ جون)

§ (انکو لیست) از دولت آتازونی اجازه خواستہ کہ جہازات خود را در (منیلا) حرمت نماید - اداره بحری امریکا اطلاع دادہ کہ جہاز (الیک) هفت روز (اوروا) یک مہ (چونگ) هفت روز باید برای حرمت مطلق نمود § کپتان (انکو لیست) اظهار داشت کہ تصور جنگ تا

یکشنبہ گرم بود و من شام در شبہ از جنگ گاہ بیرون آمدم از نتائج جنگ ابدا اطلاع نداوم § بموجب تلگرافیکہ از واشنگتن رسیدہ سفر ابنالی پس از گفتگوی زیاد با (کونت نشانی) - رئیس جمہوری آتازونی مستر (روزبولٹ) سفر ژاپون را از بیو بلوک طلب نموده با رئیس جمہوری خیلی بحث نموده - و بیو تکاہر اظهار داشت تا وقتی کہ از بترسبرگ دستور العمل نرسد هیچ امر پیشرفت نخواہد نمود -

§ روز نامہ اسٹندرد مینویسد کہ تا پانزدہ روز ممکن نیست هیچ گونہ خبری از بترسبرگ برسد تا اندکی جوش و خروش اهالی کم شود - لز آن بعد امید است کہ رفتہ رفتہ شرایط صلح صورت بندد

§ معلوم میشود کہ دولت آتازونی اجازه دادہ است کہ جہازات روس کہ در (منیلا) پناہ آورده برای حرمت بمماند -

§ مخبر (روتز) از (هکانگ) خبر میدہد کہ یک جہاز (والنیر) و دو جہاز موشک شکن روس و یک (کروزیر) و یک غلہ در دو بست و چهل مہل ہکانگ دیدہ شدہ اند § ولیدید دولت انگلیس ایرس آف ویلر) اعلیحضرت (انف) پادشاہ اسپانیا را در بندر (اسموتہ) سیرانی نموده تا لندن همراه بودہد با اینکه بارن میباید حجت بسیاری باستقبال پادشاہ اسپانیا شناختہ بودند - پلیس طریق غیر معمول در محافظت پادشاہ کرشان بود

§ رئیس جمہوری فرانس میبو (لوپ) دعوت پادشاہ اسپانیا را قبول نموده در خزان آبیئہ بہ (مادرید) خواهد رفت § امپراتور (الکساف) و میبو (باگائی) از فرمانفرمانی و نائب فرمانفرمانی اتصالی شرق استعفا دادہ ولی امپراطور روس استعفایشان را قبول نبرمودہ

(۳۱ ربیع الثانی - ۶ جون)

§ مخبر روتز از شنگائی خبر میدہد کہ امیرالبحر (پوایویا) با جہازات ژاپون در (گنزلاف) رسیده است

§ هزار و چہار صد نفر از سردار و سراز جہازات (بالتیک) درین جنگ مفروق و مقتول گردیدہ - و چہار ہزار و شصت نفر امیر ژاپونیان شدہ - و سه ہزار نفر فرار کردہ اند

§ رئیس جمہوری دولت آتازونی اظهار داشتہ کہ ہر یک از جہازات بالتیک کہ در جنگ مہیوب نشدہ باشد و خرابی او جرمی باشد اجازہ دادند در (منیلا) تعمیر شوند

§ کونت (لمسدروف) وزیر خارجہ روس مشورہ مستر (روزبولٹ) را دربارہ صلح با سنیروس با اعلیحضرت امپراطور پیش خواهد نمود

§ مخبر (روتز) از (توکیو) خبر دادہ کہ تا حال ہرین قدر معلوم شدہ کہ چہار جہازات روسیہ (تیکوماف - الایجر - مونوماک - دیتروانسکی) کہ در اینای کوریا مفروق شدہ ممکن است از آب بیرون آورده نمیردند دوبارہ نکار جنگ اندازند

§ مستر (روزبولٹ) رئیس جمہوری دولت آتازونی با سفیری روس آلمان انگلیس و ژاپون متصل در بحث و گفتگو میباشند و مظلون است کہ در مادہ صلح باشد

§ بین میبو (دلکاسی) وزیر خارجہ مستم فرانس و میبو (اودیر) وزیر خارجہ جدید و سار ووردی فرانہ اختلاف کلمہ واقع شدہ سار ووردی را عقیدہ این است کہ میبو (دلکاسی) را لازم بود کہ قبل از دستاوردن (میبو

پسند (در انجمن) پای تخت مراکز دولت آلمانرا تسلیم داده
اطمینان و حفظ حقوق او داده باشد

§ غیر (روز) از حدوده خبر میدهد که مریدان پای
(کابادایت) را متصرف شده (تجزا) را نیز محاصره کرده اند

(۷ ربيع الثاني - ۷ جون)

§ غیر (روز) از یاریس خبر میدهد که مسیو (رودیر)
وزیر خارجه که فرانس فقط تا وقتی مسائل متنازعه فیصله یابد در
معاملات خارجه تصرف خواهد نمود - و نخواهد گذارد که
در دو-تی جدید با انگلیس حل واقع شود - و اتحاد دیرینه
روس را هم مدنظر خواهد داشت - ولی دولت روسی
را متنب خواهد بود که در آینده مسلکی اختیار نه نماید که
محل دوستی و اتحاد او با انگلیس باشد

§ منتظمن کپانی (سوزگنال) طاقت کسر راه داری که
موضوع بحث بود قبول نمودند

§ با محاسباتی بسیار حکومت محلیه (مسکو) فرقه
اصلاح خواهان موسوم به دستوز بوم گذشته تمام روز در
ماده قروم صلح و انتظام ملک و اتفاق کله روسیان بحث
نمودند

§ اهالی (ناروه) در دارالشورا اظهار داشته و قرار
داده اند که ازین پس پادشاه سویدن را حکومتی به مملکت
(ناروه) نباشد و همان اختیاری که پادشاه داشت بوزرا
خواهد بخشید - ولی در خطابه که پادشاه تقدیم نموده اند
تکلیفی از - خص ایشان و اهالی سویدن نبوده - بلکه از شاه
مدد خواسته و خواهش حکمرانه اند که یکی از شاهزادگان
خانواده خود را به پادشاهی ناروه نلغزد فرماید

§ غیر (روز) از (پترسبرگ) خبر میدهد که نیجه
گفتگویی سفرا درباره صلح در حدودای روس این شد که
در واشنگتن و یاریس اطلاع بدهنه که دولت روس میخواهد
اول شرایط صلح ژاپون را استماع نموده سپس رأی خود
را ظاهر دارد

§ پادشاه (سویدن) در جواب اهالی ناروه بوزرا سختی
نموده که از مخالفت با حکومت دست بردارند

§ اخبارات یاریس سبب استعفای مسیو (دلکاسی) وزیر
خارجه فرانسه را عدم مآل اندیشی در مسئله مراکز جلوه
میدهند - و چنان معلوم می شود که مسیو (رودیر) وزیر خارجه
تازه می خواهد نمود که عدد بسیار مقبولی درباره مراکز
بامپراطور آلمان پیش نماید - شاید وضع کدورت و دلخوش
ایشان بشود (ولی) - بگفت برگرداند آن تیری سکه نیز از
صفت رفت

(۳ ربيع الثاني - ۸ جون)

§ پادشاه اسپانیا اعلیحضرت (الانس) کرنل انگلیزی جورج
شازدم انگلیس مقرر شدند

§ دوم جون جهاز (اسمولنگ) روس در هشتمه میل
(وسنگ) در راه یکی از جهازات تجارنی انگلیس برخورد
اورا گرفته هفتاد نفر را نجس کرده برخی را قتل کرده سپس
از خوف آنکه جهازات ژاپونی اورا تعاقب نمایند با کمال سرعت
فرار نموده است

§ از (واشنگتن) خبر رسیده که رئیس جمهوری تازولنی
مسترا (دوری ولت) با جمیع سفرا در ماده صلح صحبت
کرده هم متفق الکنه با خیالات او همراه اند

§ جمیع امرای بحری روس و دریانوردان
بالتیک شرقی همه (۶۹۴۲) میباشند

§ مسیو (لوتیر) در فیض با سلطان مراکز ملاقعه
دولته اتحاد و ترقی مملکت مراکز خیلی صحبت کرده است

§ امپراطور آلمان جمیع دول را رسماً متوجه نموده که در
ماده مراکز و مسائل راجعه به آن در دست تأمل و لغور نمایند

(۸ ربيع الثاني - ۹ جون)

§ مستر (مابر) سفیر دولت آتازونی در
(واراسکو-لور) اعلیحضرت امپراطور را ملاقعه شده امپراطور
مستم شخصاً خواهش خود شازرا درباره صلح ظاهر داشته
یعنی فرموده اند اندکی در این امر باید فکر حکمران
مشاوران اظهار داشته که ملاقات اعلیحضرت امپراطور خیلی
سرا امیدوار بصلح نمود

§ اصلاح خواهان یعنی فرقه (دستوز) در (مسکو)
عرضداشتیکه دوبست و پنجاه نفر محرمین بر او همه نهاده
بلفاظ خشن و سخت نسبت با اعلیحضرت امپراطور روس
سرتب حکمرانه و چنان اراده نموده اند که هیئت بطریق
کبسیون عرضداشت مدحکورا ضمت امپراطور برده
حضورا قرائت نمایند - این کبسیون موسوم خواهد بود
(بیشتر برگردگان مظلومین) درین ادرس صلح با ژاپون
را فوری لازم شمرده و مآل این جنگ را خیلی خوشایند
جلوه داده - و تبدیل فراتین وحشیانه و حکام جاهل را ماحلاً
خواستگار شده اند - و جمیع الزامات جنگ و خرابیهای مملکت
را بشخص امپراطور نسبت داده اند - ابتدا تأخیر درین امور
را روا نمیدارند - یکی از رؤسای روحانرا بر این قرائت این
عرضداشت در حضور امپراطور منتخب نموده اند - این
عرضداشت گویا اتمام حجت الاطراف و بابا بشخص امپراطور
است عنوان این عرضداشت ماه شکستگی است در تمام عرضداشت
امپراطور را بجای اعلیحضرت بلفظ (شما) خطاب داشته -
عناوین این عرضداشت ابدأ میدانه نیست بلکه مستعجابانه
میباشد اهالی پترسبرگ از عناوین گستاخانه این عرضداشت
خیلی متعجب و متعجب اند

§ اعلیحضرت امپراطور درس تلگرافانی پامیر البحر
(روژیو بنسکی) فرموده است و جوانه دی اورا تسخیر
و ضمناً اظهار داشته اند که مرضی خداوندی در فتح و
غیروی ما درین میدان نیست - ولی اهالی از شجاعت شما
خبر نموده دعا مینمایند که خداوند ما را محفوظ دارد

§ دولت آتازونی جهازات فراری روس را در بیلاپتله
داده و خود ذمه دار است آنان را مریدان از سلاح نماید

§ اخبارات فرانس می نویسند سکه بکه سفارت راه در
(سرا لور) و بکه سفیر فوق العاده در برلن فرستاده خواهد
شد که این مسئله را نظار دارند که بواسطه استعفای مسیو
(دلکاسی) مسئله مراکز خیلی تازک شده و مجبوراً مسئله
فرانسه تغییر خواهد یافت

§ وزیر جنگ فرانس حکم صادر نموده که جمیع سرداران
فرانس با تمام قوت و عشون خود فوراً در سرحد حاضر شوند
§ اشهار استندرد می نویسد که دولت انگلیس مقرر داشته
که تمام جهازات جنگی او از دریای چین حرکت نمایند
§ بطریق محتمل اعلیحضرت پادشاه ایران از طهران بجانب
اردها حرکت فرموده :